

نامه خمینی به مجلس: انعکاس تضادهای درون حاکمیت

در هفته گذشته خمینی ضمن پیامی به رئیس مجلس، پیامی به ظاهرا زرمز ورا زوبالحنی فقها نه، به مجلس دولت اجازه می دهد که برای "حفظ نظام جمهوری اسلامی" به طور "موقت" به وضع و اجرای قوانینی بپردازد که میتوان اندرا هنگنای بعضی رفرمهای اقتصادی - اجتماعی کرد. روحانیون و سایر مفسران پیام

خمینی انکار نمیکنند که هدف و مضمون اصلی پیام مذکور، اجرای اصلاحاتی است در نظام سرمایه داری وابسته که بعضی در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی، نظیر اصل ۲۴ (ملی کردن تجارت خارجی)، اصل ۱۰ (سلت مالکیت ازمالکان اموال نامشروع) پیش بینی شده. بقیه در صفحه ۱۱

"وضعیت کنونی و ضرورت وحدت نیروهای انقلابی"

بی تردید شرایط سیاسی حاکم بر جامعه ما نه تنها سازمانهای انقلابی بلکه هر فرد آگاه و مومنی به آرمانهای توده های مردم را ملزم میسازد که با توجه دقیق به لحظات تعیین کننده و سرنوشت سازی که اکنون میهن ما از سر میگذراند، نسبت به سرنوشت انقلاب ایران و آرمانهای توده های مردم، برخوردی جدی، مسئولانه و انقلابی داشته باشد. زیرا هرگونه بی مسئولیتی و هرگونه برخورد نادرست به اوضاع سیاسی جاری و لحظات سرنوشت ساز کنونی نه تنها نتایج فاجعه انگیز و غیر قابل جبران بیا خواهد آورد، بلکه برای همیشه در تاریخ میهن ما ثبت خواهد شد و نسلهای آینده بزشتی از آن یاد خواهند کرد.

جنبش انقلابی ایران، امروز در معرض همان آزمون تاریخی قرار گرفته است که حزب توده در شرایط دیگر با آن روبرو بود و نسل امروز جز با نفرت و زشتی از آن یاد نمی کند. از این رونه تنها در شرایط حساس کنونی، مسئولیتی خطیر بر دوش همه سازمانهای انقلابی قرار دارد، بلکه در آینده و نیز در پیشگاه توده های مردم باید جوابگو باشند.

شرایط حساس و بحرانی لا اقل در سطح سازمانهای انقلابی بر کسی پوشیده نیست

بقیه در صفحه ۲

انتخابات فرمایشی

گفته بود که اگر آراء کمتر از دهنه قبیل باشد دلیل آنست که مردم از جمهوری اسلامی بریده اند لذا با بیستی آراء آنان چنان میساختند که روی گردانند مردم از رژیم مشخص نشود. از این جهت بود که دست اندرکاران انتخابات بسودن کوچکترین حجب و حیا شی، و علیرغم تحریم انتخابات از جانب مردم، و علیرغم خلوت بودن چشمگیر حوزه های رای گیری در تهران و شهرستانها - که از گزارشات -

انتخابات قلابی و رسوای سومین رئیس جمهوری حکومت جمهوری اسلامی به مبارکی و میمنت الی و با بیش از شانزده میلیون رای با بیایان رسید و سید علی خامنه ای کسی که خمینی خودش او را - بزرگ کرده است! رئیس جمهور شد. اکنون دیگر برای هیچکس - حتی طرفداران رژیم - پوشیده نیست آرائی که بی نام خامنه ای اعلام شد سر تا پا ساختگی، اغراق آمیز و قلابی بود و چون خمینی

بقیه در صفحه ۱۵

یورش گسترده رژیم به کردستان

ادامه سیاستهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی
درباره علل، نتایج و درسهائی که میتوان از یورش اخیر گرفت

در یادگیری مسلحانه فدائی کبیر، رفیق سیامت اسدیان * (اسکندر) به شهادت رسید!

در حین انجام وظایف انقلابی، با نیروهای مزدور بسیج و پاسدار، در شهر آمل درگیر شد و پس از گشته و زخمی نمودن یک اکیپ گشتی دشمن، به همراه دو رفیق فدائی دیگر، طی یک جنگ و گریز قهرمانانه، تا آخرین فشتگ جنگید و سرانجام به شهادت رسید. (بزرودی شرح درگیری و زندگینامه سراسر حماسه رفیق و دو همسرش را منتشر خواهیم کرد.)

رفیق "اسکندر" همسر "حمید اشرف" با رزیدیک دکتر اعظمی لرستانی، مسئول نظامی تشکیلات کردستان طی شش ماه پس از انشعاب و هموزم دلیر خلق قهرمان کرد، یکی از قدیمی ترین کادرهای سازمان و عضو کادر مرکزی روز ۶۰/۲/۱۳

در این شماره

● یورش به انقلاب...

● جنبش کارگری

● مردم چه میگویند؟...

● بقیه اسامی شهدای شهرو

مرکز حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

“وضعیت کنونی و ضرورت وحدت نیروهای انقلابی”

بقیه از صفحه ۱

اوضاع اقتصادی و سیاسی جامعه بسیار وخیم تر و عریا نتر از آنست که نیاز به تشریح و توضیح دوباره داشته باشد. تنها کافیست که بگوئیم و خامت اوضاع اقتصادی و شرایط اسف بار زندگی توده های مردم بچنان مرحله ای از تگم مل خود رسیده است که در طول سالهای اخیر بیسابقه بوده است. رژیم جمهوری اسلامی طی نزدیک به سه سال گذشته بتجربه نشان داد که نه تنها بارها و ثوانائی مها را این بحران عظیم و کاستن از بار فقر و فلاکت توده رادارا نیست بلکه مدام بحران را تشدید و فلاکت را با بیعادی کم سابقه رسانده است. بر مبنای همین بحران و تشدید م افزون تضادهای - اجتماعیت که شرایط سیاسی پس از قیام و وقایع چند ماهه اخیر از جمله توسل رژیم بقهر و سرکوب عریان قائل توضیح و تبیین اند. هنگامی که رویدادهای پیش از ۳۰ خرداد بر می افکنیم درمی یابیم که تحت تاثیر بحران اقتصادی و سیاسی تشدید مداوم تضادهای اجتماعی و اعتلا روز افزون حسر بوده ای. پایه های رژیم سیاسی حاکم بد لرزه در آمده بود. در چنین مرحله ای از تکامل و رشد بحران اقتصادی و سیاسی، رژیم سها جازه خود را در این دید که تمام برده های ربا و فریب را کنتر زند و با توسل به سرکوب عنان گسیخته و ترورسم عریان، که بیان چیزی جز تشدید تضادها نیست، خود را موقتاً هم که شده ازین بسنت و مهله که موجود برها ندوسدی در مقابل اعتلا روز افزون جنبش توده ای ایجاد کند. رژیم با رویدادهای ۳۰ خرداد حکومت نظامی اعلام شده ای را به مرحله اجرا در آورد. تمام آنچه را که از طریق آنها امکان بروز نا رضایتی وجود داشت موقوف و ممنوع کرد، هرگونه نشریه و هرا رگان و نهادهای را که بنحوی میتواند تریبون مخالفت با رژیم حتی از نوع بی خطر آن باشد، تعطیل کرد، اخراج و بازداشت نیروهای انقلابی را در کارخانه ها، مدارس، ادارات و همه ارگانها و نهادهای تشدید نمود. در مدتی کوتاه تعداد زیادی از انقلابیون را که اینک از مرز و هزار گذشته است حتی بدون محاکمه صوری بخواه اعدام سپرد. در یک - کلام رژیم در قبال تعمیق بحران و تشدید تضادها حکومت ترور و اختناق را برقرار نمود و کوشید تا با یک تعرض گسترده و شیوه های مرعوب کننده براضع مسلط شود. و درست در چنین شرایطی که ضد انقلاب تعرض گسترده و متمرکز خود را آغاز نمود، سازمانهای انقلابی در منتهای پراکندگی فقدان وحدت عمل و سیاست مشترک بسر می بردند و توده های بی سرپرست فاقه زد رهبری و چشم انداز روزی در برابر یک تازی ارتجاع قرار می گیرند. در این میان - سازمان مجاهدین خلق نیز با ارزیابی نادرست از شرایط، عدم توجه به مرحله تکامل رشد جنبش و برخی شیوه های نادرست اسیر پروکاسیون میگردد. در ادام تحریکات هیئت حاکمه گرفتار می شود به پای مبارزه قطعی می رود، و به یورش ارتجاع میدان میدهد. توده ها مرعوب میشوند و محیط رعبا و وحشت برجامعه حاکم میگردد و این امری طبیعی است. زیرا از توده مردم، از مردم

عادی کوجه و خیابان نمیتوان انتظار داشت که با توجه به مرحله عینی و ذهنی رشد و تکامل جنبش در برابر ارتجاع مرعوب نشوند. بقول لنین: "اعدامها و سرکوبها و دادگاههای نظامی، مردم عادی کوجه و خیابان را که جهان بینی و تاکتیکهای منجم حزبی "پرا آنها حاکم نیست، مرعوب میسازد. آنها "بدنیال جریان شنا میکنند" و از "حالت معین جنبش پیروی میکنند" این امر بویژه در شرایطی که هنوز موقعیت انقلابی فراهم نشده است، از اهمیت بسشت بیشتری برخوردار است، حتی در شرایطی که موقعیت انقلابی هم فراهم شده باشد، اما شرایط ذهنی انقلاب آماده نباشد، باز هم شیوه های قهر و سرکوب هیئت حاکمه قادر است برای مدتی هر چند کوتاه مردم را مرعوب سازد و حالت معین از فقدان اشکال آشکار مبارزه توده ای را پدید آورد. اما تجربیات جنبشهای انقلابی بمانیا موزد که این حالت نمیتواند پایدار باشد و برای مدتی بآلتسه طولانی ادامه یابد، مگر آنکه ضد انقلاب با انجام برخی رفرمهها بویژه رفرمه های اقتصادی و تخفیف یا حل بسی بحران از حدت تضادها بکا هد. نمونه ها در این مورد فراوان است و در ایران شاه بودیم که چگونه پس از اعتلای سالهای ۳۹-۴۲ و سرکوب جنبش ۱۵ خرداد با انجام یکسری رفرمه برای مدتی بآلتسه طولانی رکود بر جنبش حاکم شد. اما رژیم جمهوری اسلامی در انجام چنین وظیفه ای نمی گوئیم مطلقاً "بلکه بسیار - ناتوان است. ناتوانی ذاتی اقتصادی و سیاسی رژیم، تناقضات درونی آن و انبوه دشواریهای اقتصادی و سیاسی که با آن روبروست و ماطی مقالات جداگانه مفصلاً در مورد آنها بحث کرده ایم، مانع از آن میگردد که بتواند از حدت تضادها بکا هد و جنبش را بسوی یک رکود سیاسی طولانی سوق دهد. هم اکنون نیز شاهدیم که رژیم سواي ناتوانی خود در بگزش در آوردن - چرخ اقتصاد و فشارهای اقتصادی و مالی بیشتری را بتوده ها تحمیل کرده است. بنا بر این منطقی نیرومند تر از منطبق جماعت سرکوب علیه رژیم جمهوری اسلامی در حال عمل کردن است و آن منطبق قوانینی است که مستقل از اراده و شعور همه نیروهای درگیر در جامعه عمل می کند. تضادها را - تشدید می کند، توده ها را در باره هر چه مبارزه آشکارا خواهد کشا ندر رژیم را هر چه بیشتر بروطه نابودی و سرنگونی سوق خواهد داد. اما باید در نظر داشت که این تشدید تضادها، و عمق یابی مداوم بحران الزاماً "مترا داف پیروزی انقلاب نیست، تشدید مداوم بحران و تضادهای اجتماعی دنیروی انقلاب و ضد انقلاب را برای حل خود فرامیخواهند. تجربیات بحران بزرگ ۳۳-۱۹۲۹ و تجربیات انقلابهای نیمه کاره در شرایطی که جامعه مدتها عرصه کشاکش انقلاب و ضد انقلاب قرار داشته است نشان میدهد که بحرانهای بسیار عمیق انقلاب و ضد انقلاب را با هم رشد میدهد. اگر نیروهای انقلاب بدلائل متعدد قادر نباشند بحران را حل کنند و جامعه را از تلاشی نجات دهند بحران، ضد انقلابی نیرومند تر را برای حل خود فرامیخواند. بحرانهای عظیم

سالهای ۳۳-۱۹۲۹ بویژه بدلائل ضعف نیروهای انقلابی، فقدان شرایط لازم - ذهنی و اشتباهات نیروهای انقلابی به سلطه فاشیسم و ارتجاعی ترین رژیمها انجامید. بنبرد طبقا تی حاد و کشاکش انقلاب و ضد انقلاب در فرانسه پس از انقلاب ۱۸۴۸ به استقرار بنا بر تیسما نجا میدو. در سالهای اخیر بحرانهای عمیق و تشدید تضادها و مبارزه طبقاتی در کشورهای تحت سلطه و وابسته در بسیاری مواز پس از - مدتی به استقرار دیکتاتوری نظامی - انجا میدو است. حساس بودن شرایط کنونی جامعه ما نیز از اینجائائی میشود که جامعه ماطی دوران پس از قیام مدام عرصه کشاکش انقلاب و ضد انقلاب و نوعی توازن نیروهای طبقاتی بوده است. - طبیعی است که این کشاکش و درگیری یعنی وضعیتی که یکی از دنیرویونستنا است بر دیگری چیرگی قطعی پیدا کند و خود را قطعاً مستقر سازد، اما مدام یکدیگر را فرسوده و تضعیف نموده اند و جامعه را در حالت بلاتکلیفی و عدم تعادل قرار داده اند، نمیتواند مدتی طولانی برجامعه حاکم باشد. زیرا جامعه در هر حال تابع "نظمی" است که از خصوصیت ذاتی و قوانین درونی آن ناشی می گردد. در - مقاطعی از تکامل جامع بشری نیروهای حاکم را تا استقرار نظم نوینی را بر عهده دارند و علیه نظم موجود بیا می خیزند تا نظم جدید را مستقر سازند، اما اگر نیروهای پاسدار "نظم" گذشته و نیروهای حاکم مل نظم جدید، در چنان موقعیتی باشند که نتوانند "نظم" خود را مستقر سازند، نوعی احتلال در "نظم" جامعه بروز می کند. طبیعی است که جامعه و قوانین ذاتی آن نمیتواند برای مدتی طولانی این وضع را تحمل کند. بر آنجا مرهائی جامعه دورا حل قاطع را می طلبد، یا شیوه ای کاملاً انقلابی ویر - اساس ابتکار رتوده ای، یا شیوه ای که ضد انقلابی، وضعیت کنونی جامعه ما نشان می دهد که ضد انقلاب حاکم تنها با تکا سرکوب قادر نیست بحران کنونی را مهار و جلوتشید تضادها و رشد نا رضایتی را سد کند، بلکه با لعکس با صرف سرکوب تضادها را تشدید خواهد کرد و بحران عمیق تری را پدید خواهد آورد. اما ضد انقلاب حاکم - همان حال که زمینه سرنگونی خود را تسریع می کند، با سرکوب جنبش انقلابی و یورش دیوانه وار به سازمانهای انقلابی راه را برای استقرار ضد انقلابی دیگر هموار می کند، از این دیدگاه تنها رسالت ضد انقلاب حاکم در شرایط کنونی در اینست که در حالیکه خود را بسوی نابودی قطعی سوق میدهد، منتهای ضربه را به نیروهای انقلابی وارد آورد. و این درست سیاستی است که در خدمت امپریالیسم آمریکا و بورژوازی بزرگ قرار دارد. رژیم جمهوری اسلامی در لحظه کنونی مناسب ترین رژیم است که میتواند، اهداف - امپریالیسم را در سرکوب جنبش انقلابی عملی سازد. کذا رژیم ضد انقلابی سرسپرده میتواند این جنبش آشکارا رویی پیروا در مدتی بدین کوتاهی هزاران تن را - دستگیر، شکنجه و دسته دسته بخواه اعدام بسپارد؟ کذا رژیم سرسپرده و شناخته شده آمریکا می تواند این جنبش گستاخانه و دم منشا نه بمقا بله "خطر سرخ" بر خیزد و بنام انقلاب، انقلاب را در هم کوبد. پس بی دلیل نیست در حالیکه امپریالیسم آمریکا و بورژوازی بزرگ نظا ره گرد رگیری این - بقیه در صفحه ۷

گزارشی از جنبش کارگری

بدنبال یورشهای حاکمیت پس از ۲۰ خرداد، اعدای دسته جمعی، خانه - گردیهای وسیع، تفتیشهای خیابانی و بالاهره‌ها و اخراجها و دستگیریهای فوج - فوج کارگران - حتی در مواردی اعدام آنها ضرورت ارزیابی مجدد جنبش کارگری و تعیین وظایف پیشرو در قبال این جنبش بصورت امری فوری مطرح بود. آنچه در زیر میآید گزارشی است - به نیروهای جنبش انقلابی و بطور خاص به رفقای کارگر، با این امید که در ترسیم وضعیت کنونی جنبش کارگری و بحث حول مسائل آن مفید واقع شود.

برای ترسیم وضعیت کنونی جنبش کارگری باید گفت که جنبش کارگری نسبت به شرایط پس از ۲۷ تیر در بسیاری از موارد خود را با زنیافته است. گزارشات را با حذف یکسری نمونه‌هایی که شبیه هم بوده اند در زیر می آوریم:

صنایع دفاع:

در حمله وحشیانه رژیم به کارخانجات صنایع دفاع هدف اصلی حمله شوراها و نیروهای مترقی بوده اند. در زیر چپین بلافاصله شورای فرمایشی جای شورای منتخب کارگران را میگیرد، در سایر کارخانجات هم شوراها را (فرمایشی) یکی پس از دیگری در حال تشکیل شدن هستند. در تعدادی از کارخانجات افراد فالتو که عضوانجمن اسلامی نبوده و کمتر منفویوشناخته شده هستند که ندیدند نمائندگی شده اند و همه کارکنان آنها را اعضای انجمن اسلامی نیستند. بطور کلی ترس از ترور در کنار سایر مسائل باعث شده بعضی از اعضای انجمن سعی کنند کمتر آفتابی شده و بیوندشان با انجمن فاش نشود. افراد مکتبی علاوه بر قبضه شوراها در مدیریت نیز تفریباتی داده اند. برخی از مدیران استعفا کرده و یا تعویض شده - اند و جای ایشان را مدیران مکتبی گرفته اند. حتی چند تن از مدیران که به همبستگی کارگران اخراج شده بودند بازگشته اند تا در کنار انجمن اسلامی شوراها را برای بهبود تفتیش و سرکوب - کارگران بپردازند.

قبل از ۳ خرداد جو کلی کارخانجات صنایع دفاعی از خود و اکثر کارگران در - بحثهای سیاسی شرکت داشته اند. پس از ۷ تیر این فضا از بین رفته و جای خود را به رعب و وحشت داده بود. بخصوص در برخی کارخانجات پارچین که حاکیست ضربت نشان داده و روز ۸ تیر حدود ۱۲ نفر از کارکنان را دستگیر نمود. در حال - تشکیل را دستگیر نمود. موج دستگیریها به سایر کارخانجات صنایع دفاعی نیز رسیده و وعده‌ای بدون هیچگونه مدرکی دستگیر شده اند. اکثر نیروهای شناخته شده هوادار مباحث دین کارخانه‌ها را ترک کرده اند. دستگیرشدگان را ابتدا به کمیته و سپس به دادرس ارتش می‌برند. اما با همداینها جور ع و وحشتی که بر کارخانجات سایه افکنده بود می‌رود - در حال تغییر است. شعار نویسی در دست - شوینها زیا د شده و بحثهای سیاسی در جمع های کوچک آغاز شده است در صنایع هوا پیمایی دوسه ساعت پس از ترور راجائی و با هنر سکوت شکسته وضع عادی میشود. در برخی کارخانجات نیز مفاومتها یی در برابر انتخابات اجباری وجود داشته که بعنوان نمونه میتوان از صنایع هوا پیمایی نام برد. کارکنان صنایع هوا پیمایی انتخابات را تحریم کردند بطوریکه فردی فقط با غرای به شورا رفت.

اعتراضات فردی نیز زیا د شده که در یکی دو مورد به حرکات جمعی انجام داده است. مثلا "کارگران مکانیک که بعد از قیام تاکنون حرکات کمتری نسبت به سایر کارخانجات داشته اند، بخاطر مسائل صنفی دست به اعتصاب زدند. اعتراضات بیشتر در رابطه با مسائل صنفی و بخصوص مسکن است اما مسائل سیاسی و جلوگیری از اخراج هم برایشان مطرح است. مقابله با اعضای انجمن اسلامی نیز شدت گرفته و در صنایع هوا پیمایی و... هنگام مورود افراد انجمن به سالن کارخانه خوری کارگران با هم کشیدن و ورود آنها را خیر میدهند. و این حرکات باعث وحشت و انزوی افراد انجمن شده است.

جنرال موتورز:

در کارخانه جنرال موتورز پس از - انفجار دفتر مرکزی حزب (۷ تیر) حدود ۱۰۰ نفر دستگیر شدند. تمامی این افراد - از ۲ سال پیش توسط شورای فرمایشی تهیه شده بود. شورای حزبی و انجمن اسلامی جوخفقان را بر کارخانه کم نموده اند، قدرت غالب در کارخانه انجمن اسلامی است و شورا فعالیت چندانی ندارد. اخیرا "چند نفر به نمایندگی از سوی مدیر برای تهیه مواد اولیه از آمریکا شده اند.

مسئله عمده کارگران در شرایط کنونی جلوگیری از اخراج است و ترس از اخراج مسائل دیگر را تحت الشعاع قرار داده است.

ترس و وحشت کارگران در حال تعدیل است و سکوتی که پس از ۷ تیر ایجاد شده بود در زمان انفجار دفتر نخست وزیر وجود نداشت. بطور کلی بحثها و اعتراضات در حال شکل گیری است. کارگران برای - بازگشت یکی از اخراجیها طوما رتهیه کرده اند و یک عضو انجمن اسلامی هم از ترس کارگران آنرا امضاء نموده است.

شرکت واحد اتوبوسرانی:

پس از ۳ خرداد اعضای شورای مرکزی دستگیر شدند. این مسئله در کنار تعویض برخی از مدیران لیبرال با افراد مکتبی با همکاری نزدیکی بین مدیریت و انجمن اسلامی برای سرکوب کارگران بوجود - آورد. انجمن اسلامی که پیشتر اهدا فاش را از طریق افراد شناخته شده اش دشوار یا از طریق زکاتال مدیر و شیوه‌های اداری انجام وظیفه میکند. مدیریت نیز بیشتر به تصفیه کار صر منترقی توجه دارد تا با لابردن رانندگان کار "خیرا" عده‌ای بسجی را استخدام نموده و برای جا سوسی به بخشهای مختلف فرستاده اند. همچنین برای تکمیل سرکوب دست به فرمایشی زدند است که بنظر میرسد بیشتر بمنظور ایجاد تفرقه باشد تا رفاه کارگران، مثلا "اضافه کاری که مدتهاست به کسی تعلق نمی گرفت به نسیمی از کارگران و چندین دستگاه خانه به تعداد کلی از آنان داده - اند. در رابطه با عتومان اضافه دستمزد به هر کارگر هم سنگ اندازی کرده و قصد دارند بنسبت ۲ تا ۳ عتومان به دستمزد ها

اضافه کنند. کارکنانی در بین کارگران بسیار زیا د است و به مرور به اشکال مقابله با اعضای انجمن اسلامی و بسجی ها از یک طرف و کم کاری از طرف دیگر نمود مییابند. کارگران از طوما ری که انجمن اسلامی برای تشکیل شورای جدید تهیه کرده بود استقبال نکردند و همچنین با ورود جاسوسان بسجی همه جمع کارگران همس کشیده و یا بسجی گویند آنتی آمدور واردی نیز به آنها گفته اند: "درست است که بخاطر ۳ عتومان همکارانتان را لود دهید؟". کم کاری نیز بشکلی جدی خود را نشان میدهد. بطوری که از ۷ یا ۸ ساعت وقت کار حدود سه ساعت بیشتر کار نمی کنند و بقیه اوقات را به نوعی تلف میکنند. کمبود قطعات یدکی هم با این مسئله کمک کرده است. بطوری که در حال حاضر حدود ۱۰۰ دستگاه اتوبوس در توقفگاهها خوابیده است. اما هنوز حرکات شکل اشکال جمعی بخود نگرفته است. شعار نویسی در اتوبوسها زیا د شده است. اخیرا "طی بخشنامه‌ای از راننده ها خواسته اند که شعارهای "فدا انقلابی" را پاک کنند. اکثریت کارکنان واحد هیچگونه توهمی نسبت به حاکمیت ندارند و در انتظار سرنگونی حاکمیت هستند. جملاتی چون: "تا وقتی این رژیم هست وضع ما بهتر نمیشه"، تازه رژیم روزهای خوبش را میگذراند، وضع از این بدتر هم میشه"، اینها رفتنی هستند زیا د - شنیده میشود. اما بنظر میرسد برای خودشان نقشی در این سرنگونی قائل نیستند. نسبت به جنگ نیز بی تفاوتند بقیه در صفحه ۴

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات
ضد امپریالیستی - دموکراتیک - خلقهای ایران

گزارشی از جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۳

وبرخلاف سابق که عده‌ای دا وظایف نه برای تعمیرات به جبهه‌ها می‌رفتند اکنون چند نفر را با اجبار می‌برند. از بین نیروهای سیاسی مجاهدین بدلیل مطرح بودنشان در سطح جامعه از مجبوریات بیشتری برخوردارند و محور بحثها هستند اما بطور کلی برای کارگران مرزبیسر اپوزیسیون انقلابی و ضد انقلابی روشن نیست و چشم اندازی از حاکمیت آینده ندارند. از ترور و بمب گذاری حمایت آشکاری نشده و نمونه‌های محکوم کردن نیز ندانسته‌اند. عکس العمل کارگران در مقابل آتش زدن اتوبوس‌ها متفاوت بوده است. برخی از کارگران عقب مانده این حرکت را لطمه به بیت المال دانسته و قبول ندانند اما اکثریت قریب به اتفاق را نندگان مخالفتی نگردانند و بالعکس به زمره‌ها مبنی بر اینک که هنگام آتش زدن اگر افراد کارگران از اتوبوس پیاده شوند اخراج و دستگیر میشوند، معترض هستند.

پارس الکتریک:

اوایل تیرماه حدود ۳۰ نفر از کارگران را دستگیر کردند که از این تعداد دعتن اعدام شده اند و عده‌ای اخراج و بقیه در زندان بسر می‌برند. کارگران شناخته شده و هواداران مجاهدین فراری هستند و سایر کارگران کاملاً مرعوب شده اند پس از این جریان شورای اسلامی تشکیل شده و مدیران لیبیرال نیز بسا مدیر مکتبی تعویض شد. کارگران شخص خمینی را مسئول مستقیم سرکوب و... میدانند و با تمسخر و نفرت از او یاد می‌کنند. پس از مدتی بحثهای سیاسی شروع شده ولی هنوز شکل جمعی ندارند، بخصوص که عده‌ای پاسدار دختر جدیداً برای جاسوسی استخدام شده اند و مسلح به کارخانه می‌آیند مسئله عمده کارگران جلوگیری از اخراج است و خطر دستگیری و اخراج برای همه وجود دارد.

مینو:

تاکنون ۱۲ نفر از کارگران اخراج شده اند این عده برای بازگشت یکبار تلاش میکنند و هر روز جلوی در کارخانه جمع میشوند. جو این کارخانه نسبت به سایر کارخانه‌ها تیک تراست شورا ندارد و انجمن اسلامی هم فعال نیست. به دلیل کمبود مواد اولیه خطر بیکاری برای کارگران وجود دارد و حال حاضر قسمتها یک هفته در میان کار میکنند.

بوکان:

بوکان یک کارخانه خصوصی است و کارگران آن نسبت به کارخانه‌های دولتی از امتیازات خاصی برخوردارند. تاکنون حدود ۴۰ درصد افزایش حقوق -

داشته اند و این مسئله در کنار سایر امتیازات باعث کند بودن حرکت در بوکان شده است. انجمن اسلامی فعال نیست ولی شورا به فعالیت مشغول است، نمایندگان شورا از اعضای انجمن اسلامی نبوده و برای برآورده ساختن برخی از خواسته‌های کارگران نیز تلاش میکنند. از آنجا که دوره این شورا تمام شده اخیراً مسئله انتخابات شورای جدید مطرح شده است. تولید کارخانه از ۶۰ میلیون تومان کمک ۶۰ میلیون تومان دولت به چهار هزار سیلندر رسیده است و مواد اولیه هم بطور مرتب از ژاپن و... می‌رسد. جو کلی کارخانه تغییر چندانی نگردانده ولی کارگران از مراسم انجمن استقبال نمی‌کنند مثلاً در مجلس ترحیمی که برای با هنر و رجائی برگزار شده عده بسیار کمی شرکت کردند. اخیراً کارگران یک قسمت برای تاخیر در پرداخت سود ویژه نیمه اول سال اعتصاب داشتند.

درخشان:

این کارخانه حدود ۶۰۰ - ۵۰۰ نفر کارگر دارد و تولید کننده مواد پلاستیکی می‌باشد پس از ۳۰ خرداد کارگر بجرم - هواداران از مجاهدین اخراج شده اند جدیداً ساعات کار را به ۴۸ ساعت افزایش داده اند و در عوض قول داده اند یک روز حق اضافه کاری بدهند، اما کارگران با این مسئله مخالفت کرده و با تهیه طوماری با ۱۴۵۰ مضاء مدیریت را وادار به عقب نشینی کرده اند.

بلا:

کارگران بلا در برابر نرزیبا دشن ساعت کارشان دست به مقاومت زدند. روز اول کارگران سر ساعت قبلی دست از کار کشیده و سوار سرویسها شده اند، با مقاومت یک بارچه شان توانستند نیم ساعت وقت نهار را جزو ساعات کار بحساب کارفرما بگذارند. بعد از ۳۰ تیر تا کنون از این کارخانه حدود ۶۰ نفر دستگیر شده و عده‌ای فراری هستند.

ارج:

برخلاف سایر کارخانه‌ها که سعی خردا در آغاز سرکوب و دستگیری در آنها بود، این روز برای کارگران ارج پایا ن کاربرد. چون مدتی قبل پس از یک اعتصاب حدودی و هفت نفر را دستگیر کرده بودند که از این عده ۱۷ تن آزاد و بقیه با اتمام تحویل کارگزینی شدند. انجمن اسلامی تازه تاسیس این کارخانه بسیار فعال است و سازماندهی مرتبی دارد.

بافکار:

انجمن اسلامی ز قدرت زیادی برخوردار است و از بالا (احتمالاً خوب) حمایت میشوند. هیچگونه پایگاهی ندارد و تنها عده‌ای عنا صر فرصت طلب دورشان جمع شده اند، سایر کارگران حاضر به همکاری با انجمن اسلامی نیستند برخی از آنان میگویند: "همین روزها منحل میشود و تو تف و لعنتش برای ما می‌ماند". در انتخابات اجباری شورا کارگران - آگاه با تصویب اساسنامه شورا های خانه

کارگر مخالفت کردند، اما پس از تشکیل هیئت نظارت از حدود ۲۰۴ نفر که با اختیار شرکت کرده بودند حدود ۱۰۴ نفر رای می‌دهند بقیه روی کارتهایشان مهر می‌زنند ولی رای نمی‌انداختند و بالاخره با تقلب نمایندگان قبلی انتخاب شدند.

تاکسیرانان:

مسائل تاکسیرانان عمدتاً از کارخانه شرکت تعاونی شان میگذرد. (این شرکت بیش از یک میلیون تومان سرمایه دارد). اخیراً "حزب کاملاً آنرا قبضه کرده و چند نفر را مأمور اداره آن - نموده است. رانندگان هیچگونه نقشی در تعاونی و اتحادیه آن ندارند و مسئولین کنونی شرکت تعاونی تاکنون سه بار مانع تجدید انتخابات شده اند، در این صنف نیز هم مانند سایر جاها پس از تشریحهای سیاسی جای خود را به سکوت و ترس داد. اما زبانه‌ها در دست و خلی زود بحثها و اعتراضات شروع شده است. علاوه بر بحث در تاکسیرا، سه مدیران و سران شرکت تعاونی هم فحش میدهند. اوایل تیرماه هم حدود ۲۰۰ نفر از رانندگان در اعتراض به نبود روغن و مسائل صنفی دیگر جلوی تعاونی جمع شدند که بدستال این حرکت چند نفر از ستاد امنیت به آنجا آمده و با وعده و وعید‌ها بی رانندگان را پراکنده کردند. در تاکسیرانان جاسوسی سرکوب بر عهده شرکت تعاونی است و بر نامه‌هایی برای کنترل ۱۸ هزار راننده دارد. اخیراً - فرمی به رانندگان داده اند و تا کسی رانان معتقدند که این فرم برای شناسائی و تصفیه است.

شرکت تعاونی به تخریب با توقهای تاکسیرانان پرداخته تا از تجمع و تصمیم گیری آنان جلوگیری کنند. در حال حاضر حدود هشت با توق از بین رفته و اما کن رسمی چون قهوه‌خانه‌ها تهدید شده اند زیرا مکان خراب شدنشان وجود نداشت.

خواسته‌های عمده رانندگان در شرایط کنونی، انتخابی بودن شرکت تعاونی، تهیه قطعات یدکی، روغن ماشین، مسکن، و غیره... می‌باشد. شرکت تعاونی وسایل یدکی را مستقیماً از سیونا لتحویل گرفته و در بازار می‌فروشد و چیزی نصیب تاکسیرانان نمی‌شود، برای تهیه روغن هم معمولاً یک روز کارشان می‌خواهد بنظر میرسد بزودی حرکاتی در رابطه با مسائل صنفی آغاز شود.

داروپخش:

قبل از بمب گذاری دفتر حزب جمهوری اسلامی بحثهای سیاسی در این کارخانه زیاد بود و نسبت به کارخانه‌های دیگر از جنبه‌ها "خوبی برخوردار بود. حتی بعد از ۳۰ خرداد هم کارگران در مورد اعدامها، بخصوص اعدام رفیق سید صحبت میکردند و نسبت به این اعمال - رژیم اظهار خشم می نمودند. بعد از تیر این جوتا حدود خیلی زیادی شکست و کارگران دیگر در جمع صحبت نمی کردند

بقیه در صفحه ۱۰

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

یورش گسترده رژیم به کردستان

ادامه سیاستهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی

درباره علل، نتایج و درسهائی که میتوان از یورش اخیر گرفت

بقیه از صفحه ۱

رژیم ارتجاعی و ضد انقلابی حاکم طی چند ماه گذشته به موازات یورش سراسری به خلقهای ایران و نیروهای انقلابی حمله گسترده و همه جانبه ای را به زحمت کشان کردستان و بیابانهای نیروهای جنبش دموکراتیک خلق کرده آغاز کرده است. گام اول این تعرض گسترده که همزمان با عزل بنی صدر آغاز شد، مقاومت قهرمانانه پیشمرگان خلق کرد و روبرو شد. در درگیری های اول بویژه با سرنگون شدن چندین هلیکوپتر، نابود کردن تمام کما ندهای عملیات اشغال روستای گل تپه (در محور مهاباد میاندوآب) و خلع سلاح تپه لتون (اطراف سقز) متلاشی شدن یک ستون در اطراف یابو به هلاکت رساندن سرگردشهرامفر که کلاً توسط پیشمرگان حزب دمکرات کردستان صورت گرفت و متماقب آن تعرض گسترده پیشمرگان خلق کرد به ناپاکهای رژیم، موجی از شورش و شوق در شهروستان کردستان بوجود آورد.

آقا سمیتقو سارما مدی (از روسای عشایر و از همدستان سلطنت طلبان و بظا هر مدافع نظرات توده ایها) و نیز با کمک فکری و عملی توده ایها، اکثریتی های راست و دارودسته گروه چغری برهبری غنی بلوریا ن توانستند مناطقی مهمی را اشغال نمایند. در این حمله از نظر نظامی جریان مزدور قریباً ده موقت بعثت آشنائی به مناطق سرو، ترکور و مرگور و اشنویه نقش مهمی داشت. در جنوب - کردستان رژیم با استفاده از درگیری بین حزب دمکرات و کومله بیک حمله وسیع دست زد که در این حمله نیروهای سرگوبگر رژیم توانستند قسمتهای آزاد شده جاده جنوبی سنندج - مریوان و بخشهای ازگامیاران را به تصرف خود در آورند. در مرکز کردستان رژیم طی یک یورش گسترده و وسیعانه از چند محور به شهر بوکان علیزغم اینکها این شهر اهمیت استراتژیک نظامی ندارد، توانست آنرا اشغال نماید. حدود دو هفته قبل از این حمله چندین گردان ارتشی از نیروهای لشکرگران در میاندوآب مستقر و نیز چندین گردان در سقز آماده باش بودند. در این حملات نیز نقش قیاده موقت را نباید بدفراوش کرد. قبل از اینکه حمله از محور میاندوآب به بوکان صورت گیرد رژیم بیک انتقام گیری از زحمتکشان منطقه دست زد و طی حمله ای که با ساداران به کوره پزخانهای اطراف تپه ساری قمیش نمودند، تعداد زیادی از کارگران کوره پزخانه ها را شهید کردند. درنده خونی و شقاوت پاداران در این یورش بحدی بود که خشم و تنفر توده های وسیع مردم در منطقه را بشدت برانگیخت. اما علیرغم ضربات با بدیاد آوری کنیم که رژیم هنوز هم نمیتوانند مدعی حاکمیت کامل در کردستان گردد. هنوز اکثر روستاها و جاده های کردستان در دست پیشمرگان میباشند و مناطقی اشغال شده توسط رژیم نیز در محاصره توده های مردم و پیشمرگان مسلح میباشد. با این وجود نباید از دست رفتن این مواضع را هر چند موقتی و نا پایدار باشد نادیده گرفت و لازم است علل و نتایج این تحولات را بررسی و درسهائی لازم از آنرا موقتاً، هماتصور که با رها گفته ایم رژیم جمهوری اسلامی رسالتی جز با زپس گرفتن دستاوردهای انقلاب از مردم و جلوگیری از گسترش و تعمیق انقلاب و با زسازی نهادهای ضربه خورده سرما به داروایسته ندارد. این رژیم در موقعیت خودویژه کنونی یعنی کشاکش انقلاب و ضد انقلاب

نقش عمده در جبهه ضد انقلاب دارد. این رژیم از ابتدا دشمنی آشکار خود را با جنبش دموکراتیک خلق کرد اعلام داشته و با تمام قدرت در صدد سرکوب خلق کرد برآمده است. رژیم جمهوری اسلامی غیرمقابلینکه بارها به دروغ زنا بودی جنبش مقاومت کردستان صحبت میکرد، اما هر بار نتوان بر زپس به اقدامات سرگوبگرانه دست میزد. رژیم جمهوری اسلامی بدستی دریا فته بود که بجز در میان تعداد معدودی خائن خود فروخته (چاشها) و عده ای محدود ترغیب طلب (چاشها) و سازشکار نمیتوانند هیچگونه ناپاکهای در کردستان داشته باشند. از این رو هنگامیکه رژیم حملات گسترده ای علیه توده های مبارز مردم ایران و نیروهای انقلابی در سراسر ایران آغاز میگرداند تنها نمیتوانست کردستان را از این حملات مستثنی نماید، بلکه طبعاً مسی با یستی این حملات به کردستان گسترش بیشتری یابد. اما یورش اخیر از جنبه دیگر برای رژیم اهمیت داشت علیرغم اینکه رژیم توانست با یک دست کردن خود سرگوب نیروهای انقلابی را که از مدتها پیش نقشه آنرا کشیده بود پیش برد. اما از آنجا که بحران عمومی جامعه رژیم را در سراسر اشیب سقوط قرار داده است، مسلمانان در چنین حالتی وجود مناطقی آزاد شده در کردستان اهمیت بسیار خواهد یافت و نیز جنبش دمکراتیک خلق کرد میتواند از لحاظ شکل برای بخشهای بسیار از ایران و از لحاظ مضمون برای خلقهای تحت ستم مضافاً ایران یک الگوی نسبتاً پیروز مند باشد. مضافاً "برای اینکه نیروهای عمده رهبری کنندگان این جنبش در موضع قدرت قرار دارند و جنبش ملی - دموکراتیک خلق کرد با مقاومت قهرمانانه اش در گذشته و تعرض گسترده اخیرش توانسته و میتواند ضریبات مهلکی بر پیشگروان رژیم جمهوری اسلامی وارد آورده و نیز قادر است بعثت وجود ناپاکهای عملی و نیروهای سرگوبگر پرسنل انقلابی و مردمی نیروهای سرگوبگر را که حاضر به سرگوب خلق نیستند از خود جای دهد. این امکانات گسترده برای انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران در نقاط دیگر فراهم نیست از این رو رژیم ضد انقلابی نمیتواند اسلامی عزم به سرگوب هر چه بیشتر خلق کرد میکند. در این میان نبض عوامل دیگر نیز در تصمیمات اخیر رژیم موثر بوده است از آنجمله وضعیت قیاده موقت مسی بقیه در صفحه ۶

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

پورش گسترده رژیم به کردستان...

بقیه از صفحه ۵

باشد. قیاده موقت یک دارودسته مزدور برهبری مسعود و درین بارزانی می باشد. فرزندان ملامصطفی بارزانی می باشد. این جریان که با راه توسط سازمان ما طی سه سال گذشته افشاء شده است نقشی جز مزدوری برای ارتجاع در منطقه ندارد. رهبران قیاده موقت بخوبی میدانند که سقوط رژیم جمهوری اسلامی منجر به سرچیده شدن حیات انکلی آنها در ایران خواهد شد و از آنجا که در میان خلق کرد عراق هم جانی ندارند سرنوشت خود را با سرنوشت جمهوری اسلامی یکی میدانند برای آنها هم همانند جمهوری اسلامی مساله مرگ و زندگی مطرح است بویژه آنکه قیاده موقت از نظر سیاسی در عراق مرده است و ایجا دجبهه با حزب کمونیست عراق نتوانسته است برای این نیروی مزدور حیثیتی بدست آورد.

از عوامل مهم دیگر موقعیت ویژه جریانات بختیار ریس و سلطنت طلبان (برهبری آریانا) در منطقه شمال کردستان می باشد همسوئی و اتحاد عمل آنها از - کاتال ستار ما مدی یا رژیم جمهوری اسلامی یک امر تصادفی یا برسبیل اخبار نبوده است تمام شواهد و دلایل موجود و همچنین اطلاعات موشق بر این امر دلالت میکنند که تا کتیک کنونی این جریانات حفظ و بقای خود در ارگانهای دولتی می باشد. طبق تصمیمی که این جریانات گرفته اند بنده کلیه عوامل خود دستور داده اند، سعی کنند زهر عملی که موجب شک و شناسایی آنها شده موقعیت آنها از بین می رود و یا منجر به دستگیری آنها میشود خودداری کنند. این جریانات معتقدند که با یدرگیری بین نیروهای انقلابی و رژیم منجر به تضعیف هر دو طرف گردند تا خود بتوانند موقعیت مناسب سر بر آورند. ضمناً "بعنوان یک امر تاکتیکی و بدون اعلام رسمی با شرکت در سربو نیروهای انقلابی و خلقهای ایران موقعیت ویژه ای برای خود به دست می آورند و هم رقیبان خود را در صحنه سیاسی تضعیف میکنند. تمام تبلیغات و انتقادات شدید این اپوزیسیون ضد انقلابی علیه مجاهدین خلق از جمله طرح اشتباهات مجاهدین در مورد قبول میثاق بنی صدر بدینجهت است که می خواهند برای آینده خود را تنها صحنه گردان مبارزه با رژیم معرفی نمایند. از اینرو همسوئی با رژیم بطور کامل در مناطقی که هرگز نمیتواند بصورت پایگاه مستحکم برای رژیم باشد، بسود خود تشخیص میدهند بویژه آنکه این همسوئی منجر به تقویت خوانین و سران عشایر در این مناطق میشود که با یگا طبیعی اپوزیسیون ضد انقلابی نیز می باشد. اما در این میان باید نقش جریاناتی از قبیل گروه پتفری منشعب از حزب دمکرات کردستان ایران بر رهبری غنی بلورین، جناح راست اکثریت

و حزب توده را مورد توجه قرار داد. این جریانات که محور شکل آنها بر اساس خط مشی حزب توده می باشد از مدت ها قبل برای کردستان به رژیم طرح ارائه می دادند و منتظر بودند تا رژیم جمهوری اسلامی این واقعیتی را بپیدا کند تا با برسمیت شناختن حقوق ملی خلق کرد "ضد انقلاب" را در منطقه ایزوله نماید. و حال آنکه این رژیم اگر حقوق ملی خلق کرد را به رسمیت میشناخت و اگر حتی کوچکترین اقدام رفاهی و عمرانی در این منطقه صورت میداد دبرایش ضرورتی پیش نمی آمد تا با فتوای سران عشایر و افراد شناخته شده ای چون معبودی ها و خسروی ها متحد شود و پس از آنکه استغاده لازم را نمود آنها را از صحنه خارج و حتی احياناً "به زندان" اندازه سرنوشتی که به احتمال قوی برای توده ایها و شرکا - پیشان پیش خواهد آمد.

بهر رو با در دست گرفتن ابتکار عمل توسط ارتش و شخص ضیاء شیریازی سپاه پاسداران ارومیه نیروهای سرکوبگر تصمیم گرفتند که از همدا مکانات علیه جنبش خلق کرد استغاده نمایند و ازینرو دست رفرمیستها این خائنین به خلق کرد را موقتاً "بفشار" رفرمیستها هم با این ادعا که در این همکارانی تنها ضد انقلاب (بخوان نیروهای شرکت کننده در جنبش مفاومت خلق کرد) را سرکوب می کنند و به مردم را حاضر به این خوش خدمتی میشوند تا شاید پس از مدت ها رژیم حضور - مستقل آنها را بپذیرد. ولی همه میدانند که اگر رژیم بطور نسبی موفق شود خواستار خلع سلاح بین نیروها خواهد شد. و عهد و پیمان که هم اکنون در روستای "ژادانه" در اطراف ارومیه با شرکت نمایندگان رژیم - قیاده موقت، حزب توده، اکثریتی های راست و غنی بلورین بسته شده است به زودی زیر پا گذاشته خواهد شد. و این برای جناح راست اکثریت بورژوازی سرنوشتی غم انگیز خواهد بود که دفاع از رژیم با توجیه ضد امپریالیستی بودن آن، آنها را به جاشی کشانده است که در کناره قیاده موقت، فتوای سران عشایر - ترگور و مرگور قرار گرفته اند. اکثریتی های راست و همپالکی ها پیشان در این مورد که ملا "در منجلاب ضد انقلاب غرق - شده اند و هیچ توجیهی نمیتواند برای آنان کار ساز باشد.

اما تحلیل سازمان انقلابی زحمت کشان کردستان (کومله) در این مورد جای اندکی مکت دار دارد. این سازمان از شرکت رفرمیستها در جنگ شمال کردستان چنین نتیجه میگیرد که انگیزه اصلی از شرکت این نیروها ایجا دیک پایگا ذخیره - می باشد. در واقع کومله میخواهد اینگونه نتیجه بگیرد که در تغییر رژیم اسلامی منافع شوروی از طریق حفظ این منطقه توسط توده ایها و... حفظ خواهد شد (نقل به معنی از زیر نویس جزوه تدارک قیام. ضمیمه ۳ پیوسته ۲). کومله در تحلیل این پدیده آنچنان دچار ساده نگاری و سهل اندیشی شده است که گویا میخواهد مناسبات طبقاتی در یک روستای عقب مانده کردستان را تحلیل نماید. در حالیکه "ولا" اتحاد شوروی علیه رژیم گرایشات انحرافی اش ما هیتا "نیتواند بعنوان یک نیروی که در تقسیم اقتصادی و جغرافیائی جهان شریک باشد بر رسی

شود تا نیا "هژمونی در بین نیروهای - شرکت کننده در این سرکوب بعهد رژیم جمهوری اسلامی (عمدتاً "ارتش) بود و نیه توده ایها و... و در این هم نمیتوان شک نمود که رژیم جمهوری اسلامی در کلیت خود کناره کشورها یسویالیستی و از آنجمله اتحاد شوروی قرار نداد. ثلثاً "بیجا به دلایل شواهد متعدد در منطقه کردستان وجه در سرا سر ایران - هر تغییر انقلابی در حاکمیت سیاسی ایران و پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نه فقط ایران یک قطب مخالف شوروی نمیشود، بلکه احتمالاً "موضع صریح و روشنی نسبت به دوستان خلقهای ایران و همکاران با آنها خواهد داشت (مگر اینست کومله در این توهم با شکسته تغییرات انقلابی در ایران به رهبری کومله صورت میگیرد). همچنین اگر حتی فرض را بر این قرار دهیم که شوروی دارای خصلت امپریالیستی می باشد نیز نمیتواند توجیهی در تحلیل کومله شود زیرا مگر نه اینست که استعمار رونه از طریق تسلط مستقیم، بلکه از طریق طبقات وابسته بخود عمل میکند و حفظ این منافع نیز از کاتال بورژوازی وابسته بخود می پذیرد. بهر حال تحلیل کومله چه از نظر سیاسی (قرار دادن اتحاد شوروی در صف ضد انقلاب) و چه از نظر جامعه شناسی و تحلیل طبقاتی (که نفوذ امپریالیسم را در کشورهای سرمایه داران وابسته از طریق طبقه سرمایه داری وابسته ارزیابی نموده و به مناسبات تحت نفوذ معتقد می شود) بدینا نگر نفوذ اندیشه های نیمه - فتوادل - نیمه مستعمره می باشد - انحرافی است.

از طرف دیگر تبلیغات حزب دمکرات کردستان به گونه ایست که گویا نیروی عمده در این سرکوب سلطنت طلبان - بختیار ریس و عوامل امپریالیسم آمریکا (قیاده موقت) می باشد. در صورتیکه کلیه این عوامل در کناره روز بر رهبری رژیم جمهوری اسلامی در یورش اخیر معنی و مفهوم و موقعیت پیدا میکند. در این تردیدی نیست که همه عواملی که حزب دمکرات بدان اشاره میکنند دشمنان خلق کرد می باشد اما نیا بدفرا موش کرد که چه در یورشهای اخیر چه در طی سه سال گذشته این رژیم جمهوری اسلامی بود که دشمن اشکار و عمدتاً خلق کرد بود و در واقع توطئه های اشکار و رونه امپریالیسم جهانی از کاتال رژیم جمهوری اسلامی به مورد اجرا گذاشته میشود. تبلیغات حزب دمکرات و بزرگ کردن نقش سلطنت طلبان و عوامل امپریالیسم و سران عشایر - واقع و عملاً "پنهان کردن چهره رژیم جمهوری اسلامی در یورش اخیر می باشد. اما آنچه که پیش از همه در تحلیل یورشهای اخیر اهمیت دارد نتایج یورش ها است که میتوان آموخت و ما به مهمترین آنها اشاره میکنیم:

۱- اولین و مهمترین نتیجه این یورش روشن تر شدن هر چه بیشتر دوستان و دشمنان خلق کرد می باشد. مشخص میشود که به صرف کرد بودن فرد یا جریانی نمیتوان آن فرد یا جریانی را دوست خلق کردنا مید. مردم کردستان بیش از پیش در مییابند که اندیشه کردگرای صرف نمیتواند را هگشای مبارزات آنها گردد. شرکت وسیع قیاده موقت متلاشی شدن و فرار رهبران سپاه زرگاری به عراق، - بقیه در صفحه ۱۶

وضعیت کنونی و

بقیه از صفحه ۲

دو نیرو هستند، با حمایت آشکار و ضمنی خود رژیم را در سرکوب نیروهای انقلابی یاری میرسانند و نیروهای ضد انقلاب غالب و مغلوب بویژه در ارتش و بوروکراسی و برخی مناطق نظیر کردستان دوشادوش - بکدیگر نیروهای انقلابی را سرکوب میکنند بی دلیل نیست که در یک لحظه شناخته شده ترین نیروهای وابسته به بورژوازی - بزرگ و سرسپردگان امپریالیسم نظیر شریعتمداری جیها، قشقائیه و خا نهایی بلوچستان و دیگر نیروهای شناخته شده امپریالیسم که داعیه مخالفت با رژیم حاکم را داشتند، در یک لحظه محو میشوند. در چنین شرایطی که بیش از هر زمان در قبال چشم انداز و وضع و وحدت آشکار و پنهان جناحهای مختلف ضد انقلاب علیه نیروهای انقلابی، نیاز به وحدت همه نیروهای انقلابی و متروقی و دمکرات احساس میشود. در چنین شرایطی است که با کمال تأسف شاهد اتحاد دیگری از نیرومندترین سازمانهای انقلابی ایران یعنی سازمان مجاهدین خلق ایران با جناحی از لیبرالها برهمنی بنی مدرونی و توافقی بر سر یک میثاق بورژوازی - رفرمیستی هستیم. امری که نه تنها نمیتواند وحدت نیروهای انقلابی را جهت تشکیل یک آلترنا تیا انقلابی تیر و مندتا مین کند و سرنگونی رژیم را تسریع نماید بلکه بالعکس به مانعی در جهت وحدت تبدیل شده است. زیرا که این اتحاد و این برنامه عمل نه تنها از دیدگاه ما سازمانها و گروههای م - ل که از موضع طبقه کارگر حرکت میکنند بویژه بی تکر خواستها، آمال و آرزوهای توده های مردم و منطبق با مرحله کنونی انقلاب و نیازهای آن نیست، بلکه از دیدگاه بسیاری از نیروهای انقلابی، متروقی و دمکرات دیگر نیز این وحدت و این برنامه نمیتوانست مورد تأیید و قبول قرار گیرد. مجاهدین خلق نیز اکنون تا حدودی این مسئله را درک کرده اند و نتوانند قرض برخی مضمکیریه و مصالحه های مسعود رجوی که بطرح برخی مسائل پرداخته است که در میثاق وجود ندارد، بیان همین امر است. نشان داده است. مجاهدین خلق نمیتوانند در همان حال که خواستار تغییرات رادیکال و دمکراتیک و تغییر نظام سیاسی موجودند، از میثاق شورای مقاومت که یک میثاق بورژوازی - رفرمیستی و خواهان اصلاحاتی در نظام اقتصادی و سیاسی موجود است - دفاع کنند. سازمان مجاهدین خلق نمی تواند در همان حال که خواهان نزدیکی و اتحاد با گروهها و سازمانهای انقلابی و متروقی ست در کنار لیبرالها قرار گیرد. بنا بر این سازمان مجاهدین در چنگال یک تناقض قرار گرفته است، تناقضی که سرانجام میباید میان لیبرالها با برنامه رفرمیستی و نیروهای انقلابی با برنامه - ای انقلابی یکی را انتخاب کنند. و بی شک پیشرفت مبارزه و منطبق مبارزه - انقلابی، دمکراتیهای انقلابی ما را مجبور خواهد کرد که اتحاد با نیروهای انقلابی و برنامه انقلابی را بپذیرند. از این رو وحدت مجاهدین و بنی مدرونی شکننده

است که نمی تواند با دیدار با قیما ند، تنها وحدت اصولی و انقلابی آن وحدت نیست که بین سازمان مجاهدین خلق و دیگر سازمانهای انقلابی، متروقی و دمکرات - حول یک برنامه انقلابی صورت گیرد. تنها این وحدت میتواند با توجه به وضعیت حساس کنونی پاسخی انقلابی به نیازهای مبرم جنبش باشد. بر مبنای چنین درکی است که ما از مدتها پیش با توجه به چشم انداز و وضع سیاسی جامعه بر ضرورت تشکیل یک آلترنا تیا انقلابی که قادر باشد وسیع ترین طیف نیروهای انقلابی، متروقی و دمکرات را در برگیرد و توده های مردم را در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، استقرار یک جمهوری دمکراتیک و انقلابی و امر تداوم و تکمیل انقلاب هدایت کند، اصرار داشتیم. از دیدگاه ما مبنای تشکیل یک چنین بلوک انقلابی را سازمانهای م - ل و دمکراتیهای انقلابی تشکیل میدهند که با ارائه یک برنامه و پلاتفرم انقلابی که دقیقاً "منطبق با نیازهای کنونی جامعه و در جهت پاسخگویی به اساسی ترین خواسته های کارگران، دهقانان و دیگر افشار خلق در مرحله کنونی انقلاب قرار دارد وسیع ترین بخش توده های مردم را گرد خود جمع آوری کند. ما همزمان با رد میثاق شورای مقاومت، تلاشهایی را بمنظور مذاکره و تبادل نظر بر سر یک برنامه انقلابی و یک ائتلاف با نیروهای انقلابی و متروقی، از جمله سازمان مجاهدین خلق، راه کارگر، جناح چپ اکثریت، حزب دمکرات کردستان، کومله و چریکهای فدائی خلق آغاز کردیم. ما در مذاکرات شفاهی خود با نمایندگان سازمان مجاهدین خلق نظر صریح خود را پیرامون غیر اصولی بودن اتحاد آنها با بنی مدرونی و پیشتر میثاق بورژوازی - رفرمیستی از جانب آنها خاطر نشان ساختیم و با تأکید بر حساسیت شرایط و نقش مجاهدین خلق در مرحله کنونی جنبش، خطوط کلی پیشنهادات خود را که بیان اساسی ترین خواسته های مردم در مرحله کنونی انقلاب است بعنوان مبنای مذاکره و اتحاد نیروهای انقلابی ارائه دادیم. این مذاکرات میان ما و سازمانهای انقلابی دیگر همچنان ادامه دارد و نتوانستیم که به برخی نتایج مثبت نیردست یافته ایم. در این زمینه ما با راه کارگر و جناح چپ اکثریت بیک موضع گیری واحد در قبال میثاق شورای مقاومت و ارائه یک پلاتفرم واحد دست یافتیم و مدتی نیز با انتشار این پلاتفرم حاصل نتایج مشخص تر از مذاکره با گروهها و سازمانهای انقلابی دیگر بتعمیق افتاد. از این رو بنا بر اساس بودن شرایط، در همان حال که مذاکراتمان را با همه گروهها و سازمانها ادامه میدهم، مواد مورد توافق را بصورت یک نامه سرگشاده به سازمان مجاهدین خلق منتشر کردیم. ما وظیفه خود را دانستیم که یکبار دیگر در نظر عموم خلق و همه سازمانهای انقلابی و دمکرات شرایط حساس کنونی و مسئولیت مجاهدین خلق را در شرایط موجود جنبش خاطر نشان سازیم و آنچه را که میتوانند در ارتباط با منافع اساسی کارگران، دهقانان و دیگر افشار خلق، بعنوان مبنای حداقل وحدت - نیروهای انقلابی قرار گیرد، بصورت یک پلاتفرم ارائه دهیم، ما ضمن تأکید بر این مسئله که تحقق کامل خواسته های توده ها و پیروزی قطعی انقلاب دمکراتیک تنها با همزونی پرولتاریا امکان پذیر است

معتمدیم این پلاتفرم گرچه خطوط کلی و اساسی یک برنامه حداقلی پرولتاریا را شامل است، اما در انطباق کامل با آن نیست. بلکه برنامه عمل مشخصی است که بدون هرگونه گذشت های غیر اصولی با توجه به تواناییها، موقعیت و نقش سازمانهای م - ل و دمکرات، وضعیت عینی جنبش طبقه کارگر و دیگر اقشار خلق میتواند در لحظه کنونی مبنای وحدت نیروهای انقلابی، متروقی و دمکرات قرار گیرد. ما بخوبی در این برهه از تاریخ سرخوش - سازمانهای مان برخورداریم که از سوی امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی، جنبش خلق و انقلاب ایران را تهدید می کند. اگر میم، از همین روزها می نیروهای انقلابی و دمکرات بویژه سازمان مجاهدین خلق میخواهیم که با یک برخورد مسئولانه به شرایط سرخوش ساز کنونی، گامهای عملی و جدی در راه وحدت بردارند و با لازم به تذکر نیست که پلاتفرم ارائه شده به هیچ وجه منحصر به گروهها و سازمانهای امضاء کننده آن نیست بلکه مبنای است برای مذاکره و رسیدن بیک توافق عملی با همه نیروهای انقلابی. ما در آینده طی یک سلسله مقالات به تشریح بندهند این پلاتفرم، ضرورت طرح مواد آن و نشان دادن ماهیت انقلابی آن خواهیم پرداخت اما در اینجا بطور کلی خاطر نشان میسازیم که در این پلاتفرم برخلاف تمام ابهامها و دوپهلوهوگیهای میثاق، از همان آغاز بر صراحت بر ضرورت سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی تأکید شده است. در این مسئله کمترین تردیدی نیست که برخلاف ادعای میثاق، این عدم اجرای درست قوانین و نقض آنها از سوی سرمداران کنونی حاکمیت نبوده است که رژیم ترور و اختناق را بر میهن ما حاکم گردانده است بلکه نقش همان قوانینی اساسی و سیستم سیاسی حاکم است که از همان آغاز بنقض حقوق و آزادیهای مردم پرداخت و ثمره آن امروز کشتار و اختناق، سرکوب و سلب ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای مردم است. این نه حزب جمهوری اسلامی بلکه رژیم جمهوری اسلامی است که امروز بصورت مانع اصلی عمده بر سر راه انقلاب و تحقق خواسته های مردم در آمده است. لذا سرنگونی انقلابی این رژیم و مضمحل کردن کل نظام سیاسی حاکم، اولین گام در راه تحقق خواسته های مردم و رهایی از سر رژیم ترور و اختناق موجود است. تفاوت این سرنگونی با - خواست همه اپوزیسیون های ضد انقلابی، در انقلابی بودن آن است. رژیم جمهوری - اسلامی باید بدست توده های مردم، با ابتکار انقلابی آنها و با قیام مسلحانه خلق سرنگون شود، بدون سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی و بدون توسل به ابتکار توده ای هرگونه صحبتی درباره انقلاب و تحقق خواسته های توده ها حرفی بوج و بی معنا خواهد بود. رژیم جمهوری اسلامی باید سرنگون شود و بجای آن یک نظام جدید، یک جمهوری دمکراتیک و انقلابی مستقر گردد. اما چگونه تحقق این امر از همان آغاز مشروط به پیش شرطها نیست که از جمله استقرار یک دولت موقت انقلابی و تحقق فوری ترین خواسته های توده های مردم است. تنها پذیرش سرنگونی رژیم جمهوری

وضعیت کنونی و.....

بقیه از صفحه ۷

اسلامی کافی نیست. هر نیرویی که واقعا انقلابی و دمکرات باشد باید پذیرد که بجای حکومت سرنگون شده باید یک دولت موقت انقلابی مستقر گردد. دولتی که از بطن مبارزات توده ها برآمده، محسوس قیام پیروز مندر خلق باشد و ارگان اقتدار آن محسوب گردد. بدون استقرار این ارگان اقتدار خلق، ارگانی که موقتا زمام امور را تا گشایش مجلس مؤسسان و استقرار نظام نوین در دست می گیرد، تحقق فوری خوری ترین خواسته های انقلابی و دمکراتیک مردم را بمرحله عمل در می آورد امکان پذیر نیست. این دولت وظیفه دارد بقایای ضد انقلاب را درهم کوبد. آزادی سیاسی را برای خلق و همه سازمان های انقلابی و دمکرات فراهم آورد و با تضمین آزادی تبلیغ شرایط را برای گشایش یک مجلس مؤسسان دمکراتیک و انقلابی تأمین کند و فوری ترین خواسته های توده های مردم را که در بندهای بمدی پلاتفرم آمده است عملی سازد. فراهم کردن زمینه برای تشکیل یک مجلس مؤسسان دمکراتیک و انقلابی و خلقی یکی از مهمترین وظایف دولت موقت انقلابیست. کسی نمیتواند شعار یک مجلس مؤسسان دمکراتیک و خلقی را مطرح کند مگر آنکه ضرورت دولت موقت انقلابی را بعنوان پیش شرط تشکیل یک چنین مجلسی بپذیرد. عدم طرح دولت موقت انقلابی، در یک پلانفرم، از دو دیدگاه رفرمیستی و آنارشیمیستی ناشی میشود. دیدگاه رفرمیستی شعار مجلس - مؤسسان و شعایر فوری ترین خواسته های مردم را می پذیرد، اما تضمین عملی آنرا که وجود یک دولت موقت انقلابیست نمیداند. از سوی دیگر کسی جز آنارشیمیست ها نمیتواند

تصور کند که بهر حال بدون یک دولت اساسا گشایش و دعوت مجلس مؤسسان ممکن نیست. چنین در برخورد با کسانیکه مروج یک چنین دیدگاهی بودند، میگفت..... تشکیل مجلس مؤسسان بهر حال بدون کمک هر نوع دولت و با نتیجه بدون کمک دولت انقلابی، آنارشیمیست است. بهر رویکی از وظایف مهم دولت موقت انقلابی فراهم آوردن زمینه برای تشکیل یک مجلس حقیقتا "دمکراتیک، مؤسسان و خلقی است. و یک مجلس خلقی بقول لنین مجلسی است که در وهله اول بیانگر اراده خلق باشد، بمنظور تأمین این هدف، ما باید خلق را عمومی را در تمام جنبه های دمکراتیک اش داشته باشیم و تضمین کامل آزادی برای انجام مبارزه انتخاباتی وجود داشته باشد، مجلسی است که ثانیا حقیقتا "قدرت و توریته" تا سبب یک نظم سیاسی را دارد که حاکمیت خلق را تأمین خواهد کرد. کاملا بدیهی است که بدون این دو شرط این مجلس نمیتواند حقیقتا خلقی و نه حقیقتا "مؤسسان باشد" (وظایف دمکراتیک پرولتاریای انقلابی) بعلاوه دولت موقت انقلابی نباید با وعده گشایش مجلس مؤسسان و استقرار نظام جدید، تحقق خواسته های فوری مردم را به تعویق اندازد بلکه بفروری با بدآزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم را تأمین کند، برای حفظ و تدوام انقلاب با بتکار توده های میدان دهد، شو راه های کارگران دهقانان، سربازان و دیگر اقشار خلق را بر سمیت بشناسد. بمنظور دفاع از دست آوردهای انقلاب، تأمین اقتدار خلق و تضمین برقراری یک حکومت دمکراتیک و انقلابی، خلق را آواضح کند، تا تجربه گذشته یکبار دیگر تکرار نگردد. حقوق برحق و عادلانه خلقهای ایران که سالیان در از انبمیعض اقتصادی، سیاسی اداری و فرهنگی رنج برده اند، باید بفروری تأمین گردد. خواسته های فوری

کارگران نظیر اجزای شمار ۴۰ ساعت کار و دوروز تعطیل در هفته، افزایش دستمزدها متناسب با مخارج و هزینه های کارگران، یک ماه مرخصی سالانه و خواسته های دیگر عملی گردد. انجام اصلاحات ارضی دمکراتیک از طریق شوراهای و کمیته های دهقانی و معادله زمینهای زمینداران بزرگ و لفقولکلیه دیون و بدهی دهقانان بکنها، زمینداران و ربا خواران بصورت یک امر عاجل بمرحله اجزای در آید. بمنظور کاستن از بار فقر و فلاکت توده ها اقدامات فوری در جهت مبارزه با گرانی و بیکاری و تأمین مسکن صورت گیرد. بمنظور مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داران وابسته و مبارزه جدی و عملی علیه آنها، همه سرمایه های بزرگ معادله و کنترل شو راه های کارگری در همه واحدها و موسسات تولیدی برقرار گردد. تجارت خارجی، کلیه بانکها و موسسات مالی ملی گردد، همه قرارداد های افسار تبار با امپریالیست ها افشا و انشاء گردد و بلاخره دولت موقت انقلابی موظف است که در سیاست خارجی یک سیاستی ضد امپریالیستی اتخاذ نموده و با همه دولتها، جنبشها و سازمان های انقلابی و مترقی اتحاد و همکاری داشته باشد. تمام آنچه گفته شد، چارچوب یک پلانفرم انقلابیست که مواد آن یا اساسا در مباحثات شورای مقاومت ملی وجود ندارد و باید در برخی موارد بصورت گنگ و مبهم با آنها اشاره شده است. تنها بر اساس یک چنین پلانفرم انقلابیست که میتواند با توجه با وضع حساس کنونی، وحدت رزمندگانه ای میان همه نیروهای انقلابی مترقی و دمکرات ایران صورت گیرد. این امید که همه سازمانها و گروه های انقلابی با برخوردی مسئولانه و انقلابی گامهای جدی و عملی در جهت این وحدت بردارند.

چرا خمینی

دروغ میگوید؟

رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی همواره ناچارند برای نجات خود از ورطه شکستی سیاسی، دست به نیرنگ و فریب زیندوگاه واقعبات موجود در آنچنان آشکارا انکار میکنند که حتی عقب مانده ترین اقشار توده ها را نیز به حیرت و امیدارند. از جمله نمونه های بارز این امر منطقی است که خمینی در روز جمعه هفته گذشته، در حضور سردمداران رژیم و مراسم تنفیذ حکم رئیس جمهور از پیش تعیین شده اش با وقاحت تمام امپراد کرد. نکته ای را که خمینی در این نطق بدان تاکید بسیار داشت و بیشتر صحبت او را شامل میشد، مقایسه شرایط ایران پس

از مرگ رجائی و وضعیت مرئیس از مرگ سادات و تحریف واقعبات موجود در ایران بود. او گفت: "..... و شما مقایسه کنید که ما بین این و کشورهای دیگر از قبیل مصر، عراق و سایر کشورهای نظیر آنها و کشورهای بزرگی که در پس اینها واقع شده اند و هدایت میکنند آن شوکهای خودشان برای بدست آوردن قدرت مقایسه کنید ببینید رئیس جمهوری شهید می شود در ایران هیچ اتفاقی نمی افتد در نسال او و بعد از مدت کوتاه یک رئیس جمهوری بجای او می نشیند. رئیس جمهور فاسد در مصر کشت می شود مریم می خورد، اعلام حکومت نظامی یکسال..... ملست ایران الان آرامش را در کشور ایجاد کرده است و خود آرامش را ایجاد می کنند بدون اتکال به قدرت دیگری دولت هم اتکال از سر نیزه را برداشته و اتکال به خدا و ملست کرده است از این جهت هیچ اتفاقی نمی افتد..... شما دیدید که با این انقلاب عظیمی که در ایران واقع شد یک روز حکومت نظامی اعلام نشد یک روز وضع غیر عادی در هیچ جای این کشور اعلام نشد برای اینکه حکومت نظامی برای سرکوبی ملست است و ماکسی را ندا شتمیم که با ملت جدا باشد و نخواهد ملت را سرکوب کند....." (کیهان شنبه ۲۸ مهرماه ۱۳۴۰) تا یک کمتر شنونده ای باشد که از این سخنان بحیرت نیفتد. خمینی در این

سخنان اشکارا دروغ می گوید، او می گوید اصلا در ایران هیچگاه حکومت نظامی وجود نداشته، در عین اینکه اعتراف می کند حکومت نظامی برای سرکوب ملت است. او که اینک رسماً دستور قتل عام انقلابیون و خلقهای تحت ستم را صادر کرده است، آنچنان به قلب واقعبات می پردازد که ممکنست تنها تنهی میزان را فریب دهد. با بد پرسیها اگر هم اکنون حکومت نظامی برقرار نیست پس ژ - ۳ بدستان کمیته و سپاه و بسیج در خیا بنا چه می کنند؟ این همه کشتارها، ترورها، دستگیریها، شکنجه ها و اعدامها را که در دنیا بی سابقه بوده است چه میتوان تا میدوبلاخره با ساداران سرمایه و مزدوران کمیته چپ و بسیج مسلح به انواع سلاح های گرم که در کوچه و خیابان همچون سگان ولگرد بر سه می زنند و به شکار انقلابیون مشغولند مبین حکومت نظامی نیست؟ اینهمه ما شین گردیها، خانه گردیها، راه بنداشها تفتیش های جورا جورا چه با ید نام نهاد؟ شاید خمینی مفهوم حکومت نظامی را نمیداند! که این نیز از فرمانده کل قوا بعید است. واقعبات اینست که خمینی برای نجات حکومت نتگینش تا چاراست دروغ بگوید و برای او که جانین امام! است دروغ و گوئی مصلحتی برای نجات اسلام! و قرآن! گویند اشکالی ندارد.



یورش به انقلاب، تقویت و تحکیم پایگاههای امپریالیسم

اینک یورش که به تمامی صفوف - انقلاب شکل گرفته است روز بروز شدت میابد. رژیم که با زی مرگ و زندگی را مدتی است آغاز کرده تمامی توان خود را گردآورد و از هر سو بر انقلاب میتازد. یورش همه جا نبه رژیم جنگی سرسری را شکل داده است که در تمامی عرصه های اجتماعی تداوم میابد.

در ارتش نیز رژیم جنگ نهایی خود را جهت تأیید تمامی دستاوردهای قیام و برقراری کامل سیستم ضد خلقی اطاعت کورکورانه آغاز کرده است. رژیم اینک از سویی تمامی حقوق ابتدایی پرسنل را پایمال کرده است، تمامی حقوقی که مبارزه جهت کسب آن پرسنل زحمتکش ارتش را واداشت تا در قیام خلق به شکلی چشمگیر در کناره رتوده ها قرار بگیرند. و از سوی دیگر سیستم اطاعت کورکورانه از فرماندهان آمریکا پروده و اسلام پناها را تحکیم میبخشد. بجای شوراهای اطاعت کورکورانه، بجای آزادی شرکت در احزاب و گروههای سیاسی اطاعت کورکورانه، بجای آزادی نشر و عقاید و افکار، اطاعت کورکورانه و بجای هر خواسته برحق دیگر پرسنل اطاعت کورکورانه، اینک با رد دیگر این جمله در پایگاهها از دهان فرماندهان مزدور - شنیده میشود که "ارتش چناندارد"

در این رابطه بخشنامه های متعددی صادر شده است. از سویی بخشنامه های بسیاری جهت تحدید حقوق و آزادیهای پرسنل ارتش و از سوی دیگر بخشنامه های جهت آزادی هر چه بیشتر مزدوران و سربازان امپریالیسم و بکارگیری فزون تر آنها. در کارنامه ۱۳۰۵ نوشتیم که "بیش از ۲۰۰ بخشنامه از فرماندهی ارتش جهت کنترل و دستورات عملیهای لازم جهت جلوگیری از "حوادث ناگوار" (بخش اعلامیه، سمپاتی، تبلیغ، اخلاک و در امور ارتش) و برخورد به عوامل این حوادث به پایگاهها رسیده است" در این بخشنامه - ها بکارگیری تفتیش عقاید کنترل - کنترل شدید، گماردن جاسوس و خبرچین و هرگونه عمل دیگر جهت جلوگیری از نشر عقاید انقلابی مکرزا "توصیه شده است. مثلاً ۳ ماده است که "کلیه وسایل و حرکات و ارتباطات افراد مشکوک باید تحت - کنترل فرماندهان باشد و فرمانده میتواند در این عمل از فراد مومن و مدیق به انقلاب اسلامی هر طوری که صلاح بداند استفاده نماید" این جملات یعنی -

فرماندهان حق ندارند افراد مزدور حزب اللهی را به طریق به جا سوسی، گشتن و سایر پرسنل، تفتیش بدنی، تعقیب و مراقبت، خانه گردی، تفتیش عقاید و... وادارند. بنه تنها پرسنل شدت تحسنت مراقبتند بلکه خطر پیش اعلامیه و نظرات نیروهای انقلابی آنچنان رژیم را به وحشت انداخته که در صورت پیش اعلامیه در یک یگان و عدم معرفی بخش کننده آن ظرف ۱۵ روز فرمانده آن یگان، محاکمه خواهد شد و این نه تنها بنیانگر وحشت مرگ رژیم زرشاگای پرسنل زحمتکش ارتش است بلکه نمودی از سیاست سیستم ضد خلقی اطاعت کورکورانه حاکم بر - ارتش ...

اما این تنها یک سوی مساله است در روی دیگر که بکارگیری روزافزون مزدوران امپریالیسم، با زسازی هر چه سریعتر ساخت ضد خلقی ارتش و ترمیم بنای وابستگی به انحصارات جهانی قرار دارد. ما در اینجا از بکارگیری - مزدورانی چون قره نی، فلاخی، ظهیرنژاد و... با از غفور فرماندهان کودتاچی (که گرچه عمده کاسه کوزه آن بر سر مچهای عمل یعنی بنی صدر شکست اما با توافق حزبین و تمویب "مام" انجام شد) با از قرار دادهای میلیاردر دلالی خرید سلاح و مهمات و لوازم پزشکی از امپریالیسم و... سخن نمیگوئیم. اما کافیت بخشنامه دیگری را که از سوی "دفتر" امام "در رابطه با ارتش صادر شده است مورد بررسی قرار دهیم تا روشن گردد که چگونه رژیم جمهوری اسلامی و در رأس آن خمینی رسالت خود را جهت حفظ و با زسازی سریع ارتش - آمریکا شیکه با شعار "ارتش برای ماست" شکل گرفت و با فتوای "حمله به پایگاه - ها گناه است" و مردم با بدسلاهیهای را تحویل دهند "تداوم یافت به پایان می برند.

در بخشنامه ۱۱/۱۱/۶۰ عوبه شماره ۱۲/۲/۴۰/۱۲ که از "دفتر مشاورت" - اما به ریاست محترم شورا ایملی قضایی صادر شده است چنین آمده است که "بنیان با مثال امر مبارک اما مبادمت برکات (که جایگزین فرمان مبارک هما یونسی شده است) در پی درخواست جانشین رئیس ستاد مشترک نسبت به رعایت قضا یعنی پرسنل ارتش، حضرت امام مرفرمودند که موازین برابری کلیه ارگانهای مسئول و ذریبط ابلاغ کنید و اجرای دقیق آنرا از آنان بخواهید؛ الف: تخفیف مجازات محکومین به حبس

ابد و تبدیل آن به ده سال ب: نسبت به خیانتها و جنایتهای پیش از پیروزی انقلاب از قبیل قتل و شکنجه و دستور این دو وزارت بیت المال تعقیب قضایی بقوت خود باقیست در مورد سایر جرایم - اعلام عفو میشود. ج: در عین حال از - میان کسانی که بکنایان کبیره آلوده - شده اند از آن عنا صریحه در طول مدت پس از انقلاب متحان شایسته ای در خدمت گذاری به جمهوری اسلامی داده اند مشمول عفو قرار گیرند. د: دادگاهها و دستگاه قضایی و انتظامی از هرگونه احکامی که مربوط به جرایم پیش از انقلاب است جز در مواردیاد شده شدیداً "نهی" میگردد.

بخشنامه های به توضیح ندارد و تنها با بدگفت این مثنی است نمونه خوار. این تنها یکی از مدها بخشنامه دستور و فتوایی است که جهت ساخت ضد خلقی ارتش صادر میگردد. روشن است که خمینی و رژیم جمهوری اسلامی عهده دما ت گرانمایی برای امپریالیسم انجام میدهد. عفو فرماندهان ارتش و تخفیف مجازات این سربازان و بخشودگی تمامی جرایم و سرسپردگیهای قبل از انقلاب در شرایطی صورت میگیرد که هر روز دهها جوان انقلابی تنها بجرم دفاع از حقوق زحمتکش و مقابل به امپریالیسم، سرما به داری و رژیم حامی آن به جوخه های مرگ سپرده میشوند در شرایطی که اعدام انقلابیون بدون محاکمه و حتی در خیابان صورت میگیرد. در شرایطی که بخاطر داشتن یک اعلامیه، نوشتن یک شعار و یا حتی یک کتاب جوانی ۱۳ ساله با مادی رزمنده اعدام میشوند مزدوران امپریالیسم مورد عفو قرار میگیرند. در شرایطی که در زندانها از زندانیان - سیاسی، ز جوانان انقلابی لبریز است و شکنجه گاهای بسیاری فرزندان خلف خلق را شکنجه میدهند، مزدوران - امپریالیسم، سربازان ضد اطلاعات و فرماندهان آریا مهری مورد عفو قرار - میگیرند و گناهانشان به فراموشی سپرده میشود. این بخشودگیها در شرایطی انجام میگیرد که رژیم تمامی نیروی خود را در جهت سرکوب انقلاب بکار گرفته است و بدستی میتوان گفت از هر سو کمر به خدمت امپریالیسم بسته است.

در تکثیر و توزیع آثار
سازمان بکوشید

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

گزارشی از جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۴

ولی درگوشی به دوستان مطمئن شان - تبریک میگفتند. مدیریت این کارخانه پس از تغییر مدیریت نکرد. انجمن اسلامی فعالیت خود را چندبرابر برگردوبه تعداد جاسوسها بیش افزود. جوکلی کارخانه روبه بهبود است و دیگرگران سکوت شدید بعد از تغییر خبری نیست.

دن باکستر:

بعد از تغییر حکم دستگیری دونفر از کارگران از طرف سپاه ما در بند ولی آن - دونفر قبیل از اینکه حکم اجرا شود دیگر به کارخانه نمی آمدند. در این کارخانه هم بعد از تغییر جوخه فغان و سکوت حاکم شد ولی از آنجا که انجمن اسلامی این کارخانه را لیبیرالها تشکیل داده اند و کلاً نسبت به کارخانه های دیگر حزبی ها و جاسوسها کم هستند، این خود رفته - های بعد تا حدود زیادی شکست و بخشها دو باره شروع شد. بعد از ۳۰ خرداد دوجریان - اعدام رفیق سعید سلطانی تعدادی از کارگران این کارخانه در حضور جمع گریه میکردند و هنوز جوخه فغان بیرون از کارخانه نتوانسته بودند در آنها اثر بگذارد. مدیریت شرکت مکتبی است و مدتهاست شروع به استخدام بسیجی ها و پاسدارها کرده است تا بلکه از این راه بتواند جوخه فغان را به سمت حمایت از کمیت ویا حداقل، سکوت بکشانند. مدیر مکتبی بسا رفیقها بی (دادن صبحانه، آسفالته جلوی در) که خیرا "انجام میدهد میخواهد حمایت کارگران را جلب نماید. بسیجی ها و پاسدارها بی که جدیداً "استخدام شده اند عملاً در کارخانه نقش انجمن اسلامی را ایفا میکنند خیرا "نیز به فکر تشکیل انجمن اسلامی و شورای اسلامی افتاده - اند و در این راه نیز قدمهایی بر سر داشته اند. این اشخاص برای کارگران کاملاً شناخته شده و در بین آنها شایسته منفرودند. اکثر کارگران میگویند آنها بسیجی هستند و برای جاسوسی آمده اند" در حضور آنها هیچ صحبتی نمی کنند.

اسکوئپ:

انفجار دفتر مرکزی حزب، افسان مبارزات صنفی کارگران این کارخانه را به همراه داشت. در اوایل این دوران اعتراضی صورت نگرفت ولی بحثهای سیاسی در جمعهای مطمئن صورت میگرفت. نظیر صحبت در مورد حرکات مجاهدین، دروغ بودن وصیت نامه سعادت، اعدام او و خبرهای را دیومجاد، که با حضور انجمن ها متوقف میشد. کارگران از انجمن دوری میکنند و آنان را جاسوس میدانند. با گذشت چند هفته ای از ۲۷ تیر، اعتراضات صنفی نیز شروع شد از جمله اعتراضات پراکنده بر سر آذوقه شدن ساعات کار، تهدید به اعتصاب بعلت - ندان کار کامل پول اضافه کاری، اعتراض به عدم پرداخت پول ناها در ماه رمضان و غیره... انجمن در این دوران قدرت بیشتری گرفته و سعی دارد که شورای فرمانی را تشکیل دهد و اقدام به اخراج کارگر نموده است. تولید به او خود رسیده و داروهای تا دوبرابر برگرانتر شده است.

سندیگها:

صوف خیاط، کفاش، قناد، فلزکار و چاپ و غیره... در حال حاضر سندیگها در ریورشی که خیرا "به سندیگهای خیاط کفاش، قناد، ویا فنده صورت گرفت ۲۲ - نفر دستگیر و سایل سندیگها غارت شده است. در این رابطه انجمن همبستگی با تهیه طوماری به امضای ۴۰ سندیگها - اعتراض نموده است. فردای آن روز در - روزنامه صبح آزادگان مقاله ای تحت عنوان کودتای خزنده سندیگها نوشته شده و پس از آن اعتبار نامه تمام مسئولین سندیگها را لغو میگردد. همچنین اعلام می شود هر سندیگ که تنها در صورتی قانونیت دارد که نصف به علاوه یک افراد آن صنف را شامل شود. مثلاً اگر با فنده ۲۰ هزار - کارگر دارد باید بیش از ۱۰ هزار کارگر عضو سندیگ باشد تا رسمیت یابد. انجمن های اسلامی در بین صوف پیگها بنیاد را و خیرا "یکی از اعضای انجمن صنف خیاط ترور شده است. مسائل اصلی کارگران صنف، بیگاری، گران و کمی مواد اولیه است و از آنجا که در اکثر صنف (غیر از چاپ) فاصله طبقاتی چندانی بین کارگر و کارفرما وجود ندارد، بیشتر دولت را - مسبب بدبختیهاشان میدانند.

با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید

الف	د	ع	۶۰۰
۱۶۱۳	۵۱۲۳	۱۵۱۶۹	۵۲۵۲
۱۱۷۱	۳۵۳۴	ف	۵۱۲۳
۳۴۴۴	ر	۱۰۴۱۳	۳۳۲۳
۳۱۲۰	۲۴۵۹	۵۶۸۴	۵۰۷۰
۲۰۲۰	۱۰۵۵	۱۰۱۰۰	ن
ت	۱۱۱۰	۳۱۱۱	۲۰۴۲۵
۱۰۰۹۱	س	۱۱۲۲۲	۵۴۲۵
ج	۱۵۱۸	ل	۱۰۵۳۲
۱۳۳۲	۵۰۰	۱۱۲۱	۱۰۵۱
ح	ش	م	۵۰۷۱۶
۱۲۲۲	۲۰۱۱	۵۰۵۵	ه
خ	ض	۵۰۵۵۵	۴۰۷۷۷
۲۰۲۰۰	ی	۴۰۲۲	ی
۲۰۲۰۰	۱۰۳۹۱	۳۲۰۰	۲۰۲۲۲
۵۱۱۱		۵۱۱۱	

رفقای رودبار	ه	۷۰۰۰	بدون کد
الف	۳۰۰۰	۵۰۰۰	۴۱۰۰۰
کشاورزان روستای	۴۰۰۰	۲۰۰۰۰	۱۵۰۰۰
اشترتیان	۲۶۰۰	امنیت شمار سید	رفیق و گوین
دختران پیشگام	۲۶۰۰	رفیق ز ۸۱	رفیق ش - ۱
رفقای دختر	۲۵۰۰	کوپن	رفقای کهکیلویه
رفقای اصفهان	۱۳۵۷	وبویر احمد	۲۰۰۰ ریال
خلق	۲۰۰۰	رفقای اصفهان	۵۰۵۱۴
رفقای شهری	تویان	۳۰۰۰	تویان
اضرع جزایری	شهد کیوانی نیا	۶۰۰	تویان
۲۰۰۰ ریال	۵۰۰۰	معلمین	۱۱۱۱۱
رفقای خوزستان	مدرسه پیا	۵۰۰۰	۲۱۰۰
م	۹۵۰	رفیق فاطمی	۲۱۰۰
ص	۱۱۱۱	مرضیه اسکوئپی	۱۶ هزار تومان
ش	۳۱۱۲	جهان	۱۵۰۰
ح	۳۱۱۲	چه گوارا	۲۸۰۰
ش	۲۲۰	سعید	۴۰۴۹
رفقای اهواز	۲۲۲۲	اکبر	۶۱۹۲
م	۲۴۱۹	رفقای مسجد	۱۱۱۱
ع	۵۰۵	سلیم	۱۱۱۱
ع	۱۰۰۵	ش	۱۰۱۰۰
افروز	۲۱۲۰	ر	۱۰۱۰۰
ف	۲۲۲۲	ب	۱۱۵۵
رفقای مسجد	۲۲۲۲	ب	۲۴۲۲
سلیم	۱۱۱۱	ح	۳۷۴۸
ش	۱۰۱۰۰	ف	۱۰۱۱۱
ر	۱۰۱۰۰	ب ۳۹ کوپن	۱۰۰۲
ب	۱۱۵۵	ف ۱۱۱ کوپن	۱۰۰۰۰
ف	۵۲۱۱	نینا	۱۰۰۰
ب	۲۴۲۲	همایون پریزاد	۲۰۱۱۱
ح	۳۷۴۸	پیشگام الف	۵۰۰۰
ف	۱۰۱۱۱		

گزارشی از راهپیمائی...

بقیه از صفحه ۲۱
شرکت کنند، هیچ خبری نبود. توده های بسیار عادی و بی تفاوت به راهپیمائی برخورد میکردند و حتی اغلب آنها به تمسخر می پرداختند. با لایحه وقتیکه راهپیمایان به مسجد رسیدند بدلیل قلت افراد از راهپیمائی صرف نظر شده و بسا شعار "مرگ بر منافق، مرگ بر صدام بیزید" راهپیمائی خاتمه یافت.
کامب B (شهرک هجرت) - معلمان دبستان این شهرک اجباراً دانش آموزان را به صف کرده، خود جلوه دانش آموزان را به دنبال خود در خیابانهای شهرک برآه انداختند. حدود نیمی از دانش آموزان در راهپیمائی شرکت نکردند و قسماً که راهپیمایان از مدرسه خارج شدند به

گزارشی از زندان...

بقیه از صفحه ۱۵
تدریج دانش آموزان بعناوین مختلف از صوف راهپیمایان جدا شده به خانه های خود می رفتند. توده ها بطور عادی زندگی - روزمره خود را میگذرانند و هیچ توجهی به راهپیمائی ندارند. در این راه - پیمائی نیز خبری از پدر و مادرها و اساساً بزرگترها نبود و راهپیمائی اجباراً بعد از گذشتن از چند خیابان خاتمه یافت.
عکس العمل این بود که بگویند خانمها بروید! این حادثه خیلی مؤثر بود همه میگفتند، تقصیر خودمان است، مظلوم میائیم، مظلوم میرویم این سرزنش همه ماست. با یادگاری کرد، همیشه ساکت بود، از این به بعد اینجا هر روز شایلوغ می کنیم، اگر متحدیائیم اینها از دست ما می ترسند.

نامه خمینی به مجلس: انگلس تضادهای درون حاکمیت

بقیه از صفحه ۱

همین بنا بر این پیام دست مجلس و دولت در تصویب و اجرای قوانین و لوایح پیشنها دی نظیر سلب مالکیت از اراضی شهری (ما زاد برون ۱۰۰ متر مربع) اجرای اصلاحات ارضی (بویژه بند ج) و... با ز میگذارد بدون آن که شخصی آیت الله خمینی را مستقیماً در معرض مقابله طرفداران مالکیت بدون حد و حصر قرار دهد.

پیام خمینی در همین حال بطور ضمنی از ستیزه‌های پورده برمی دارد که بر سر حرمت و حدود مالکیت خصوصی سرما به دارا نه میان نیروهای درون حاکمیت در گرفته است. مدتی پیش شورای نگهبان قانون اساسی بخشی از لایحه قانونی لغو مالکیت موا ترا ارضی شهری ما زاد برون ۱۰۰ متر) را مفا بزبا "شرعاً سلام" شناخت و آن را و تو کرد و فرستجانی. رئیس مجلس در اعتراض به حکم شورای نگهبان گفت ما نیز از فقه و اصول بنا خبریم، منتهی این لوایح به لحاظ رعایت مصالح حکومت اسلامی تدوین میشود.

همچنین با توجه به موضوع گیسری مخالفت آمیز مراجع شیعه و سایر بقعه مخالفت شورای نگهبان با تحدید مالکیت اراضی موا ت، روشن بود که لایحه ارضی نیز بجا مخالفت بخش عظیمی از روحا نه ت بزرگ، شورای نگهبان و سایر نیروها و طرفدار باقی مالکیت بزرگ ارضی و یا صنعتی، روبرو خواهد شد، بویژه این که مدتی پیش ۱۰۱ تن از نمایندگان مجلس طی نامه ای به خمینی، خواستار رفع موانع اجرای مصوبه شورای انقلاب در مورد مسئله ارضی شدند. لیکن آیت الله خمینی در این باره پاسخی نداد و به طور کلی معمولاً ترجیح داده است در مورد مالکیت اعم از ارضی و صنعتی، اظهار نظری نکنند. مگر در باره ای از موا رده که مستقیماً زیر فشار موا رزه توده ها قرار داشته، فی المثل شما رهائی که توسط ایادی مستقیم و غیر مستقیم حکومت بسر دیوارها نوشته میشود، حاصل این فشارهاست: "دست های پینه بسته دهقانان سند مالکیت آنهاست"، "ما نه طرفدار سرما به داران هستیم و نه طرفدار رفیقانال - ها"، "من خودم از ظلم خوانین و فئودال - ها خبردارم". لیکن در مجموع چه در مورد نامه نمایندگان مجلس در زمینه اجرای بند ج و چه در مورد شما رهائی مذکور، می توان گفت که آنچه موجب طرح این سخنان شده، بیشتر مصلحت حفظ قدرت و سرکوب مبارزات توده ها بوده، تا دفاع از منافع توده ها و یا سخگوشی به نیت زهای آنها. از اینروست که آیت الله خمینی در تنگنای میان رعایت مصالح کنونی سرما به داران و مالکان، با مصالح اصولی اسلام رعایت نظر سایر مراجع تقلید که بعضاً به صراحت و به کرات، مخالفت خود را با تحدید مالکیت ابراز

کرده اند، و همچنین رعایت مصالح مربوط به حفظ قدرت و فرو نشاندن مبارزه توده ها، با زیرکی و بیژهای مسئولیت کارهای تحدید مالکیت را به عهده مجلس می نهد، آنهم با اگراهی که از سرا پای نامه مبارد.

پس از توی شورای نگهبان نسبت به لایحه ارضی موا ت و شکوه رفسنجانی از این اقدام نزد خمینی و اظهار این که برای رعایت مصالح اجتماعی به تدوین و تصویب چنین لوایحی اقدام میکنیم، وی نامه ای به خمینی نوشت و طی آن رأی خمینی را در باره "احکام ثانویه" ای که با ید به طور "موقت" اجرا شود، جواب داده بود. لیکن پاسخ این استمزا خود - نامه نهفته بود، زیرا رفسنجانی متذکر میشد که این لوایح برای "حفظ مصالح" یا "دفع مفاسد" است که "وجود دارد".

کا ر بردا مصلاح "احکام ثانویه" اسلامی، چه در این نامه و چه در باره سخمنی دقیقاً "دال بر این است که در واقع، اصل و بنیای اولیه" سلام بر این است که مالکیت خصوصی چه به صورت سرما به - داری صنعتی - کشاورزی و چه به صورت فئودالی، محتزم و معزز باشد، ولی اگر "ولای" مصلاح دانست (فی الواقع یعنی شرایط مبارزه طبقاتی و جدال قدرت چنین اقتضا کرد)، میتوان قسمتی از اموالی را که موجب "فساد" میشود از ما حیان آنها گرفت و به حیطة اختیار - مالکیت عمومی یا سایر افراد درآورد.

لیکن این رویه تمامی حکومتها و تمامی ولایای مور است که هرگاه مبارزه نیروهای مردمی برای رسیدن به حقوق خود یا حفظ حقوقی که در اثر مبارزات پیشین بدست آورده اند، شدت یافت و این مبارزه، ارکان قدرت را به لرزه افکند، "ولای" می شود تا حد ممکن در برابر مردم بایستد و سزگوبشان کند تا از حد "مقرر" و "اولیه" تجاوز نشود. اما اگر توده ها عملاً این حدود را زیر پا گذاشتند (فی المثل در مورد اراضی مشمول بند ج و حتی بند دال) و اینسبا مقاومت بیش از اندازه "ولایای مور" در برابر اجرای اصلاحات، موجب تضعیف مبنای قدرت میشود و علاوه بر این اگر در مواردی احساس میشود که اجرای این گونه رفرمها، بویژه از بابا، علاوه بر مزایای دیگر، موجب پیدایش توهمنیت به مردمی بودن حکومت میشود و از شکل مبارزه جویانه و ریشه ای شدن مبارزات و پیدایش اختلاف های طبقاتی نیرومند مخالف با قدرت حاکم جلوگیری میکند، آنگاه برداختن به اصلاحات ضرورت می یابد.

از اینروست که در شرایط کنونی آیت الله خمینی در باره سخبه رئیس مجلس میگوید که "برای حفظ نظام جمهوری اسلامی"، و به تصویب اکثریت مجلس و به

طور موقت و تا موقع رفع "فساد" (یعنی مبارزه توده ها و طبقات خلق) و تا هنگامی که موضوع "فساد" به قوت خود باقی است، میتوان به تصویب و اجرای "احکام ثانویه" پرداخت. در ضمن خمینی تأکید میکند، متجا وزین از "حدود مقرر" تنبیه خواهند شد. این نکته، و اشاره به موقتی بودن این گونه احکام و مسئله "فساد" و "حفظ نظام" جای تردیدی نسبت به ماهیت این پیام قوی نمی گذارد.

لحن پیچیده و فنی رفسنجانی و "فرمان" خمینی که از آن به "تفویض اختیار" و ولایت فقیه به مجلس تعبیر شده است، در واقع نشان میدهد که مخاطب اساسی این نامه، برخلاف معمول سخنان ساده و عوام فریبانه آیت الله خمینی توده های مردم نیستند، بلکه روحا نهون و فقیهای مخالف با ترک اصول اولیه اسلامی هستند. همچنین تا کنیدا و بر این که متجا وزین از "حدود مقرر" این گونه قوانین تحت تعقیب قرار گیرند، ناظر بر شکایات و مسائل بانک و بزرگ روحا نهون، از نحوه اجرای مصوبات شورای انقلاب در مسئله ارضی است. کما اینکه خود رفسنجانی نیز طی جمعا حبه ای عهد نهال این "فرمان" قاش کرده که در اجرای مصوبات شورای انقلاب در تقسیم اراضی (کشاورزی) یا... اراضی شهری... اما ما از این وضع نگران و نا راحت بودیم که به نام قانون تجا وزاتی شده و میشود و مجریا نگاه می (به شیوه) افراطی با مصوبات برخورد میکنند.

در هر حال لحن پیچیده و شیوه رندانها به سخگوشی خمینی و مضمون اساسی نگاه روشن می کند که وی نیز باطناً "راضی به ترک قوانین" اولیه" اسلامی، یعنی تجا وزیه مالکیت خصوصی نیست، بلکه نگران تجا وزیه آن است. و به دیگر روحا نهون نیز پاسخی میدهد و نیز هما نندا نشان می ندهد، منتهی رعایت مصالح "ضرورتها"، به زبان ساده تر حفظ قدرت اقتضا میکند که موقتا "در - برا برا مواج مبارزات حق طلبانه مردم عقب نشینی شود.

لیکن آنچه از همه گویا ترست، - انتخاب زمان آن پرسش و این پاسخ است. جا مع ما در زمانی به سر میبرد که ارکان قدرت بر اثر مبارزه نیروهای سیاسی بلرزه افتاده و توده ها به سرعتی باور نکردنی از حکومت روی گردان شده اند. نگرانی بحق حکومت این است که در اثر تعلل در اجرای اصلاحات اقتصادی بیوند ضروری میان نیروهای سیاسی توده ها تحقق یابد و قدرت حاکم را - پیش از زبیش به معاطره افکند. در چنین شرایطی است که باید با رعایت آگید "حدود مقرر" بطور موقتی به اجرای اصلاحات پرداخت. این است شرعاً و عقلاً نشینی ناگزیر خمینی!

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

مردم چه میگویند؟

مردم چه میخواهند؟

با سدا ری میگفت: مردم به ندرت به ما خیر میدهند، ما بیشتر عدالتخواهی ها را از روی عکس یا تعقیب دستگیر میکنیم. اصلاً مردم از این رو به آن رو شده اند، هیچ همکاری نمی کنند. به همین جهت ما شبها موفق تر از روزها هستیم زیرا روزها آنها بسرعت فرار میکنند و در میان مردم غیب میشوند. مردم هم با سکوت خود آنها را امان میدهند، اما شبها چون خلوت است و همه توخا نه هستند آنها زود شناخته میشوند.

۶۰/۵/۲۲
تا کسی بطرف تخت طاووس که پیچید یک پیکان که پرا زپا سدا ری بود در خلاف جهت حرکت ما شینها سعی میکرد در آنجا را با زکند، دونفر با سدا رکت ها ایشان را از شیشه ما شین بیرون آورده بودند. خانمی که چادر گلدار بی سر داشت با تسخر گفت: همیشه اینها دیر میرسنند، امروز در بیما رستان دونفر را دیدم که ۳ بیستشان بود و دادا شتند از در بیما رستان بیرون میرفتند، خیال کردم برای برین کسی آمده اند، نگو که دونفر با سدا ری هما نوقت خلع سلاح کرده بودند و داشتند میرفتند بیرون، وقتی با سدا رها رسیدند نیم ساعت گذشته بود مرد جوان کا پرگری با تحسین گفت: خانم اینها چریکند و های ما چریک های را دیده بود که هنگام حمله به مرکز سپاه با سدا ران، اسلحه ها را از ما شین بیرون آوردند و آنچنان سریع دور زدند که فقط دوتا چرخ ما شین روزمین بود من گفتم: مثل اینکه با آر پی جی حمله کرده اند و کا پرگری دست زد روی زانوهایش و گفت: لامصب ها طرز کار با اسلحه را بلدند، آر پی جی ۷ دیوار - سیمانی را سوراخ میکنند، تا زه با یید و نفریان کا رکنند، حقا که چریکند" راننده تا کسی که تا حالا کت بود و فقط گوش میداد با حالتی که حاکی از اعتراض عمیق بود گفت: موضوع اینه که اینا ایمان دارند، هدف دارند، میگویند اگر کشته هم شویم اهمیت ندانند اینه که همیشه پیروز میشن" خانمی که با ب صحبت را گشوده بود گفت: بله با چه شجاعتی چشم تو چشم حمله میکنند، خدا نیگوشون داره من گفتم: "خوب بلدن چون زمان شاه هم همین کار را میکردند" مزدکا رگرا نگار که دارد - گذشته های دور را در ذهنش میکا و دگفت: "بله خانم موقعی که این با سدا رها در زمان شاه توخا نه ها ایشان بودند، دست اینها این چریکها نارنجک بود" و همان خانم با تا سف گفت: "حیف، حیف که هر شب ۷۰ - ۶۰ نفرشون را اعدام میکنند" سکوتی

عمیق تا کسی را فرا گرفت، راننده با شمشیرش را تکان میداد و کا رگرجوان - زیر لب با خودش حرف میزد ...

۶۰/۶/۱۸
در یکی از محلات جنوب شهر جمعیت: زیاد ی سرکوجه جمع شده بودند و چندین ماشین کمیته در کوچه پارک شده بود از یک خانه کم با دمپاشی ایستاده بود و زنبیل خرید دستش بود جزیا ن را پرسیدم گفت: "خانم تیمی گرفته اند پرسیدم چطوری - اینجا را پیدا کردند، خانم در حالی که مدام زلزلای جمعیت سرک میکشید گفت: مثل اینکه یکیشون را که در تظا هرات کوکتل انداخته بوده تعقیب کرده اند. در همین موقع ولوله ای در جمعیت افتاد پس ۱۳ - ۱۴ ساله ای که کفش کتان ی رنگ و رو رفته ای داشت با خوشحالی گفت: - اکه هی باش تیر خورده بود ولی با زهم فرا کرد. "ازوس جمعیت جلورفتم و پرس و جو کردم، بیبر مردی که شکمش را جلو داده بود با قیافه نا را حتی گفت: یکی از متافقین فرا کرد، اگر مردم جمع شوند و شلوغ نکنند هیچکس نمی تونه فرار کنه" یک کا رگرجوان گفت: "حالا چرا جلونمی روند فقط قدم میزنند" همان خانم با خنده گفت: "میترسند مگر نمی بینی - صورتشون مثل گوسفید شده" با سدا رها - مردم را هل میدادند و یک ریز فحش می دادند و پشت سر هم تیر اندازی هواپی میگردند ولی مردم حتی با تیر اندازی هم پراکنده نمی شوند. پرسجوانی که اعتراض کرد فوراً توسط با سدا رها دستگیر شد. همان جوان کا رگرجوان گفت: "اینکه چیزی نگفت چرا گرفتندش بیبر مردنگاه چپ چپی به او کرد و گفت: چرا چیزی نگفت، آنها نقشه دارند میخوایند شلوغ کا رگرجوان - بیندا زند" کا رگرجوان با خشم به او نگاه کرد و ساکت شد. مرد مسنی خطاب به کا رگر جوان گفت: "پدر سوخته ها شاه را هر سو سفید کردند حتی حرف و اعتراض هم با گلوله مواخه میشود حقا" که جواب سلیبی، با سلیبی است میخا هدا حق دارند که با ما شون مسلحانه می جنگند من هم اگر اسلحه داشتم همین کار را میکردم و بعد دوتا بی شروع به پیچ کردند. صدای تیر اندازی بعد از مدتی قطع شد. خانها انقلابیون سوراخ سوراخ شده بود. دونفر فرا رگرده بودند و مردم فرار آنها را با آب و تاب برای هم تعریف میکردند.

۶۰/۶/۲۱
به خانه پدر ما در یک مجا هدا خلق حمله کردند و از پدر محل اختفای پسر ۱۸ ساله اش را میپرسیدند، پدر چیزی نگفت و مزدوران رژیم او را به کمیته زندان - اوین بردند، علیبر غم شکنجه های بسیار پدر قهرمان کوچکترین همکاری نداشت جلادان نمیکنند. پس از چند روز که همسر و فرزند کوچکش به دیدارش میروند خبرسر تیرباران او را میدهند، اهالی محلیس از شنیدن خبر سرا پا کینه و نفرت به رژیم هریک میکوشیدند تا مگر کمی به این - خانوانه بکنند. آنها جلسه ای تشکیل دادند و تصمیم گرفتند برای حداقل کمک

ممکن هر روز یک نفر ما بحتا چنان نوا ده شهید را تهیه کند، یکی از این افراد در صف گوشت به دوستش میگفت: "احساس میکنم مثل روزهای قیام شده" از اینکه توصیف می ایستمتا برای این خانوانه گوشت بگیرم خوشا لم فکر میکنم با لخره از دست ما هم کا ری بر میماند. "دوستش که زندگسی فقیرانه ای دارد میگفت: "ما مدتها ست که توصیف می ایستمتدوزن حزب الهی فالانزدر محله هستند، برای اینکه آنها افراد را شنا سایی نکنند اسمهای مستعار برای خود مان گذاشته ایم و با این اسمها همدیگر را صدا میکنیم مثلاً خانم با سدا ری کرمانشاهی و غیره همون هها ون یکی دو نفر را می شنا شیم موقعیکه وارد صف میشوند حرفهای خودمون را قطع میکنیم."

سه نفر مجا هدا زخمی را به بیما رستان آورده بودند با سدا ران از ترس تمام - بیما رستان را محاصره کرده بودند و تلفن ها را هم قطع نموده بودند، به هیچکس اجازه ورود و خروج داده نمیشد. با ورود این سه مجا هدا حال و هوای بیما رستان بکسی عوض شده بود، پرسجا ران و دکترها همه برای مداوای آنها بسیج شده بودند و مرتباً دور و بر آنها بودند. مریضایی که قادر به حرکت نبودند مداوم به دیدن انقلابیون میآمدند. چند نفرشان اشک می ریختند و از روحیه عالی آنها تعریف میکردند. همه به با سدا ران چپ چپ نگاه میکردند. اطراف تخت یکی از با سدا رهای زخمی جزیک دکتر و پرستار کسی نبود. در موقع عمل با سدا ران هم قصد ورود به اتاق عمل را داشتند که با مخالفت شدید پزشکان مواجه شدند. در نهایت هم وقتی برای گرفتن لباس آمدند پرستاران آنها را دست بسر کردند. یکی از مجا هدا این که پسر ۲۰ - ۱۸ ساله ای بود لبخند میزد و با بالا آوردن مشت گره کرده اش میگفت: "تا راحت نیاشید مهم نیست که من تمی توانم فرار کنم مهم این است که ما در شما تا ثیرات را گذاشته ایم که حتی حاضرید بخاطر ما خودتان را بخاطر بیندا زید خوشحالم، خیلی هم خوشحالم" و مستخدم با حالتی خشمگین گفت: "هریک نفر را که بکشند، هر یک نفر را که دستگیر کنند تعادل شون روزه روزیادتر میشه، با لخره - نوبت ما هم میرسه همیشه همین طور نمی مونه" و غم شد که پیشانی جوان را ببوسد.

۶۰/۵/۲۲
ساعت ۳/۵ بعد از ظهر بود، سه نفر از مجا رزمین مسلح به کلت توسط ۱۰ لی ۲۵ با سدا ر تعقیب میشوند. با سدا ران شروع به تیر اندازی کرده آنها را محاصره کردند تا گمان محله شلوغ شد. عده ای از آنها دانما "قریبا دمیزدند" با با مریض داریم اینقدر تیر اندازی نکنید" عده ای دیگر به با سدا ران نگاه میکردند آنها را مسخره میکردند و میخندیدند. با سدا ران علیبر غم تعداد کثیرشان جلونمق رفتند و حتی چند تا درجوی آب سنکر گرفته بودند. مردم با بی باکی هر لحظه حلقه جمعشان را تنگتر میکردند و به مجا هدا این امکان فرار می بقیه در صفحه ۱۶

استقلال - کار - مسکن - آزادی



تقلیدی ناشایسته از شکردهای ساواک

بحثی پیرامون شوهای تلویزیونی (قسمت دوم)

گفتیم که چگونه آنان که در جنگال در خصم روی از خلق بر میگرداندند و بر طره خیانت میغلطند در شوها و فرمایشی رژیم به تبلیغ محورهای نظری کثرتی - های "تادم" و توده ایهای "خائن میپردازند چون در کار شما زه ۱۲۶ بصورت اجالی چند مورد از این تبلیغات پوچ از جمله - خاستگاه طبقاتی پادشاهان و پادشاهان و رژیم با فیودالها و سرمایه داران و ... را بررسی کردیم، این مقاله را به بررسی عمده ترین محور نظری که در شرا بیگ کنونی شدت از سوی رژیم و تمامی بلندگوهای تبلیغاتی اش و همچنین نوکران سرسپرده - اشمینی اپورتونویستها تبلیغ میگرداند اختصاص میدهم. اینان مدعیند که نیروی های انقلابی "آمریکائی" اند، سرسپرده امپریالیسم، در جهت اهداف آن میکوشند، اینان تبلیغ میکنند که نیروی - های مبارزی چون فدائیان و مجاهدین و دیگر انقلابیون دست در دست سلطنت طلبان و آمریکا و دیگر امپریالیستها دارند، اینان قصد دارند به توده ها - بقبولانند که ترور سران رژیم، مبارزه با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و هر گونه تقابل با رژیم جمهوری اسلامی در - جهت امپریالیسم است، و برای این سخنان خود نیز دلایل ساده ای ارائه میدهند (و شاید بتوان گفت از فرط سادگی ابلهان) این مزدوران میگویند - چون امپریالیسم خواهان سرنگونی - جمهوری اسلامی است و قصد دارند این عمل را به هزینه ها و به هر طریق (از جمله جنگ عراق، محاصره اقتصادی، سازماندهی نیروی - های سلطنت طلب و ...) به پیش برد پس هرگونه حرکتی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی (که نیروهای انقلابی آنرا هدف خود قرار داده اند) سرسپردگی به امپریالیسم و خدمت به منافع او است، ما در اینجا به بررسی این نظریه ارتجاعی میپردازیم. لازم به تذکر است که در تمامی تبلیغات مزدوران بی جیره و مواجب رژیم و در تمامی بوق و کرنا های رادیو و تلویزیون و روزنامه های دست نشاند رژیم محور همین مسأله است و تنها رنگ و لعاب و پیرایه های آن تغییر مییابد؛ ما تنها سعی کردیم جوهر و ریشه این تبلیغات عوام فریبانه را عریان کنیم و به بررسی آن بپردازیم.

- تفاضا امپریالیسم با رژیم جمهوری اسلامی چیست؟ امپریالیسم همواره در جوامع وابسته و استعماری معنی را - دنبال میکند در همین رابطه رژیمهای مطلوب امپریالیسم در این جوامع دارای ویژگیهای خاصی اند. هرگاه به شکل خلاصه بخواهیم مقاصد امپریالیسم را بیابان کنیم میتوان گفت:

الف: امپریالیسم در زمینه اقتصادی خواهان غارت بی مان خلقهای کشور - های وابسته و استعمار و راجاها و رگران این کشورهاست. عمده ترین مسأله در این رابطه گردش منظم سرمایه و تامین امنیت مالکیت خصوصی و سرمایه داری در کشورهای وابسته است. روشن است - بگوئیم، رژیم جمهوری اسلامی با وجود تمامی زستهای فدا امپریالیستی اش در مورد منابع اولیه تنها سیاستهای رژیم ضد خلقی آنها را تداوم بخشد (میتوان به سیاستهای نفتی رژیم مراجعه نمود)، در مورد خرید از امپریالیسم نیز به همین صورت رژیم خریدهای کلان تسلیحاتی را از سر گرفت (به مجردیکه توانست ذهنیت توده ها را آماده سازد) و ورود کالاهای - امپریالیستی را آنچنان شدت بخشد که بی سابقه بوده است (هر چند در نوع کالاهای تغییراتی حاصل شد اما به هیچ روی سن تغییرات کیفی نبوده است و تمام "در محدود کالاهای مصرفی و بعضا "منابع مونتاژ دور میزند). اما در مورد چرخش سرمایه داری امپریالیستی رژیم نتوانست این وظیفه را بعهده بگیرد. ریشه های این مسأله را میتوان در سیاست های اقتصادی رژیم و در سطح مبارزه - طبقاتی جستجو نمود.

رژیم جمهوری اسلامی در کل نماینده منافع بورژوازی متوسط (غیر انحصاری) ایران است. و پس از برکناری لیبرالها میتوان گفت وجه حمایت از منافع بورژوازی تجاری نقش کلامی تعیین کننده ای به خود گذشته است. چنین سیاست اقتصادی با ساخت امپریالیستی و شرایط کنونی سرمایه داری جهانی خوانایی ندارد. (گامی به عقب است) رژیم تنها خواهان خرید کردن سرمایه ها و شکستن انحصارات و سپردن عنان اقتصاد به دست بورژوازی متوسط است - و از اینرو در تفاضا دیکتاتور است. اقتصاد متمرکز و انحصاری امپریالیستی قرار میگیرد بلکه در شرایطی که وجه غالب سیاست اقتصادی امپریالیسم را صدور سرمایه تشکیل میدهد (و این مسأله برای امپریالیسم حیاتی است) رژیم در مسأله اتخاذ سیاستی است که محور آنرا صدور کالاهای امپریالیستی میسازد. از سوی دیگر رژیم قادر نیست امنیت لازم برای سرمایه گذاری را تامین کند، قادر نیست مالکیت خصوصی را از کنترل توده ها ممنوع کند و از اینرو تنها در عرصه داخلی سرمایه داران جرات سرمایه گذاری نمی یابد و در نتیجه چرخ اقتصاد وابسته لنگ میزند بلکه انحصارات نیز زمینه مساعد برای اختتام اعتبارات و سرمایه گذاری در زمینه های صنعتی و

در از مدت را بدست نمی آورند و از اینرو با رژیم جمهوری اسلامی در تفاضا در قریب میگردند. باید قدرت کرد تمام این مسائل نه بدلیل "فدا امپریالیست" بودن رژیم، نه بدلیل "خلق" بودن آن بلکه بدلیل ماهیت طبقاتی و ناتوانی تاریخی این قشر از بورژوازی است که در حاکمیت قرار گرفته است. یا بهتر است بگوئیم - همانگی که تمام می شود و قرا نشن نشان میدهد - رژیم میخواهد چرخ اقتصاد وابسته را بگردش در آورد، رژیم میخواهد امنیت سرمایه را تضمین کند اما نمیتواند.

ب: امپریالیسم در زمینه سیاسی خواهان رژیمی است که بتواند انقلاب را کامل جلوی رشد مبارزه طبقاتی را سد نماید، جلوی رشد نیروهای انقلابی و توده گیر شدن نظریات آنان را بگیرد، مبارزات خلقها و رگران را بخوبی سرکوب کند و گورستانی آرام، جزیره ای امن جهت بقای سرمایه داری فراهم آورد. رژیم جمهوری اسلامی در این زمینه نیز بسی لیاقتی "خود را نشان داده است. رژیم جمهوری اسلامی نشان داده است که قادر نیست خود را تثبیت کند، قادر نیست جلوی مبارزات رشدیابنده توده ها را سد کند، قادر نیست جلوی نیروهای انقلابی را بگیرد، رژیم نشان داده است که قادر نیست بر بحران سیاسی فاش آید و آنرا بسود خود که همانا سود سرمایه داری و امپریالیسم است حل کند.

هر چند رژیم اینک تیغ بدست گرفته است و انقلابیون و توده های خلق را از دم تیغ میگذراند، هر چند رژیم که اینک به عبث میکوشد تا شاید بتواند جلوی جنبش اعتراضات و مبارزات خلق را بگیرد و این دقیقاً "خواست امپریالیسم و منافع آن محسوب میشود اما امپریالیسم با تجارب جهانی متعدد و طولانی خود بهتر میداند که این تلاشها، نمیتواند رژیم موجود را تثبیت کند. از اینروست که رژیم از نظر سیاسی نیز قادر نیست خواست - های امپریالیسم را تامین نماید. از اینروست که امپریالیسم با رژیم جمهوری اسلامی در تفاضا دست اما روشن است که این تفاضا دایست درون طبقه سرمایه دار، تفاضا است که ما هیتا - آنتاگونیستی نیست. تفاضا است که امپریالیسم با رژیم (حتی سرسپرده ترین آنها) که نتوانند بدرستی منافعش را حفظ و حراست نمایند و هتافت.

آیا امپریالیسم خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است؟ در پاسخ این سؤال میتوان گفت آری و نه!

امپریالیسم خواهان سرنگونی رژیم - بقیه در صفحه ۱۴

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

تقلیدی ناشیانه از سرگدهای ساوال...

بقیه از صفحه ۱۳

جمهوری اسلامی است زیرا این رژیم، به دلائلی که ذکر شد رژیم مطلوب امپریالیسم نیست. اما این خواسته امپریالیسم در لحظه کنونی نیست. این مسأله به چه معنی است؟ میتوان گفت امپریالیسم و بگویی سرگدها امپریالیستها بمناسبت آمریکا در شرایط کنونی در همان حال که با توجه به مجموع شرایط رژیم جمهوری - اسلامی "منظور شیوه

به معنی منتزوبمان و بپسین است) را مطلوبترین رژیم لحظه کنونی میدانند (زیرا بنا به مجموع شرایط سیاسی هنوز قادر نیست رژیم مطلوبتری بر سر کار آورد) سیاست "صبر و انتظار" را پیشه کرده است و نیروهای ذخیره خود را به میدان نیاورده است.

امپریالیسم می بیند که هر چند رژیم جمهوری اسلامی در شرایط کنونی همه جانبه منافع لحظه ای او را تامین نمیکند اما با سیاستهای فاشیستی و دیوانه وار خود در جهت سیاستهای امپریالیسم گام بر میدارد و زمینه های بسیار مساعدی جهت تحقق منافع امپریالیسم فراهم می آورد.

امپریالیسم می بیند که رژیم جمهوری اسلامی: ۱- اساس و موجودیت نظام - سرما به داری و بسته را حفظ کرده است. ۲- جنگ با عراق را با "جان و دل" پیش میبرد و از اترا به از ارتسلیحاتی هر چه وسیعتری برای او فراهم می آورد. در همین زمینه چشم انداز بسیار مباح ایران و عراق نیز برای امپریالیستها وجود دارد. ۳- کشتار بی امان نیروهای انقلابی یعنی پیگیرترین و سرسخت ترین دشمنان امپریالیسم را به پیش میبرد و از این جهت کار را که شاه نتوانست انجام دهد بر عهده گرفته است. امپریالیسم میدانند که با کشته شدن هرفدائی و هر

داشت جنگ ارتجاعی امپریالیستی را ندا و می بخشید اما طرفداران تزار - خواهان سرنگونی اش بودند و به جنگ مسلحانه با او پرداختند. لازم به تذکر است که در تمام این موارد بین حکومت های ضد خلقی در ظاهر و اهدافی که در پشت پرده آنها نهفته است تفاوتی نیست. در ایران را نیز سرگوب میکنند. هرگاه جلوتر بیایم به موارد دیگری بر میخوریم که نمونه بسیار جالب آن جنگ جهانی دوم است. کشورهای امپریالیستی که به متفقین معروف بودند همگی خواهان سرنگونی رژیم هیتلری در آلمان و رژیم موسولینی در ایتالیا و... بودند (اما هیچکس جرات نکرد این مسأله را دلیل برخلافی بودن هیتلریا موسولینی اعلام کند) در عین حال که در این اهداف بسیار شوری نیز مشترک بوده و حتی متحدان "می جنگیدند.

و آنگاه که به وقتا بپس از جنگ دوم جهانی می نگریم شاهدیم که در کشوری چون بولیوی بطور میا نگین هر سال یکبار امپریالیسم کودتا می مبد هر چند که این حکومتها خود سر برده امپریالیسمند. با می بینیم در ترکیه برای حکومتی کاملاً وابسته کودتای نظامی صورت میگیرد، این موارد را در ایران کستان، یونان، - اسلواوا، رزانتین و... نیز شاهدیم آیا این کودتا و این مسأله که امپریالیسم خواهان سرنگونی رژیمهای حاکم در این کشورها میگردند دلیل برخلافی و ضد امپریالیست بودن افرادی چون دمنیل و حکومتها می چون حکومت های نظامی بولیوی است. مسلماً "خبر پس علیست چیست؟ علت رشد مبارزه طبقه ای است. رژیمها هر چند که کاملاً "سر بر شده امپریالیسم در آنجا که قادر نباشد بر سر مبارزه طبقه ای و گسترش انقلاب مبارزند. دیگر کارایی خود را برای امپریالیسم از دست میدهند (آنچنان که شاه از دست داد) و در اینجا است که امپریالیسم تغییر رژیم را تنها چاره میباید. این تغییر ممکن است به شکل مختلف باشد، در صورت وجود قدرت کافی و زمینه لازم کودتا بهترین و مطلوب ترین تغییر را ز نظر امپریالیسم است. اما در شرایط "نا مساعد" حتی به جایگزینی خمینی بجای شاه نیز رضایت میدهد. دنیا له داد زد.

مجا و دهر نیروی انقلابی دیگرگامی به تسخیر کامل قدرت سیاسی در ایران نزدیک میشود و از اینرو ملاح می بیند در - شرایط کنونی علیرغم تفاوهای خود با رژیم حاکم سیاست "صبر و انتظار" پیشه کند تا رژیم جمهوری اسلامی این وظیفه خطیر را هر چه بیشتر ادا مدهد. ۴- با برقراری هر چه مورج، اعدام، خانه گردی، کشتار، سرگوب، دستگیری و سلب امنیت از توده ها زمینه های مساعدی برای رشد ذهنیت امنیت طلبی (بهر قیمت) فراهم می آید. ۵- ارتش ضد خلقی را پیش از پیش نزد توده ها تطهیر میکند و بر نقش سرگوبگرو حافظ منافع امپریالیسم آن پرده را ترمی فکند. ۶- در تمام این گریودا رها خود را مستحیل میسازد. در عین حال که سعی دارد امکان وجود یک آلترنا تینوا انقلابی را نیز از میان بر دارد. ۷- هرگونه شکل و هرگونه مبارزه انقلابی توده ها را بیدت سرگوب میکند. ۸- و با اواخر تمام می این سیاستهای امپریالیسم پسنداست که با شکستهای یک رژیم کاملاً "سر برده در ایران است در شرایط کنونی رژیم جمهوری اسلامی را ترجیح میدهد و در انتظار تغییر و تحولات آتی است.

آیا تفاو امپریالیسم با رژیم جمهوری اسلامی به معنی فدا امپریالیست، مترقی و خلقی بودن رژیم است؟ در این مورد نباید از می بینیم که به شرح این مسأله بپردازیم که ما هیت رژیم و هر قدرت سیاسی را در وجه تعیین کننده سیاستهای آن رژیم در رابطه با توده ها و مبارزه طبقه ای تعیین میکند. بلکه بنظر میرسد که سیاست از نمونه های بسیار متعدد تاریخی به ذکر چند مورد - بپردازیم. معروف ترین موارد تاریخی که در آن رگلاسیک به آن بر می خوریم حکومتهای بنیاد رنستی هستند، حکومت داروستانه در سده سده امپریالیسم که در عین ضد خلقی بودن، در عین سرگوب و کشتار - کارگران و در عین اینکه در کل منافع بورژوازی را نمایندگی و حمایت میکند، بورژوازی خواهان سرنگونی آن بود، حکومت کرنسکی در روسیه که هر چند ضد خلقی و سرگوبگر مبارزات توده ها بود، هر چند با امپریالیستها دست به یکدی

گزارشی از مبارزات دانشجویان انقلابی ایران در خارج از کشور

سوئد بقیه از صفحه ۲۴

بدنیال دستگیری رفقا (هواداران سازمان ما و سازمان بیکار) در سوئد، در روز - محاکمه شان (دوشنبه ۱۶ شهریور برابر با ۷ سپتامبر) چندین تظاهرات در مقابل سفارتخانه ها و کنسولگریهای سوئد در - برلین - فرانکفورت، پاریس و... برگزار گردید. در این تظاهرات ضمن - محکوم کردن کشتارها و دستگیریهای رژیم جمهوری اسلامی، خواهان محکوم کردن این جنایات از طرف دولت سوئد و آزادی فوری دانشجویان ایرانی اسیرگشتیم. دوشنبه ۲۳ شهریور برابر با ۱۴ سپتامبر تمامی رفقای اسیر آزاد شدند.

آلمان (برلین غربی)

در روز مسامرت هیگ وزیر خارجه آمریکا به آلمان تظاهرات گسترده ای بر علیه سیاست های دولت آمریکا بویژه در زمینه بمب های هسته ای برگزار شد که منجر به زد و خورد های خونین بین تظاهر کنندگان و پلیس گردید. در این تظاهرات ۶۰ هزار نفر، هواداران سازمان با آرم سازمان و شمارهای بر علیه آمریکا و رژیم جمهوری اسلامی شرکت داشتند.

در روز ۲۱ شهریور برابر با ۱۲ سپتامبر سالروز کودتای نظامی در ترکیه، بنا به دعوت رفقای ترکیه در کشورهای فرانسه و آلمان (و با حضور تعداد زیادی کارگران ترک) تظاهرات گسترده ای بر علیه رژیم کودتا برگزار گردید، که رفقای هوادار - معالان با آرم ها و شعارهای همبستگی

مبارزات خلفهای منطقه شرکت کردند. پیام سازمان به نیروهای انقلابی جهان به زبان ترکی در بین تظاهر کنندگان پخش گردید.

فرانسه

* در روز شنبه ۱۹ سپتامبر (۲۸ شهریور) مجدداً "عنا صرم مزدور حزب جمهوری اسلامی با بسیجی جدید همراهِ اکثریتی های راست و توده ای های خا شن در "سیته بین المللی" به محل فعالیت دانشجویان انقلابی ایران حمله ور شدند. اینبار بخیال خام خود فکر می کردند که اگر با تیرا سید حمله کنند میتوانند خلقی در آزاده دانشجویان مبارز در راه افشای جنایات رژیم بوجود آورند که با مقاومت دلیرانه دانشجویان مبارز که با دست خالی به مقابل - برخاستند، عقب نشسته و با یورش پلیس - بقیه در صفحه ۱۶



انتخابات فرمایشی

بقیه از صفحه ۱

مشروعگزارشگران ما مستفاد میشوند و -
با لایحه علیرغم گزارشات خبرنگاران -
خارجی که در ایران بوده اند و به مخابره
گزارش آنها به سراسر جهان حاکی از آن
بوده که جمعیت رای دهنده به مراتب کمتر
از حتمی دوره قبل بوده است، دولتین
با کمال وقاحت اعلام کردند که ۲۱۲۴۸۲۷
نفر بیشتر از دوره قبل رای داده اند!
معلوم نیست این دو میلیون و اندی نفر
کجا بودند که به راحتی مکتبی که اینهمه
برایش تبلیغ کردند رای ندادند؟!
اما این انتخابات با این وضع
یک چیز را به مردم ثابت کرد و آن اینست
رژیم تنها به واقعیتها و قی نمیگذارد
بلکه به افکار مردم و وقایع آنها در داخل
و خارج هم کوچکترین اهمیتی نمیدهد -
برایش مهم نیست که مردم چشم و گوش درازند
و دربار حکومت چگونه قضاوت میکنند!
برای رژیم مرغیک پا دار و آنهم همان
چیزی است که بزرگ آیت الله آنها یا
شخص اول مملکت با بزرگ ارتشگران
فرمانده بی تاج، سرکرده سه قوه، ولی
امرونا، پادشاه زمان، ولی فقیه خمینی
(یعنی این طلبه نا چیز!) فرموده! و
آن اینکه آراء این دوره با پادزوره
پیش بیشتر باشد! اینجا است که تمام
دستگاهها بحرکت در می آیند و از مدتها
قبل از روز رای گیری در ماجد، کمیته
- ها، فرما تدارکها و بخشها و...
- "تدارکات" انتخابات دیده میشود و نوشتن
آراء در تعرفهها شروع میگردد و نتیجه آن
که نسیمی از آراء هر صندوق رای قبل از
آنکه رای دهنده ای را زیارت کند! بنام
علی خامنه ای برشدند، و با این
"تدارکات" بود که هیئت نظار حوزة های
رای گیری در حالیکه از هنگام شروع رای -
گیری (ساعت ۷ صبح) تا مدتها مگس می -
پراندند در ساعت ۱۱ اعلام کردند حدود
۱۰۰۰ (هزار) رای اخذ کرده اند! مخبر
روزنامه جمهوری اسلامی روزشنبه ۱۱ مهر
ما گزارشی از بعضی حوزة ها تهیه کرده

که در آن چنین میخوانیم: "بگفته نماینده
شورای نگهبان با حسن اجرای انتخابات
در این حوزه (مسجد نوروزی) تا ساعت ۱۱
دیروز دست کم هزار نفر در انتخابات
شرکت کرده و رای خود را در این صندوق
ریخته اند... هم چنین در مسجد فیروز
آبادی تا ساعت ۱۱ دیروز ۱۲۰۰ نفر در این
مسجد یکی از ۲۳ شعبه اخذ رای در شهر
ری است رای خود را به صندوق ریخته اند
....."

مسئولین رژیم توضیح نمیدهند که
این معجزه چگونه صورت گرفته است؟!
اگر قبول کنیم که در این حوزه ها از ساعت
۷ صبح مردم برای رای دادن صف کشیده
بودند (لازم توضیح است که رژیم برای
نمایش و تبلیغات و فیلمبرداری در بعضی
حوزه ها مردم را بسیج کرده بود) و در تمام
مدت رای دهنده وجود داشته است، مطابق
عکسهای که خویش در روزنامه ها منتشر
کرده ا فرادک تک رای میداده اند -
برای هر رای دهنده حداقل دو دقیقه وقت
لازم بوده که شناسنامه اش را کنترل کنند،
مشکلات او را ته چک تعرفه بنویسند، رای
دهنده اسمک را بنویسند، در تعرفه بنویسند
آنرا در صندوق بنیاد زدن و سپس انگشتش
را رنگی کرده و شناسنامه اش را مهر کنند -
و با توجه با یک انتخابات میان دوره ای
مجلس هم وجود داشته و این تشریفات در
مورد آنها باید صورت گیرد بنا بر این
ظرف چهار ساعت یک حوزه شلوغ میتوانست
مدت هر رای ساعت

حد اکثر ۱۲ = ۲ = ۲۴۰ = ۴ × ۶ ساعت رای -
اخذ کند، حال چگونه توانسته بیش از
۱۰۰۰ رای بگیرد و الله اعلم! جز آنکه
قبول کنیم قبل از شروع رای گیری صندوق
- های بیچاره از آراء قلابی پر شده
باشند!
از این گذشته همه فاکتورها شکی
در انتخابات قبلی گفته شد: یعنی ترس
از رای ندادن (مهر خوردن شناسنامه)
و اجبار نظامیان (اعمال ارتشی، شهربانی،
و پاسداران) با خانواده ها به شان و کارمندان
دولت، و بعضی کارگران صنایع دولتی
بدادن رای همه و همه عواملی بوده که
مردم را مجبور کرده به پای صندوقها برای
بروند. با همه اینها همه دیدند که حوزة ها
چقدر خلوت بوده است، اما با همه اینها
اکنون یک سؤال مطرح است: اگر دولت
با هشت انتخاباتی که در ظرف کمتر از سه

سال انجام داده در کار رای سازی بیشتر
شده است! و میدانید چگونه صندوقها را از
رای پر کرده و هر آنکس را که می خواهد از
صندوقهای معجزه بیرون بیاورد سئوال
مردم اینست که این دولت بر مشکلات جامعه
چگونه فاش میاید؟ و از همه مهمتر چگونه
میتواند خواسته های مردم را تحقق بخشد؟
مزد می بینند هر روز صفهای ارزاق طول
تر و طول تر میشود. مردم مجبورند هر
روز ساعتها ایستاده و وقت خود را در صف
گوشت، صف مرغ، صف نان، صف تاید، صف
شیر، صف روغن نباتی، صف قند و شکر و صف
... بگذرانند و وقت تازه معلوم نیست
پس از ساعتها انتظار ربا لایحه چیزی گیران
بیاید یا نه؟

بهر حال سوئمن انتخابات ریاست
جمهوری سپری شد و مردم بسیار بی تفاوت
از آن گذشتند. اما باز این سؤال و
سئوالاتی نظیر آن در ذهن فرد فرد مردم
مطرح است: این رئیس جمهور، این مجلس
این هیئت دولت، این شورای نگهبان
این شورای عالی قضاتی، این شورا عالی
دفاتر و ادارات این دستگاه عریض و طویل
و لایحه قضیه تا کتون برای مردم چه کرده -
است و با تعویض مهره ها چه تا شیری بر
واقعیات موجود دارد؟ رژیم چگونه
میخواهد بر بحران اقتصادی - اجتماعی
غلبه کند؟ چگونه میخواهد بر نا بسامانی
- های ناشی از جنگ غلبه کند؟ چگونه
میخواهد بر این صفهای طولانی که هر روز
طول تر میشود فاش آید؟ و با لایحه ربا
چه میخواهد شکم مردم را سیر کند؟ تنها
جوابی که از این رژیم ضد خلقی آزاد کش،
جنا پیکار میمون انتظار داشت (و تا
کنون با ثبات رساننده گلوله است!! -
آری این رژیم تنها میتواند شکمها را با
گلوله پر کند.

تکته سیاسی: در روز دهم مهرماه که هر روز
انتخابات ریاست جمهوری بود کارگری
از رفیقش پرسید، اگر رفتی فرق امروز
با روزهای دیگه چه؟ رفیقش بلافاصله
گفت: روزهای دیگه سرگوجه و خیار با -
صف طولی میدیدی که مردم برای گرفتن
نون و گوشت و زهرها رو با ده بودند اما
امروز از صف مف خبری نیست و همه جا
خلوت است!! البته خبره خواران رژیم به
حساب نیا مده است.

گزارشی از زندان اوین

بقیه از صفحه ۲۴

صدای فریاد این دو بحدی بلند و توام با
خشم بود که دو پاسداری که درون گیشه
نشسته بودند بلافاصله در راسته و فرار
کردند، ما در آدوسط محوطه ایستاد،
نمیدانست چه کند و یا به کدام طرف برود،
دو قدم به راست میرفت، دو قدم به چپ
دام می گفت "نه" این حرکات بقیه را
الغاده متاثر کرده همه از زن و مرد
شروع به گریه کردند، یک مادر پیر چادرش
را کشید روی صورتش و شروع به دادن شعار
و فریاد کرد و بقیه را تشویق به تظاهرات
نمود و همه شروع کردند به داد و فریاد و
انواع و اقسامنا سزاهای سیاسی و غیر
سیاسی بود که نشان خمینی و پاسداران -
میشد، مادرها رود روی پاسداران ایستاد
و فحش میدادند یکی می گفت مرده شور همه
- تان را بپر داز و آن الاغ بزرگ گرفته

تا این الاغ کوچک، یکی از پاسدارها
گفت تقصیر شماهاست که بچه ها پتان را
خوب تربیت نمی کنید که در جواب پاسداران
فحش و تاسزا بود که با ریدن گرفته ما درها
به پاسدارها می گفتند انشاء الله خیر مرگ
شما ها را همینطور برای ما داران نشان
ببرند و خلاصه هر کس ناراضی خود را نشان
میداد و فوق العاده متشنج بود، عکس -
العمل بعدی پاسداران فرار به درون
محوطه لونا پارک بودی فرار پاسداران
پدر بیشتر عصبانی شد آمد جلوی در لونا
پارک ایستاد، فریاد زد مرگ بر خمینی،
مرگ بر پاسدار و با یک حرکت برق آسا
بلوز خود را از تنش در آورد، قد بلندش را
راست کرد و محکم و استوار ایستاد و فریاد
زد بیا شید مرا هم تیرباران کنید، مرگ
بر خمینی بعد از پسرم نوبت من است
مرا هم تیرباران کنید، در فضا خشم و نفرت
موج میزد هیچ پاسداری جرئت عکس العمل
نداشت، صدای گریه و فریاد دیشتر شده

بود، همه همدیگر را به تظاهرات دعوت
می کردند، پاسداران نوری محوطه لونا -
پارک بودند و با وجود داشتن اسلحه
جرئت بیرون آمدن را نداشتند، با لایحه
یک وانت بزرگ پاسداران از زندان اوین
سرسید با آمدن آنها بقیه پاسدارها
از لونا پارک بیرون آمدند و شروع به
تیراندازی کردند مردم برخلاف گذشته
فرار نکردند ایستادند و فحش میدادند
به شان نمیگفتند، ترسوها چوادر رفتند،
جلادان با زور و تیراندازی موفق شدند
که پدر را بگیرند ما در فریاد زد مرگ بر
خمینی مرا هم تیرباران کنید او را هم
گرفتند و بردند ولی موفق به متفرق
کردن بقیه نشدند و مجبور شدند تا ساعت
۱۱/۵ بنشینند و خواب بقیه را بدهند ولی
راس ساعت ۱۱/۵ (مثل هر روز) تعطیل
گردند و گفتند خواهرها بروید فریاد بیا شد
یکی داد زد کشتی به ما نکوشید خواهر،
ما عار داریم که خواهر شما با شیم که تنها -
بقیه در صفحه ۱۰

یورش گسترده رژیم

به کردستان ...

بقیه از صفحه ۶

وجود جاسوسهای خود فروش و شرکت دارو -
داسته گروه انفجری که هر یک بنا به دلائلی
تسلیم قدرت مرکزی شدند مشخص میکنند که
پیروزی جنبش دمکراتیک خلق کرد در -
گروه پیوند انقلابی آن با جنبش ضد
امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای
ایران است. این موضوع میتواند برای
ایزوله کردن اندیشه های ناسیونالیسم
تنگ نظر موشرومیفید واقع شود.

۲- درگیریهای اخیر نشان داد که دشمن
علیرغم ضعف درونی و ضعف روحیه نظامی
و علیرغم اینکه کاملاً در شرایط سقوط
قرار گرفته است میتواند از نظر تاکتیکی
و موقتی پیروزیهای بدست آورد. دشمن
غدار درصدد متشکل کردن و متحد کردن -
تمام نیروهای ضد انقلاب است. دشمن
تجربیات خود را جمع بندی میکند و شیوه
های جدیدی میگزیند، از اینرو نیروهای
جنبش نیز باید به مسأله متشکل و بسیج
نیروهای انقلاب به وحدت و اتحاد عمل
ضمن داشتن خط و مرزهای روشن نسبت
به هم، با اقدامات جدی دست زنند. باید
اقتیاداً را جمع بندی کرد و از تجربیات
گذشته سود جست. تاکتیکیهای جدید و منگی
بر اصول علمی جنگ را آموخت و در عمل
پنجاه نمودار از ایجاد درگیری درونی به
شکل نظامی با تمام توان دوری جست
در مورد نکته اخیر باید این مسأله را -
تا کی بکنیم که احترازا ز زود خورد های -
نظامی درون خلقی به معنی نفی مبارزه
سیاسی وایدئولوژیک درون جنبه انقلاب
نیست. تجربیات اخیر صحت نظرات -
دشمن زمان ما را در مورد اشرا بر خورد های
کومله و حزب دمکرات نشان داد.

۳- دشمن میکوشد تا با توسل به عوامل فربه
و بزرگ جلوه دادن بعضی اشکالات از -
پیروزی تاکتیکی اخیرش سود جست و
مردم را نسبت به جنبش بی طرف نماید.
رژیم جمهوری اسلامی بخوبی میدانند که
نمیخواهند در خلق کرد نفوذ نماید. از -
اینرو به تلاش گسترده ای دست زده تا
اینکه مردم را ما بوس ویا از جنبش دل سرد
نماید. بطور مثال از عدم کنترل قیمتها
در بوکان سود جست است و در اولین روز
ها سعی میکند تبلیغات بسیار نسبت به
این موضوع بنماید و یا اینکه مردم را بنا
سوخست، برنج و روغن تنظیم نماید. در
این مورد نکته شایان توجه اینست که
رژیم طی دو سال اشغال سنندج را سوز
و بنا نتوانسته است به این هدف دست
یا بدو مسلماً "شورش و شوق مردم و ایثار و
خود گذشتگی آنها نسبت به یک جنبش ملی
در حد برجسته ایست ولی این امکان را
نیز نباید فراموش کرد که رژیم ممکن
است بتواند موقتا "افشاریکه در مجموع
عاملش خود رژیم است سوء استفاده نموده

و به بخشی از اهدافش دست یابد. وظیفه
نیروهای درون جنبش اینست که مثل
سابق اهداف رژیم را افشا و با حضور -
سنجیده و به موقع خود (از نظر نظامی) در
شهرها این شورش و شوق را در مردم زنده
نگهدارند.

۴- از نتایج مهم یورش اخیر از دست دادن
بعضی از مناطق آزاد شده و اشغال آن به
وسيله ضد انقلاب حاکم میباشد. این اشغال
هر چند موقتی و تثبیت نشدنی باشد،
اما بهر حال برای جنبش مقاومت یک
ضربه است از اینرو استراتژی حفظ
مناطق آزاد شده و گسترش آن در جریان
شرایط بحرانی کنونی ارزش و اهمیت
بسیار دارد. این مورد باید مسأله دیگر
با هم تلفیق شده است بدینصورت که در
شرایط کنونی بعلمت مجموعه شرایطی که
حاکم بر جنبش است سرنوشت جنبش مقاومت
خلق کرد با سرنوشت حزب دمکرات کردستان
گره خورده است و از اینرو تضعیف حزب
دمکرات در مقابل رژیم در مجموع تضعیف
جنبش دمکراتیک و مقاومت خلق کرد می
باشد از این موضوع نباید محال فیهن
سیاست سازمان ما نسبت به حزب اینچنین
نتیجه بگیرند که گویا ما مخالف سیاست
وصف مستقل پیروان را بی و یا مخالف
انتقاد دوبرخورد سیاست. با حزب دمکرات
میبا شیم برعکس ما معتقدیم که در چهار
چوب قبول واقعیت فوق است که انتقاد
و برخورد سیاسی نمیتواند موشرومهاگشای در
پیشبرد سیاست پرولتری و انقلابی در
درون جنبش ملی گردد. در این زمینه
اخیراً "گرایشات مثبتی در کومله وجود
آمده است (مقاله در مورد مسأله ملی و
پیشرو ۲ علیرغم اشکالاتی که در دیدک
نمونه از است) کومله که در قضا مسأله
های کنگره دومش اساساً "به مسأله ملی
و خود مختاری نپرداخته بود پس از برخورد
با واقعیات موجود در کردستان در پیشرو
نسبت بخود انتقاد دو یک گام انقلابی
دیگر در اصلاحات خود برداشت مسلماً
این گرایشات مثبت در روند جنبش ملی
خلق کرد تا اشیرات مثبتی را بدنبال -
خواهد داشت و بنظر ما با پدید آمدن گرایشات
مثبت کاملاً مل شود و مسلماً وجود واقعیات
سریخت اجتماعی که عیناً موجودند از یک
طرف و سرشت انقلابی رفقای کومله از
طرف دیگر امکانات وسیعی را برای اصلاح
خط مشی که کنگره دوم آنرا تصویب نمود
بوجود آورده و می آورد. در این مورد به
نویژه رفقای کومله که برای ایجاد یک
پایگاه علمی مبارزه مسلحانه در شمال
ایران بحق ارزش والای قائلند نمی
توانند منکر این موضوع شوند که در اکثریت
نقاط کردستان هر جا که پیشمرگان حزب
مجبور به عقب نشینی و از دست دادن -
نقاطی شده اند برای پیشمرگان دیگر
گروهها و سازمانها امکان استقرار علمی
و ایجاد پایگاههایی نموده است البته
همانطوریکه گفتیم ما این موضوع را مطلق
نمی کنیم. خلاصه کنیم:

یورش گسترده اخیر ضمن اینکه داده
همان سیاستهای ضد انقلابی رژیم جمهوری
اسلامی است جزئی از تلاش مرگ و زندگی

رژیم در حال احتضار جمهوری اسلامی نیز
متأثر شده تلاش میکنند یکی از پایگاههای
انقلاب و یکی از جنبه های مبارزه خلق
را با بودسازد در این مورد سازمان مادر
منطقه توانست علیرغم مشکلات کم و
ضرباتی که تسلیم (اکثریت - راست) بر
بیکر سازمان وارد نموده بود بیکرانه
ارخط انقلابی پیروی کند. تلاش یکماهه
پیشمرگان سازمان در جنبه مریدان -
ضربه کوبنده پیشمرگان سازمان در سنج
(که مصادف با درگیری حزب دمکرات و
کومله بود) - شرکت فعالانه پیشمرگان
سازمان در دفاع از شهر بوکان در محور -
میان دو آب - بوکان و نیلیفات سیاسی
سازمان در جهت وحدت درونی جنبش
مقاومت همه و همه اقدامات سازمان است
که مبتنی بر خط و مشی سازمان و تحلیل
از شرایط کنونی است. فدائیان خلق
در همه جا با عزمی استوار راه شکوهمند
انقلاب را پیروا لیستی - دمکراتیک خلق
های ایران را می پیمایند. در این راه
نه تا زیانهای ارتجاعی در زندانها و نه
کوله های سربی هیچکس نمیتوانند
ایمان فدائیان خلق را نسبت به این
راه پرشکوه متزلزل کنند.

مردم چه میگویند...

بقیه از صفحه ۱۲

دادند. تهدید پاداران کلا "بروی مردم
بی اثر بود. زنی خانه دار رمداد و نفرین
میکرد و میگفت "همه اش تقصیر این پیرنگ
خمینی است. این زن یک بار هم به وسط
درگیری پرید و پاداران را کبچ کرد. -
بالاخره یکی از مجاهدین فرا ر کرد و نفر
دیگر دستگیر شدند. مردم علناً "زفرا یکی
از جوانان لظها رخوشالی میکردند. پس
از ختم جرایم مردمی میگفت "من تا حالا
اونها بچه میدونستم و حرفها شون را -
قبول نداشتم ما حالا از خود مخالفت می
کشیم و بهشان ایمان آوردیم، کاش پیری
داشتم که راهشون را ادا نمیداد.
از زنان بدکاره محلی میباشند برای -
سخن چینی و لودادان مبارزین و مخالفین
به استخادم در آورده است.

فراشه

بقیه از صفحه ۱۴

درگیری خاتمه یافت. از طرفین تعدادی
زخمی شد. پس از آن دانشجویان مبارزان
با حمل پلاکاردهای افشارکوه در مورد
جنایات رژیم جمهوری اسلامی به تظاهرات
پرداخته و راهی محل برگزاری کنفرانس
اسلامی حقوق بشر (که با بتکارتمزادی
از شخصیت های اسلامی نظیرین -
برای بررسی حقوق بشر از دیدگاه اسلام
تتشکیل شده است) رفته و ضمن تظاهرات
در داخل کنفرانس با ارائه بیانیه ای
پروکنفرانس اسلامی، خواهان محکوم
کردن کشتارها و دستگیری های جنابکاران
رژیم جمهوری اسلامی شده و نیز خواستار
تشکیل یک کمیسیون بین المللی حقوق
بشر برای رسیدگی به وضع دادگاهها و
زندانیهای ایران شدند.

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

بیش از ۶۰۰ اعدام در یکماه

۲۲۱	مجدد مهابادی	۲۱۰	ما ربا پیچگاه
۲۲۲	سید امیرا صفری	۲۱۱	مینا توده روستا
۲۲۳	محمد حسین بهاری	۲۱۲	علی عباسی
۲۲۴	سید اکبر سجادیان	۲۱۳	علی اکبر قاضی
۲۲۵	محمد رضا سکوت جهرمی	۲۱۴	محمد رضا فرهنگ
۲۲۶	شهاب محمد خاتلو	۲۱۵	محمد رضا نوری
۲۲۷	حسین اشتها ردی	۲۱۶	حمید زارع
۲۲۸	حسین حسینی	۲۱۷	احمد جان نیشان وظیفه مجاهدین خلق
۲۲۹	بهمن ابراهیمی	۲۱۸	عباس اسما عیسی آقا بابا
۲۳۰	مهدی محمدی	۲۱۹	کا مران قنبری
۲۳۱	رشید ابراهیمی	۲۲۰	محمد موسوی پور
۲۳۲	محمد رضا میر قاضی	۲۲۱	عباس احمد پور
۲۳۳	ابراهیم ادیگرزل	۲۲۲	حسین تهرانی کیا
۲۳۴	محسن افراشته	۲۲۳	محمد بورقهای
۲۳۵	رضا منتظری	۲۲۴	پرویز اکبری
۲۳۶	حمید اشتها ردیان	۲۲۵	علی بنان
۲۳۷	احمد دا جگر	۲۲۶	محمد علی اما میان
۲۳۸	ابراهیم تالچی	۲۲۷	مهدی حاج محمدی
۲۳۹	امیر حسین وره قرون	۲۲۸	علی بیهوی
۲۴۰	مظفر آقا قنژاد	۲۲۹	جمشید فرغانی وحید
۲۴۱	سید محمد موسوی نیا	۲۳۰	جلال داوری
۲۴۲	فریخ الله امام علی	۲۳۱	حسن شجاع الدینی
۲۴۳	جواد میر سید نظری	۲۳۲	حمید ونکی
۲۴۴	نا سرخ سنج	۲۳۳	محمد رضا طهمان
۲۴۵	احمد گرامی بخش	۲۳۴	محمد شهاب نپور
۲۴۶	جهانگیر ابراهیمی	۲۳۵	غسرو پناه
۲۴۷	حمید قلی زاده	۲۳۶	مینر زاکری
۲۴۸	سید محسن جهاندار	۲۳۷	فرناز مظفوی
۲۴۹	محمد علی همایون نژاد	۲۳۸	محمد سبانی
۲۵۰	مرتضی محمدی محب	۲۳۹	علی صالحی
۲۵۱	علی نیر	۲۴۰	شکرا الله محمد شریفی
۲۵۲	فرغانه لطیفی	۲۴۱	سعید ایمانی
۲۵۳	مراد کهنوی	۲۴۲	مرتضی میرزائی
۲۵۴	علیرضا قرظی	۲۴۳	میرزا دلا حسینی
۲۵۵	احمد فیروز بخت	۲۴۴	مجید فتاحی
۲۵۶	قیل از ۶/۱۲ رشت	۲۴۵	جواد دلا محمدی
۲۵۷	علی داوری	۲۴۶	محمد علی شکری
۲۵۸	ساری مجید یوسفی	۲۴۷	احمد فرید حسینی ردکانی
۲۵۹	بزرگ بزرگ زاده	۲۴۸	مسعود باهری
۲۶۰	جمشید بابا نژاد	۲۴۹	مجید جعفری
۲۶۱	نور الله مرده	۲۵۰	علیرضا غفوری
۲۶۲	بهمن رهبر	۲۵۱	محسن حسینی
۲۶۳	بهنام رهبر	۲۵۲	حمید رضا حسینی
۲۶۴	محمد رضا قربیدی	۲۵۳	علی اصغر اولایی
۲۶۵	رضا مادرشاهی	۲۵۴	سرآب بیک محمدی
۲۶۶	منوچهر یزدانی	۲۵۵	مژگان امفهانیان
۲۶۷	قربان آدینه پور	۲۵۶	سیمین لوشی
۲۶۸	رسول انصاری	۲۵۷	حسین اخوت عراقی
۲۶۹	جواد زنجیر فروش	۲۵۸	نوید امیر محمد علیزاده
۲۷۰	بهروز غم	۲۵۹	هاشم بیانی
۲۷۱	جهان بخش فلاحتی	۲۶۰	پرویز نوروزی اقدم
۲۷۲	منصور بیگی	۲۶۱	محمد رحیمی
۲۷۳	شهناز محمدی	۲۶۲	سید حسین کیا
۲۷۴	حمید رضا مالکی	۲۶۳	جواد بوزین
۲۷۵	نازنین قلی	۲۶۴	سید علی امامی
۲۷۶	احمد صادقی	۲۶۵	نا درانی
۲۷۷	احمد شاه میرزائی	۲۶۶	کریم طاهری
۲۷۸	علی محمد شرافعیان	۲۶۷	مجید مصطفی
۲۷۹	محمود صفدری	۲۶۸	بیزن متفرد
۲۸۰	رفسان یوسفی	۲۶۹	نعمت رضائی
۲۸۱	سید طا هرنبوی	۲۷۰	مسعود کیا نی
۲۸۲	عبداللهی شریف زاده	۲۷۱	جعفر شفیع
۲۸۳	پرویز کشیری	۲۷۲	مریم فرخی
۲۸۴	عبدالحسین طاهر دشتی	۲۷۳	عسکری مهدی پور
۲۸۵	سعدا الله حسینی	۲۷۴	وحید محمد پور خاکی
۲۸۶	حبیب الله ملک پور	۲۷۵	حسین محمدی فتیله
۲۸۷	رضا شماری	۲۷۶	فاطمه ترابی
۲۸۸	علی بابا حسینی	۲۷۷	محمد حسین جعفری
۲۸۹	محمد پیچگاه		

مجا همدین خلق کومله	۴۴۳	قبل از ۶/۲۵	محلالت سعیدشا هرخی	"	"	ابوب قادری	"	"	۲۷۸
مجا همدین خود کشی در زندان	۴۴۴	۶۰/۶/۲۰ سنندج	مهدی زندی	"	"	مهدی صمدی	"	"	۲۷۹
پیکار	۴۴۵	قبل از ۶/۲۶	سید آقا جان حسینی	گرگان	"	ابراهیم یوسف بیگلر	کرمان	۶۰/۶/۲۰	۲۸۰
"	۴۴۶	۶۰/۶/۲۵	حسین آذری فرید	تهران	"	حمید شیخ مظفری	"	"	۲۸۱
"	۴۴۷	"	سیدجلیل احمدیان	"	"	مهدی طهانی	"	"	۲۸۲
"	۴۴۸	"	علی رضا قمری	"	"	امیرنمازی زادگان	"	"	۲۸۳
"	۴۴۹	"	سیدقاسم سیدباقری	"	"	حبیب مالدقی	مسجد - سلیمان	۶۰/۶/۱۹	۲۸۴
"	۴۵۰	"	علی رضا سعادت نیایکی	"	"	"	"	"	۲۸۵
"	۴۵۱	"	باقریزدانی	"	"	ابراهیم فتی	"	"	۲۸۶
"	۴۵۲	"	اصغر جعفری جزایری	"	"	بهرزتا حسن	"	"	۲۸۷
"	۴۵۳	"	نعیمی کشیشیان	"	"	ابراهیم هسبت الله پور	مجا همدین	"	۲۸۸
"	۴۵۴	"	سیامک قربانی	"	"	نیشابور فرهاد صدیق	"	"	۲۸۹
"	۴۵۵	"	کوروش کبیری	"	"	حسن کندو	"	"	۲۹۰
"	۴۵۶	"	امیرمعین فر	"	"	حسن تنوریالا	"	"	۲۹۱
"	۴۵۷	"	حمیددهسا	"	"	مهدی یزدیان	"	"	۲۹۲
"	۴۵۸	"	زهرا سبک ترا	"	"	حمیدحیران	"	"	۲۹۳
"	۴۵۹	"	سیدحسین سادات جعفری	"	"	مصطفی استیلایی	"	"	۲۹۴
"	۴۶۰	"	علی اصغر اناری	"	"	ستارکفائی	"	"	۲۹۵
"	۴۶۱	"	حسین هشیار	"	"	مجید حریری	"	"	۲۹۶
"	۴۶۲	"	بیژن تفرجی	"	"	اسما عیل زارعی	"	"	۲۹۷
"	۴۶۳	"	عزیز محمد رحیمی	"	"	علیرضا یعقوبی	"	"	۲۹۸
"	۴۶۴	"	رضا جهرمی	"	"	حسین ابراهیمی دوسرانی	رشت	"	۲۹۹
"	۴۶۵	۶۰/۶/۲۴	عزت الله لطیفی	یاپل	"	غلام فتیمی	"	"	۳۰۰
"	۴۶۶	"	رضا ناظم زردی	"	"	حمید شرفی	"	"	۳۰۱
"	۴۶۷	"	نا سرشیدیان	"	"	مریم شادمان	"	"	۳۰۲
"	۴۶۸	"	فرشاد سپهری	"	"	یدالله حیات بخش	"	"	۳۰۳
"	۴۶۹	۶۰/۶/۲۵	سعید خندان	ساری	"	نفس الدین کوشالی	"	"	۳۰۴
"	۴۷۰	۶۰/۶/۲۴	جعفر کوهستانی	بهبهر	"	سید محمود حسینی ده بینه	"	"	۳۰۵
"	۴۷۱	"	عبدالرضا غفوری	نهاوند	"	مصطفی مستثنی	تهران	۶/۲۲	۳۰۶
"	۴۷۲	"	مرتضی احمدوند	"	"	حجت الله اورزمانی	"	"	۳۰۷
"	۴۷۳	"	احمد رضا ثانی	"	"	حسن دولت آباد	"	"	۳۰۸
"	۴۷۴	"	علی تقوی	"	"	محمد یوسف مخدومی	اعلام نشده است	"	۳۰۹
"	۴۷۵	۶/۲۶	محسن پیغمبرزاده	قیم	"	علیرضا پناهی	"	"	۴۱۰
"	۴۷۶	"	نا سرجهان پور	"	"	فاطمه مرتضوی	"	"	۴۱۱
"	۴۷۷	"	عبدالاحسن یاری	"	"	سعید محمدی	"	"	۴۱۲
"	۴۷۸	"	سیدعلی هاشمی	"	"	راضی حسینی	"	"	۴۱۳
"	۴۷۹	"	محمدعلی بیداد	"	"	علی اصغر فدا بی پگانه	"	"	۴۱۴
"	۴۸۰	"	مظفر سادات پور	"	"	منصوره افخمی	"	"	۴۱۵
"	۴۸۱	"	عبدالله بحرینی	"	"	کیلیان امرزبان	"	"	۴۱۶
"	۴۸۲	"	محمد جعفر دزفولی	"	"	گیتی اسما عیلانی	"	"	۴۱۷
"	۴۸۳	"	علاء الدین واعظی	"	"	علی آشتیانی	مجا همدین خلق	"	۴۱۸
"	۴۸۴	"	جوادی مینی کاظمی	"	"	مصطفی مقدم	"	"	۴۱۹
"	۴۸۵	"	محمد رضا آریایی	"	"	مهرودسمتانی	"	"	۴۲۰
"	۴۸۶	"	رامین نقاش زاده	تهران	"	رضا گل چی	قبل از ۶/۲۲	"	۴۲۱
"	۴۸۷	"	عزیزه مددی پور	"	"	احمد مالدقی خواه	"	"	۴۲۲
"	۴۸۸	"	علیرضا اکبری	"	"	علی قریشی	پویان - چریکهای فدائی	"	۴۲۳
"	۴۸۹	"	سهیلا وثوق	"	"	پرویز عدالتی	"	"	۴۲۴
"	۴۹۰	"	بهرروز جنگله	"	"	سعیدرضا	"	"	۴۲۵
"	۴۹۱	"	مصیب صالحی آهنگ	"	"	علی علی آبادیان	"	"	۴۲۶
"	۴۹۲	"	نیلوفر تشید	"	"	فریده شمیری	"	"	۴۲۷
"	۴۹۳	"	خسرو صحرایی	"	"	محمود دانا بی	"	"	۴۲۸
"	۴۹۴	"	فریبا انصاری	"	"	صفر زارعی	"	"	۴۲۹
"	۴۹۵	"	فرزانه علیزاده	"	"	محمود نظری	"	"	۴۳۰
"	۴۹۶	"	نا هیدجوادی	"	"	حسین جعفرزاده	"	"	۴۳۱
"	۴۹۷	"	فاطمه مصباح	"	"	ابوالقاسم جعفری	"	"	۴۳۲
"	۴۹۸	"	محبوبه خدائی	"	"	محمد حسین منصف	"	"	۴۳۳
"	۴۹۹	"	شهین مقدس زاده	"	"	رضا شیروانی	مجا همدین خلق	"	۴۳۴
"	۵۰۰	"	میترا افشاری	"	"	بهزاد ابدالی	"	"	۴۳۵
"	۵۰۱	"	مریم ضیائی	"	"	صفا معینی	"	"	۴۳۶
"	۵۰۲	"	افسانه رحیمی	"	"	سرور مهدوی	"	"	۴۳۷
"	۵۰۳	"	شرین الوندی	"	"	بهنام مهران پور	۶۰/۶/۲۱	آستارا	۴۳۸
"	۵۰۴	"	جوادی عبداللهی	"	"	سعید رابهری	۶۰/۶/۲۲	یا سوج	۴۳۹
"	۵۰۵	"	سیما محمدی	"	"	امرالله نوریان	"	"	۴۴۰
"	۵۰۶	"	مهین چشم براه	"	"	ابوالحسن اقدسی	۶۰/۶/۱۶	تربت - حیدریه	۴۴۱
"	۵۰۷	"	مرتضی مردف	"	"	علی اصغر مالدقی	"	"	۴۴۲
"	۵۰۸	"	"	"	"	قبل از ۶/۲۴	گرگان بزرگ عبداللہ نژاد - خودکشی در زندان	"	۴۴۳

شهرام زمان سلطانی	۵۸۰	۶۰/۶/۲۲ مشهد	علی سیمی	۵۰۹
عباس خیرآبادی	۵۸۱	"	حبیب الله آشوری	۵۱۰
سیدعما دنبوی	۵۸۲	"	علی تیموری	۵۱۱
امیررضا پورهاشم	۵۸۳	"	سعید نوروزی	۵۱۲
علیرضا اشراقی	۵۸۴	"	حمیدرضا کا هیدی	۵۱۳
محمد رضا قلاوند	۵۸۵	"	محمد رضا کریمی	۵۱۴
سیدرضا صفایی	۵۸۶	"	غلامعلی آرا پرست	۵۱۵
حسین طبیبی پور	۵۸۷	"	محمود گرامی بخش	۵۱۶
اعلام نشده است	۵۸۸	"	مادک شجاعی	۵۱۷
مجا هدی خلیق	۵۸۹	"	ستاره احمدی	۵۱۸
اعلام نشده است	۵۹۰	"	غلامحسین تجددی	۵۱۹
راه کارگر	۵۹۱	"	محمد منموری	۵۲۰
مهدی صالحی - درگیری مجاهدین خلیق	۵۹۲	تهران قیل ۶/۲۹	اکبر محمدی	۵۲۱
کاظم جمشیدی	۵۹۳	"	علیرضا اکبری منفرد	۵۲۲
محمدتقی افشاری	۵۹۴	"	زهرا رحمانی	۵۲۳
مجید حیوی آزاد	۵۹۵	"	عطیه محورخوان ری	۵۲۴
عبادی	۵۹۶	"	طاهره وکیلی	۵۲۵
جواد رضا پور	۵۹۷	"	فاطمه شاملو	۵۲۶
عبداللهی مهنا	۵۹۸	"	عصمت کیانی	۵۲۷
محمد منموری	۵۹۹	"	معمومه شکوهی	۶۰/۶/۲۸ ۵۲۸
مصطفی حسینی شانه چی	۶۰۰	"	آیداشهبازی	۵۲۹
محمد منشیان مطلق	۶۰۱	"	ملیحه پورمند	۵۳۰
مهدی سمعی	۶۰۲	"	محمود سرافیلی	۵۳۱
محمد مهدی تنکا بنی بیگار	۶۰۳	"	مسعود زمانی	۵۳۲
مجا هدی خلیق	۶۰۴	"	حمیدرضا علی اصغری	۵۳۳
مجا هدی خلیق	۶۰۵	"	سازان خوشبونی	۵۳۴
فرا مرزپورده	۶۰۵	"	اصغرا شتری	۵۳۵
کاظم قاسم زاده	۶۰۶	"	میرمجید آئین پرست	۵۳۶
ابوالقاسم توکلی	۶۰۷	"	مریم شیردل	۵۳۷
حسب الله اسلامی	۶۰۸	"	بهروز شیردل	۵۳۸
کا ووس حسینیان	۶۰۸	۶۰/۶/۲۶ بیجا سوچ	علیرضا یراق چی	۵۳۹
هادی طاهرپور	۶۱۰	"	محمد صادق گلزاده	۵۴۰
عبدالمصطفی رادمنش	۶۱۱	"	غفوری	"
داریوش نکین تاجی	۶۱۲	"	حسین مفتح	۵۴۱
فهمیه تحصیلی	۶۱۳	تهران قیل ۶/۳۰	وحید نجفی زاده	۵۴۲
محمدتقی افشارپور	۶۱۴	"	حسن کاظم پورمقدم	اعلام نشده است ۵۴۳
هادی شریف نجف آبادی	۶۱۵	"	علی مختار زبیبائی	۵۴۴
سپهر سفی	۶۱۶	"	حسین پناهی فر	۵۴۵
جلیل فضلی	۶۱۷	"	ابوالفضل شاه علی	۵۴۶
عبدالرحمن تقی نژاد	۶۱۸	"	شهاب حسینی	۵۴۷
محسن شریف	۶۱۹	"	راضیه کمالی	۵۴۸
فرهاد کیوانی	۶۲۰	"	فاطمه گودرزی	۵۴۹
مصطفی موهبت	۶۲۱	"	صدیقه وحیدبوسفی	۵۵۰
رما مولائی	۶۲۲	"	نعمت الله تاشک	۵۵۱
حسین فردوس	۶۲۳	"	محمد حسین	۵۵۲
محسن ترخوشی	۶۲۴	"	فتما لله مشعشی	۵۵۳
علی عزتی	۶۲۵	"	مصطفی حاج شریفی	۵۵۴
ناصر توکلی	۶۲۶	"	علی مشنی	۵۵۵
نا در میرزائی	۶۲۷	"	رضا قربانی	۵۵۶
اصغر رحمانی	۶۲۸	"	حمید زرنگانی	۵۵۷
محمد حسین داودی	۶۲۹	"	ناصر علی خادمی	۵۵۸
فرهنگ سالاریان	۶۳۰	"	حمیدرضا طهان	۵۵۹
احمد رضایی خلیقی	۶۳۱	"	مجید تاپری صومعه گی	۵۶۰
سیمین صمدی	۶۳۲	"	ابراهیم صائبی منسب	مجا هدی خلیق ۵۶۱
محمد رضا بیدی	۶۳۳	"	ناصر حقیقی	اعلام نشده است ۵۶۲
علی میرمحمدی	۶۳۴	تهران قیل ۶/۳۰	منوچهر نیکوخواه	۵۶۳
حمیدرضا تقوی	۶۳۵	"	محمود میرجلیلی	۵۶۴
حمیدرضا تقوی	۶۳۶	۶۰/۶/۲۹ بیبهان عباس فخری	حوریه عالی	۵۶۵
عباس فخری	۶۳۷	"	خرم آباد محی الدین عباسی	مجا هدی خلیق ۵۶۶
ابوالقاسم خجسته	۶۳۸	"	ایرج ما سوری	۵۶۷
نجف آباد احمدلسانی	۶۳۹	"	باقر حاج علی محمدی	۵۶۸
اکرم خلیلی	۶۴۰	"	محمود عسگری	اعلام نشده است ۵۶۹
معصومه سبزیان	۶۴۱	"	مصطفی نمازی	۶۰/۶/۲۶ ساری ۵۷۰
بندرانزلی ساجدین عابدین	۶۴۲	"	محمد رضا نیک سلیمان	مجا هدی خلیق ۶۰/۶/۲۲ مشهد ۵۷۱
فاطمه شهر حسین غفاری	۶۴۳	"	علی زائریان	۵۷۲
علی فقیهی	۶۴۴	"	محمد رضا صفاری	۵۷۳
حسین شکری	۶۴۵	"	احمد خرسند	۵۷۴
خسرو فضل آرا	۶۴۶	"	غلامحسین سالاری	۵۷۵
شعبان مهدی پور	۶۴۷	"	نا در علم مهرجویی	۵۷۶
حسین جمشیدی	۶۴۸	همدان ۶۰/۶/۳۰	محمدتقی بختیاری	۵۷۷
خیرالله مختاری	۶۴۹	"	حسین سپهری	۵۷۸
محمد رضا روانیان	۶۵۰	"	محسن سپهری	۵۷۹
محمد رضا روانیان	۶۴۹	"		
پروین مستوفیان	۶۵۰	"		

“مراکز خدمات روستائی”

اجرای طرح‌های آمریکایی در رژیم جمهوری اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی در ابتدا بسیار کوشید تا مقاصد او هدا ف ضد خلقی خود را در پوشش‌های مردم‌فريب ارائه دهد و طرح‌های سر به‌داران در لباس حمایت از مستضعف به اجرا آورد. و باید گفت مدتی نیز در این نیت شوم خود موفق بود و توده‌ها را فریفت. مدتی توده‌ها چشم امید به رژیمی دوخته بودند که هدفی جز بازاری هر چه سریع‌تر نیستیم غریبه خورده سرما به‌داری وابسته، و نتیجتاً “جذ حفظ و حراست از منافع سرمایه‌داران - البته قشر خاصی از آنان ندارد. مدتی توده‌ها امیدشان به جهاد با زندگی، “کمیتها ما م حساب صد” - “سبب دمسکن”، “هیئت‌های هدایت نغز” و... بسته بودند. اما از این اما مزاده نیز چون ما م - زاده آریا مهر معجزه‌ای برخاسته بتدریج برده از چهره کریمه رژیم فرو افتاد و به تدریج توده‌ها دریا فتند که “بالا تها” به در دشان نمی رسند. توده‌ها چشم از بالا برگرفتند.

رژیم در این زمینه تبلیغات وسیعی را در روستاها پیش برد. جهاد ساس زندگی را علم کرد، که هر چند اجرای رفرم‌های رنگ پریده را در روستاها برعهده گرفت اما در نهایت به مالکین متوسط روستا خدمت نمود (با دیدن نظر داشت خشوش نشینان و بیا خرده مالکین روستا تا آن اندازه زمین نداد رند که نیا زبه در و کربن جهاد باشد، خود را نوا ده‌شان از بهر سر عمل بر می آیند، در عین حال که دستمزد کارگر روستایی بزار ثریاری در زمین به در و محصولات مالکین بسته سطحی بسیار رازل نزول نموده، از سوی دیگر سبیلاتی چون انبار، جاده و... در عین ننگه نقش رفرم گونه در زندگی روستا ایفا میکنند اما در وجه غالب در خدمت بورژوازی روستا قرار دارند... (هیئت‌های هفت نفری را ترتیب داد که با ساز و دهل تقسیم اراضی به روستاها رفتند اما در عمل با حمایت از فتواد الهی و زمینداران کوس رسوایی اصلاحات ارضی رژیم را به صدا در آوردند، مدتی نیز زیر طبل تو خالی بند “ج” نواخت اما در عمل نشان داد که ارتجاعیون چون خمینی و شورای نگهبان نبیون اهل رفرم‌های بورژوازی نیز (هر چند نینم بند) نیستند. اینک رژیم علمی دیگر بدست گرفته است و به تبلیغاتی گسترده حول طرحی بنام “مراکز خدمات روستائی” پرداخته است. اما همانگونه که بارشدمبارزه - طبقاتی و افشای ما هیت رژیم در نژد توده‌های وسیع دیگر در تمام عرصه‌ها حربه فریب‌کننده و شمشیر سرکوب بکار گرفته شده است در این رابطه نیز رژیم تلاش زیادی در پوشانیدن ما هیت ضد خلقی این طرح‌شان نمیدهد. این طرح

که بر طبق گفته یکی از اعضای شورای مرکزی جهاد ساس زندگی در “تیرما ۹۵” به تصویب رسیده است نسخه برداری ناشیانه - ای از طرح‌ها نه‌های انصاف و سیاست‌های دانش و به‌دانش شاه معدوم است. خانه - های انصاف، رپوشش عدل و داد و سیله‌ای برای سرکوب اعتراضات و کنترل - مبارزات دهقانان بود و این طرح نیز به گفته مریخ عضو شورای مرکزی جهاد ساس زندگی پیش از ۱۰۰۰۰۰ انجمن اسلامی روستاها را رسمیت میبخشد (کمپان - ۶۰/۶/۲۵). روشن است طرحی که اولیسن و شاید مهمترین گام رسمیت بخشیدن به ۱۰۰۰۰۰ انجمن اسلامی روستاها یعنی رسمیت بخشیدن به برای گرجا سوسی، زور - گوئی، سرکوب مبارزات روستائیان، تفتیش عقاید و خیرچینی برای رژیم می باشد چگونه طرحی است. میتوان بد رستی گفت اجرای این طرح در شرایط کنونی (با وجودیکه در تیرما ۹۵ تصویب شده) - چندان هم بی‌مورد نیست و ارتباط تنگاتنگی با ایجاد “ساواکی قوی، - مطمئن و سراسری” دارد و نقش شبکه‌های ساواک رژیم در روستاها را ایفا مینماید. از همین جا معلوم است که “خدمات” این مراکز در چه زمینه‌هایی است، ساختن احیانا “۱ یا ۲ مسجد در روستاها بی‌که اغلب آب، برق، حمام و جاده ندارند، برگزاری نماز جماعت، تشویق مردم به جاسوسی و کنترل یکدیگر و خیرچینی، رژیم جمهوری اسلامی هر چند شیوه‌های خاص خود را داراست اما تمامی سیاستهای ضد خلقی اش در راستای تکمیل و پیاده کردن اهداف و سیاستهای شاهانه است. (در این مورد مثالها متعددند، خواب - کردن خانه‌ها، تخریب دکه‌ها، سرکوب - کارگران و توده‌ها، اعدام فدائیان و مجاهدین، ایجاد دوگسترش ساواک، توسعه قرار دادهای امپریالیستی و... و حتی در موارد متعددی چون اعدامها و کشتارها رژیم جمهوری اسلامی دست خونین شاه معدوم را نیز از پشت بسته است) در این زمینه نیز طرح “مراکز خدمات روستائی” از این امر مستثنی نیست. عضو عالی رتبه جهاد ساس زندگی با وقاحت تمام میگوید “در حقیقت روی این طرح در سال ۵۴ یک شرکت مهندسی کشا و وزی آمریکا ئی البته در جهت اهداف سرمایه‌داری امپریالیستی تحقیقاتی انجام داده که به موجب آن بنا بر این بوده که مراکز برای جهت بهبود وضع کشا و وزی در روستاها ایجاد شود. این طرح پس از انقلاب در ۱۴ تیرما ۹۵ - عنوان طرح خدمات روستائی و عشایری تصویب شد (همانجا) براساسی که “میراث خرس به کفتار میرسد” اعتراف مریختر و در عین حال بیشتر ما نه‌تر از این نمی توان یافت. این عضو لیرتبه جهاد، این مزدور رژیم به صراحت اعلام میکند

که رژیم جمهوری اسلامی طرح مستشاران آمریکائی را بعنوان طرحی انقلابی به خورد روستائیان میدهند. اینها سخنان است که با دیدشکلی وسیع به میان توده‌های روستائی برد و حول آن تبلیغ نمود. با بدما هیت ضد خلقی این طرح‌ها بر طرح‌های رژیم را برای توده‌های کارگر و دهقان افشا نمود. بدستگاه این طرح که توسط مستشاران آمریکائی تنظیم شده و جز اولیسن گامهای رسمیت بخشیدن به انجمنهای ضد مردمی و اسلامی روستاهاست در میان توده‌های روستاها افشا نمود. با بدبیرتو جارب توده‌ها استکاء کرد، شاهانه را با گوشت و پوست خود لمس کرده اند. آنها در تمامی عرصه‌ها به شوم ساواک و مزدورانش را در لباس کدخدایان و امثال او بر سر خود داده اند و اینک شما می این مثالها برایشان ملموس و قابل قبول است با بدروشن کرد که “مراکز خدمات روستائی” اهدافی بجز اهداف شاهانه ندارد و در هر ای بجز فریب و سرکوب توده‌ها در پیش ندارند. با بد توده‌های وسیع روستائی را که اینک زیر فشار سیاستهای ضد خلقی رژیم آمده - انفجار زندسازمان داد و به حول هر یک هریک از حرکات ضد دهقانی رژیم آنان را به حرکت در آورد.

هر چند رژیم آب درها ون میگوید و سیاست‌های ضد مردمی آن برای اکثریت مردم افشا شده است اما نباید فراموش کرد که اقشار عقب مانده توده‌ها بخصوص در روستاها هنوز گوشه‌چشمی به “بالا تها” دارند و در آرزوی تحقق خواسته‌هایشان از طریق رژیمند. از سویی با بد این توم را شکست و پوشش عوام فریبانه برنا مدهای رژیم جمهوری اسلامی را از هم درید و از سوی دیگر با بد آنان را متشکل نموده حول خواسته‌های برحقشان به حرکت واداشت. با بدبیش از پیش برای توده - های روستائی توضیح داد که هیچ مرکز، واحد، انجمن، شور و... که از بالا تشکیل گردد فا در به بر آوردن نیازهای آنان نخواهد بود و تنها نمایندگان واقعی که از جانب روستائیان بدون هیچگونه تهدید و فشار رودر کمال آزادی انتخاب گردند و تنها تشکلهایی که توسط خود روستائیان بوجود آید و تمامی زحمت کشان روستا را در خود مجتمع گردانند قادر به تامين نیازهای واقعی توده‌هاست. با بد نمونه‌های موفق و پیرومند ستاد فرهنگي خلق ترکمن و ستادشوراهای ترکمن صحرا و کارنامه عملکردهای خلقی آنها را به وسیعترین شکل در میان توده - ها ترویج نمود. با بد توده‌ها را به قدرت لایزالشان آشنا ساخت. آنکا هست که توده‌ها تا ربحرا میسازند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

اخباری از جنبش

بقیه از صفحه ۲۴

سنندج ۶۰/۶/۲۵ : جاشها و پاسداران - فرما به رژیم در این روز حمله سرکوبگران به ای به مردمی دفاع روستای سرنجیا نه پائین انجام دادند. در این حمله زن بی دفاعی بنام گلبارغ رحیمی که در نتیجه تیراندازی این مزدوران به وحشت افتاده بود سعی داشت بچه های خردسال خود را به داخل خانه فرار دهد موداما بت رگبار مسلسلهای پاسداران سرمایه قرار گرفت و به شهادت رسید.

جلدان جدا ورا که موردا صابت گلوله قرار گرفته بود بسویله هلی کوپتر به تهران برده و هنگامیکه اقوامش بمنظور تحویل جسد به بیمارستان مراجعه کردند آنان مبلغ ۸۰۰۰ تومان مطالبه نمودند. وبا این عمل ضد انسانی بخوبی ماهیت حامی مستضعفان جهان را به نمایش نهادند.

مریوان ۶۰/۶/۱۶ : جاشها و پاسداران مستقر در کراباد مریوان به مواضع پیسرگان حزب دمکرات کردستان ایران در مارانی حمله بردند و به محض وصول این خبر پیشمرگان سازمان (دسته شهید طهمورت اکبری) به کمک آنان شتافتند و ضمن عقب راندن دشمن عده ای کشته و زخمی (که اطلاع دقیقی از تعداد آنها در دست نیست) برای آزادند.

مریوان ۶۰/۶/۱۷ : ساعت ۱۲ پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و حزب دمکرات کردستان ایران در دو آب مریوان به کمین پاسداران و جاشهای مزدور نشستند. حدود ساعت ۱ بعد از ظهر مزدوران به کمین افتادند که پس از سه

ساعت درگیری علیرغم استفاده انسان از انواع سلاحهای سنگین عده ریلد کشته و زخمی شدند و به پیشمرگان هیچگونه آسیبی وارد نیامد. در ادامه این درگیری در ساعت ۴ بعد از ظهر عده زیادی جاش و پاسدار با استفاده از انواع سلاحهای سنگین بشکلی وحشیانه به آبادی بوریدر حمله کردند و تمامی مناطق مسکونی (- هوارها و کوچههای زحمتکشان) را زیر باران گلوله قرار دادند. پیشمرگان سازمان و حزب دمکرات سرخستان در مقابل مزدوران ایستادگی کرده و دو خود رو حامل تیربار کالیبر ۵۰ رابا ریبی جی و نازک دستی منهدم ساختند. سپس بعزت و خشکری - مزدوران و تعرض آنها به جان و مال اهالی بی دفاع پیشمرگان به مواضع اطراف - بوریدر عقب نشینی کردند و پس از سازماندهی مجدد در صبح روز ۶۰/۶/۱۸ حمله متعابلی را شکل دادند که مزدوران رژیم با شکستی مفتضحانه مجبور به ترک آبادی شدند. - پیشمرگان جاشها و پاسداران راتا نزدیکی - های نیاباد تعقیب کردند. در این نبرد ۲۴ ساعته تعداد ۸ نفر از مزدوران کشته و عده زیادی زخمی شدند اما به پیشمرگان جنبش مقاومت کوچکترین آسیبی وارد - نیامد. پیشمرگان قهرمان بخوبی نشان دادند آنجا که خلق اراده کند مواضع خود را کامکان دلاورانه در مقابل یورشهای فاشیستی رژیم جرات خواهد کرد.

سنندج ۶۰/۶/۲۵ : پیشمرگان سازمان از ساعت ۶ بعد از ظهر بمدت ۲ ساعت قسمتی از جاده سنندج - کرمانشاه را به کنترل - خود گرفتند و به با زرسی وسایل نقلیه - موتوری پرداختند. در ساعت ۷ در حالیکه عده زیادی از مسافرین بدعوت پیشمرگان اجتماع کرده بودند یکی از قفسه های ارتجاعی رژیم ضد خلقی را آفشاء و در قبان آن مردم را به وحدت و یکپارچگی دعوت

نمود. برخورد پیشمرگان سازمان با مردم آنچنان خرم و صمیمانه بود که آنان دسته جمعی به تروروا ختناق حاکم بر جامعه و اعدای مهای وحشیانه رژیم اعتراض میکردند مسافران پس از روبوسی با پیشمرگان قهرمان به سفر خود ادامه دادند.

درگیری در روستای دوشان : در ساعت ۹/۵ صبح روز پنجشنبه ۶۰/۷/۱۶ یک دستگاه سیمرغ حامل جاشها و پاسداران مزدور در ۵۰۰ متری فرودگاه سنندج به کمین پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران افتاد پس از یک ساعت درگیری سیمرغ حامل تیربار کالیبر ۵۰ منهدم و مزدوران با دادن ۷ کشته و زخمی جیوبا نه متواری شدند. در ساعت ۱۱ همان روز ستونی مرکب از جاشها، پاسدار، ژاندارم و سرکوبگران ارتش به محل درگیری حمله بردند. پیشمرگان با استفاده از تاجار ب قهرمان انقلابی خود در سنگرها قرار گرفتند و با نظامی انقلابی و مقاومتی دلیرانه از پیشروی مزدوران سرکوب رژیم جلوگیری کردند. نیروهای سرکوبگر که از تلاش - مذبحخانه خودنا امیدگشته بودند خشم خود را متوجه مردم ساختند و از کودکان ۴ ساله تا پیر مردان و پیر زنان را مورد اذیت و آزار قرار دادند. این مزدوران ابلهان از کودکان و پیر مردان و پیر زنان اسلحه مطالبه میکردند. سرانجام سرکوبگران بشکلی نا امیدانه سیمرغ منهدم شده را که حامل کشته ها و زخمی ها بود توسط یک ریزی ارتشی یدک کرده و عقب نشینی - نمودند. پیشمرگان بلافاصله به میان مردم رفته و به شرح درگیری و افشای زرمورد ما هیت ضد خلقی رژیم حاکم پرداختند. این عمل با استقبال گرم و پر شور روستایان اطراف مواجه گشت.

گزارشی از راهپیمایی اول ماه مهر در مناطق جنگزده

آیت الله منتظری همچون سال گذشته از تمامی دانش آموزان سراسر کشور دعوت کرد که در روز افتتاح مدارس برای نشان دادن قدرت و میزان حمایت از حکومت و اسلام، به یک راهپیمایی دست بزنند. مدارس در مناطق پشت جبهه وضعیت خاصی دارند، امسال نیز همچون سال گذشته و بخاطر فشار بیشتر بر توده های جنگزده ابتدایایع کردند که بدلیل آنکه جنگزدگان در مدارس اسکان یافته اند، از ثبت نام دانش آموزان بخصوص دانش آموزان جنگزده خودداری خواهند کرد. مگر آنکه جنگزدگان از مدارس خارج شوند. در کمپ B (شهرک هجرت) سر بتر در که حدود ۱۷ هزار جنگزده را در خود جای داده است چون ساختمان جداگانه ای برای دبستان داشته است از این صحبت مستثنی بود، مگر چه بیشتر فشار بر روی دبیرستانها و مدارس راهنما می باشد. بهر حال از آنجا که جنگزدگان دیگر گوشان از این تهدیدها بر نشده است، باجی تفاوتی نسبت به مسئله برخورد کردند تا با لایحه رژیم باز مجبور شد از دانش آموزان ثبت نام بعمل آورد. در روز اول مهر ماه، عدم شرکت فعال و گسترده

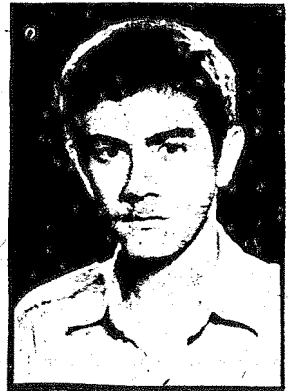
دانش آموزان در راه پیمایی مزبور، خود نشان دهنده میزان آگاهی و نفرت توده ها و دانش آموزان از رژیم میباشند. میتوان گفت اساساً چیزی با سم - تظاهرات در این مناطق انجام نگرفت بلکه بیشتر قدم زدن تعدادی معلم و محمل، که با وابسته به رژیم بوده اند و یا بزور و از ترس قطع حقوق و اخراج به خیابان مده بودند، در چند خیابان بود که انجام گرفت.

ماهشهر

۶۰/۷/۱۲ - کارکنان اداره مرکزی شیمیائی رازی طی نشستی، پس از سخنرانی - نمایندگان و تعدادی از کارکنان تصمیم میگیرند نسبت به عدم تعطیلی پنجشنبه اعتراض کرده و پنجشنبه از رفتن سرکار - خودداری نمایند. پس از این تصمیم روز پنجشنبه اکثریت کارکنان سرکار حاضر نمیشوند. طبق خبرهای رسیده شبانه به خط نه نمایندگان از جانب پاسداران - حمله شده و نمایندگان را با ضافه تعدادی از کارکنان دستگیر کردند. روز شنبه توسط انجمن اسلامی و پاسداران از ورود کارکنانی که در جلسه مزبور حضور داشته و پنجشنبه از آمدن سرکار خودداری کرده بودند، جلوگیری بعمل آمده و به آنها ابلاغ میشود که تا اطلاع ثانوی تا مدتی به اداره - خودداری کرده و در خانه منتظر اطلاع و ابلاغ بعدی باشند. طبق اخبار رسیده بیش از ۶۰ نفر از کارکنان احتمالاً دستگیر

شده اند. از سرنوشت دستگیر شده ها اطلاعی در دست نیست. از روز شنبه ۶۰/۷/۱۲ تمامی دانش - آموزان اعم از دبستان، راهنمایی و دبیرستان راهنما و ورود به مدرسه مورد - با زرسی بدنی قرار میدهند. رژیم از ترس کوچکترین حرکت دانش آموزان به دختران دانش آموز دستور داده است که از آوردن - کیف دستی خودداری نمایند و کتایبهای خود را یا در دست گرفته و یا حداکثر در کلاسور بگذارند.

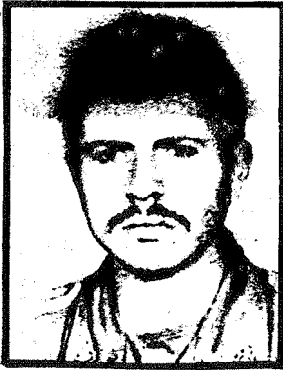
دخترانی که صحبتها به مدرسه راهنمایی شهر می رفتند، در معیت معلم خود از مدرسه مزبور بطرف مسجد راه افتادند تا از آنجا همراه سایر دانش آموزان به سمت - مسجد ما شهر که راه پیمایی نمایند. حدود ۶ دختر همراه حدود ۱۰ معلم در خیابان براه افتادند، از این عده فقط حدود ۱۰ الی ۲۰ نفر شعار داده و تکرار - میکردند. بقیه بیشتر به صحبت با هم مشغول بودند. این راه پیماییان پس از گذشتن از خیابان اصلی و ورود به خیابان مسجد ما راه پیماییان دیگر برخورد کردند که بسمت مسجد می رفتند. این راه پیماییان حدود ۶۰ معلم دبستانی که اغلب آنها از کلاس پنجم به پایین بودند که تحت سرپرستی چند معلم به راه پیمایی دست زده بودند. از پدر و مادرها که منتظری از آنها نیز درخواست کرده بود در راه پیمایی - بقیه در صفحه ۱۰



گرامی باد
خاطره

پیشگام شهید رفیق علیرضا پناهی

در سال ۱۳۴۰ در خانه ای محقر بدینا آمد و از کوچکی طعم تلخ فقر را چشیده بود. پدرش کارمند ساده ای بود و با درآمد کمی که داشت چرخ زندگی یک خانواده ده نفری را میچرخاند. علی فرزند پنجم خانواده بود و از همان کودکی زنگ و با عا طفه بود و هیچگاه زهیر با رزور نرفت. در اوایل قیام با وجود سن کم، بسیار فعال بود. برای به ثمر رسیدن مبارزات مردم کوش زیادی کرد. هروقت او را میدیدی مشغول کاری بود. شجاعت و صداقت او زبانه زد. اهل محل و دوستانش بود. مردم مبارزه امیر به او خوب میشناختند. با پول ناچیزی که از فروش کتاب بدست میآورد صرف خرید ذغال و نفت برای مردم محروم میکرد. غربیها میکرد. اوقات فراغت خود را صرف



نامهای از هواداران سازمان: به رفقای
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
با درودهای کمونیستی

رفقا! موضوعی را که میخواهیم مطرح کنیم در رابطه با شهادت رفیق نادر ایازی است. او دانشجوی انستیتوتکنولوژی تهران در رشته مکانیک بود. که سابقه مبارزاتی طولانی در زمان رژیم شاه داشت و بعد از آن یکی از بنیانگذاران و مسئولین پیشگام تهران و مسئول پیشگام مسند چاهواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بود. که پس از یکسال فعالیت در شاخه گردستان سازمان در کناره پیشمرگان - جنبش مقاومت خلق کرد. در تاریخ ۲۳ ام تیرماه ۱۳۵۹ در درگیری و مقاومت در برابر یورش ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی و پاسداران ارتجاع در روستای "شورویز" به شهادت رسید.

پس از شهادت وی فدائیان اکثریت این خائنین به خلق و قیام نه و به شیوه ای اپورتونیستی از او بعنوان به اصطلاح شهیدای اکثریت نام برده و خون او و دهها شهید انقلابی دیگر و شقیهای ایرانی کسب وجهه و آبرو برای خود نمودند. اما ما به جهت افشای این خائنین به خلق می نویسیم و خواه استارچاپ آن در کار هستیم.

مطالعه میکرد. در جریان حمله مردم به پادگانها نقش فعالی ایفا کرد و دو شاخه دوش مردم با مزدوران رژیم شاه جنگید. پس از قیام شبها تا صبح پاسداری میداد و از هر وسیله ای برای دفاع از دستاوردهای قیام خوانین خلق استفاده میکرد. ضمن فعالیت عملی به سرعت افکارش شکوفا میشد و آگاهیش نیز افزایش مییافت و هنگامیکه فهمید با مشتی انقلابی نماینده های بعد از انقلاب و ساواکیها همکار است دیگر لباس پاسداری نیوشید و صف خود را از آنها جدا ساخت و برای مبارزه با امپریالیسم و پانگام خلیج ارتجاع حاکم، به صفوف فدائیان خلق پیوست (تا تاریخ تقریبی ۵۸/۱۰۹۳۰) سپس فعالیت خود را با فروش نشریه و پخش اعلامیه و شعاری نویسی بر روی دیوار دفاع از مواضع سازمان شروع کرد. بعد از اشغال، صف خود را از اپورتونیستهای این خائنین به طبقه کارگر جدا ساخت و همراه با جناح انقلابی سازمان فعالیت خود را بعنوان هوادار سازمان ادامه داد و به ترویج و اشاعه مواضع سازمان پرداخت. سرانجام در تاریخ ۶/۶/۶۰ ساعت ۶/۵ بعد از ظهر در خیابان آذربایجان - سرسبیل در هنگام اجرای قرار دستگیر و صیقلگاه - روز ۱۷ شهریور بدون محاکمه و با تحمل شکنجه های فراوان راه سرخ شهیدان - بدریفت رژیم ددمنش جمهوری اسلامی از اعلام عدم او و سایر همزمانانش تا تاریخ ۶/۶/۶۰ خودداری نمود اما جسد او دیگر انقلابیون در روز ۶/۶/۶۰ تحویل پزشکی قانونی شده و در تاریخ ۶/۶/۶۰ در بهشت زهرا قطعه ۲۴ خاک سپرده شده بود. یادش گرامی باد.

فدایی شهید رفیق عبدالرضا غفوری

بقیه از صفحه ۲۴
رفیق عبدالرضا غفوری در سال ۱۳۴۶ در یک خانواده فقیر در شهرستان نهاوند متولد شد و فقط ۶ ماه از عمرش گذشته بود که پدرش را از دست داد و دوسر برستی او و برادر و خواهرش را مادرشان که زنی تهی دست و زحمتکش بود بعهده گرفت. او که در میان زحمتکشان برخاسته بود تا آخر نیز لحظه زندگی کوتاه ولی پر بارش به آنها وفادار ماند و جانش را فدای دفاع از آرمانهای انقلابی کارگران و زحمتکشان نمود. رفیق عبدالرضا که در در دوران زحمتکشان را با گوشت و پوست خود لمس کرده بود. فعالیتها بسیار وسیع خود را از همان دوران کودکی با تبلیغ علیه رژیم شاه آغاز کرد. رفیق قبل از قیام خونین خلق در مبارزات مردم فعالانه شرکت میکرد و خود را سازمان دهندگان نظرها و ت و مخصوصاً حمل و آتش زدن ارگانهای رژیم نفور شاه بود. تا قبل از اشغال خائنین اکثریتی، با دیگر سازمانها کار میکرد و بعد از اشغال با مطالعه دقیق مواضع "اقلیت" سازمان پیوست و تا آخرین لحظه دستگیری بطور خستگی ناپذیر و شبانه روزی در بخش تبلیغات کشتی و شناهی هواداران سازمان به فعالیتها خود ادامه داد. رفیق چندین بار بوسیله رژیم دستگیر شد ولی هر بار آبدیده تر و مجرب تر از قبل نشد. تا آخر حرکت با زمانه، بلکه با عزمی

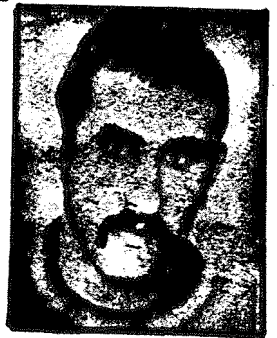
اتوار آهنگ حرکت را تندتر کرد. صداقت شهامت، بیگیری و برخورد خلق رفیق با معضلات و مسائل جنبش و سازمان از خصوصیات بارز او بود. رفیق عبدالرضا که نقاش و خطاطی زبردست بود تمام اندیشه و هنر خود را در خدمت خلق گرفت و اغلب تا پاسی از شب را به شعرنویسی و شغول بود. نوشته های به یادگارمانده از رفیق بر در دیوار شهرنشانی از دامه راهش میدهد. او در آخرین لحظات زندگی اش همچنان که بیطرف جوخه های جنایت پاسداران میزرفتن شعار "مرگ بر آمریکا، مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، درود بر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را چنان شعره زده که دشمنان بر خود لرزیدند. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

فدایی شهید حمیدرضا ماهیگیر

بقیه از صفحه ۲۳
در شاهگاه روز چهاردهم شهریورماه به سه جوخه اعاد مسپردند. شهادت رفیق پایانی بود بر زندگی سراسر مبارزه، فداکاری و ایمان به خلق او. آری بقول رفیق کاکا حمیدبا مقبومت و سرانجام شهادت قهرمانانهاش اسرار سازمان خود را برای همیشه در سینه خویش مخفی نگه داشت. یادش گرامی و راهش پیادار.

بقیه از صفحه ۲۴

فدایی شهید رفیق علی رضا شاه بابایی
جاسخشن با آنها بود. در قیام مشکوهمند بهمین ماه نقش فعالی داشت. و سپس هوادار سازمان گشت. به هنگام اشغال در سازمان قاطعانه در مقابل خائنین اکثریتی ایستادگی کرد و به سازماندهی تشکیلات در روستای خود پرداخت و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمیکرد. او در کمیته هماهنگی محل شرکت داشت. رفیق در این مدت همواره نقش ضد انقلابی حاکمیت را افشاء میکرد و برای این کار از روشهای گوناگون و با زبانی گویا برای زحمتکشان اعمال ضد خلقی دولت را با زگو میکرد. از این رو بود که انجمن اسلامی محل که به حق ارگان خلف حاکمیت بود از او کینه ای عمیق بدست گرفت. اعدام رفیق ما هیت کثیف حاکمیت را بعینه در برابر زحمتکشان منطقه خصوصاً "قریه کوتنا" آشکارا ترساخت. علیرضا شهید تا آخر عمر کوتنا هس پیرهن سرخ فدائی را بر تن داشت. او اسم آنها فرزند او ماهاش را "تابما ز" نامید. بود. خودش نیز "توماج" و ار شهید گشت.



یادگارگر
پیشرو

رفیق حسین محمدی گرامی باد

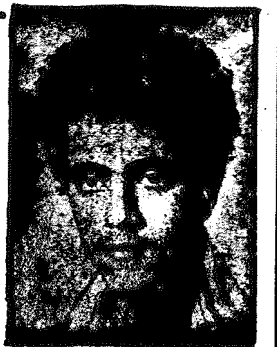
رفیق حسین محمدی در سال ۱۳۲۲ در خانواده‌ای زحمتکش در روانسریکی از روستای کردستان بدنیا آمد. وزندگی پر مشقت خود را در جزا نشیریکی از محله‌های زحمتکش نشین کرمانشاه آغاز نمود.

رفیق بعنوان زاننده در شرکت خدمات عمومی بنا در - بندر عباس بکار مشغول شد. مقاومت و ایستادگی رفیق در مقابل پیمانکاران و سرمایه‌داران زنا و چهره‌های آشنا و مبارز زحمتکشان اسکله بوجود آورده بود.

حین در اقامت با ت، پخش شب نامه و اعلامیه بر علیه رژیم دیکتاتور پهلوی نقشی فعال داشت و چندین بار خانه مسکونی اش مورد حمله پلیس شاه قرار گرفت ولی با هوشیاری از چنگ آنها گریخت.

پس از پیروزی قیام به سال زمان - چریکهای فدائی خلق پیوست و در زیر پرچم خونین سازمان به مبارزه خویش بر علیه سرمایه‌داران و پیمانکاران ادامه داد.

پس از انشعاب با افشای زیربناهای اکثریت بعنوان یک کارگر پیشرو از منشی انقلابی سازمان دفاع و آوارا در میان



گرامی باد
خاطره
فدائی شهید
رفیق
ناصر فتوتی

رفیق ناصر در برورد متولد شد و به هنگام شهادت دبیلمه بیکار بود. او نیز چون حمیدرضا در خانواده‌ای محروم و زحمتکش بدنیا آمد و تا بیست و نه سالگی حمیدرضا و در کنار او به کارگری میپرداخت دوره طولانی از عمر خویش را با حمیدرضا گذرانید و در حقیقت در بسیاری از فعالیت‌های سیاسی رفیق شرکت داشت. او نیز قاطع و انقلابی در اجرای وظایف محوله کوشا بود و لحظه‌ای را از خدمت به منافع کارگران و زحمتکشان درنگ نمیکرد. در تبلیغ مواضع سازمان بطور شفا هی و کتبی تهنیتی خاص داشت و با تمام توان و نیرو



گرامی باد خاطره فدائی شهید
رفیق حمیدرضا ماهیگیر

رفیق حمیدرضا ماهیگیر در سال ۱۳۴۰ در خانواده‌ای فقیر و زحمتکش در وجود بدنیا آمد. دوران تحصیلی را تا پایان دوره متوسطه در همین شهر به پایان رسانید. در هنگام تحصیل نیز چون زندگی سیاسی اش کوشا و فعال بود و همواره از شاگردان ممتاز مدرسه به حساب می‌آمد. تا بیست و نه سالگی تا مین مخارج تحصیل و کمک به پدر و مادرش به کارگری میپرداخت. رفیق از نظر سیاسی مبارزات مردم فعلی چشمگیر داشت. پس از قیام با ما ر کسبیم - لنینیسم آشنا شد و به صف فدائیان خلق پیوست بهنگام انشعاب با خا شنین کمیته مرکزی مواضع جناح انقلابی سازمان را پذیرفت و تا هنگام شهادت یکدم از افشای پورتونیم راست غافل نماند. رفیق حمیدرضا یکی از پرکارترین هواداران سازمان بود. تمام دیوارهای شهر با دگای و راهای و راهای سینه خود دارند. هر لحظه زندگی اش در کوشش و زار و در هر کجا که نشانی از توده‌ها بود حرف تبلیغ مواضع سازمان و کسب اطلاعات و اخبار می‌شد. شبها با وجود حضور با سدا ران سپاه شب به پخش اعلامیه - های سازمان و نوشتن شعار بر دیوار شهر میپرداخت و چه شبها را که تا صبح نمی خوابید و با یکنواختی ادامه میداد. او به همان اندازه که در انجام وظایف انقلابی خویش کوشش داشت، قاطعانه با ضعفها و کمبودهای سازمان برخورد میکرد و علاوه با وجود کمی سن و سال رفیق با تجربه و پخته در کوران زندگی و مبارزه بود.

شکارگران انسان چند را و او را دستگیر کردند. رفیق یکبار موفق شد از دفتر دادستانی انقلاب بگریزد و دیگری با زنی که وحشیا نه شکنجه شده بود با بدنی زخمی و مجروح موفق به فرار شد. آخرین بار در تاریخ خشم مردم در ماه حملیه وحشیا نه مزدوران رژیم به خانه اش سگیر شد. مزدوران رژیم رفیق را بطرز بی رحمانه ای شکنجه کردند اما لبهای رفیق بجز در افشای ما هیت رژیم جمهوری اسلامی گشوده نشد. مقاومت قهرمانانه رفیق حمیدرضا و رفیق فتوتی با ردیگر حماسه بقا و امت همایون کثیرانی را در پاره‌ها زنده کرد و دیگر بار نشان داد که فدائیان راستین خلق جز به خلق نمی اندیشند و در برابر ضد خلق سر تسلیم فرود نمی آورند. سرانجام مزدوران نا امید از کسب اطلاعات رفقا حمیدرضا ماهیگیر و ناصر فتوتی را به همراه پنج زنمنده مجاهد بقیه در صفحه ۲۲

کارگران و دیگر زحمتکشان اشتهاد در در بهمن ماه ۵۹ که رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی نقشه شوم خراج دسته جمعی کارگران و انحلال خدمات عمومی بنا در بندر عباس و بندر خمینی (شاهپور) را در سر میپروا و ندبا تشکیل شورای انقلابی - کارگری این نقشه جلادان جمهوری اسلامی را خنثی نموده و با اتحاد و یکپارچگی با کارگران خدمات بندر خمینی توده‌های محکمی به دولت سرما به داران زدند.

عوامل کثیف سرمایه، انجمن اسلامیهای مزدور در محل چهار چرخمی او را زیر نظر داشتند. وعاقبت انجمن سلاهی شرکت با گزارشی که بر علیه او به سپاه پاسداران داده بود خانه رفیق را به علت دفاع از منافع کارگران در صبح ۱۳/۴/۵۹ بوسیله حدود پنجاه نفر پاسدار و بسیجی سرما به محاصره و وحشیانه رفیق را دستگیر و زوانه زندان نمودند. خود یک ماه در بندر رژیم بود که با مقاومت کارگران وزیر فشار گذاشتن انجمن اسلامی در تاریخ ۱۳/۴/۵۹ زندان آزاد شد و ب قصد دیدار خانواده اش عازم کرمانشاه بود که در جاده اردکان - نا شنین در سده دم ۱۵/۵/۵۹ در اثر تصادف اتوبوس با تانکر نفتکش بدورد حیات گفت. پس از برگشتن کارگران برای سپاس و ستایش از رفیق مجلس یادبودی برپا نمودند که اعضای انجمن اسلامی فردای مراسم با وقاحت و بی شرمی به کارگران گفتند: چرا شما در مجلس یادبود حسین محمدی شرکت کرده‌اید، او یک فرد کافر بوده است. که کارگران با خشم در جواب آنها گفته بودند: شما حتی از مرده‌ها هم وحشیانه‌تر دارید، حال ما دست از سر ما بر نمی دارید، فکر میکنید حسین در اثر تصادف مرده است، شما اورا کشتید!

رفیق حسین هر چند میدانست که روزی با بد میبرد، ولی همیشه میخواست که مرگش سندی باشد برای افشای چهره کثیف سرمایه‌داران زلوصفت و همین طور هم شد. یادش گرامی باد.

و با صداقتی زاید لوصف با بین کار می پرداخت. رفیق با کسبه‌ای وصف نا پذیر در مقابل اکثریتها ی خا شن می ایستاد و آنها را افشاء میکرد. از خصمیت بار ز رفیق فروتنی او بود. رفیق تا صریحا ظاهری آرام، قلبی مملو از عشق به کارگران و زحمتکشان و کینه‌ای عمیق نسبت به دشمنان خلق داشت. او بدور از زهر نوع ظاهر سازی و روشنفکرانه پیگیری و انقلابی مبارزه میکرد. رفیق زادرتا ریختن و چهارم مرداد ما در خانه اش دستگیر کرده و به شکنجه‌گاه بردند. رفیق تا صریحا تحمل تمام شکنجه‌های وحشیانه دژ خیمان هرگز لب به سخن نگشود. و با مقاومت دلیرانه خود پیوزه جانین جمهوری اسلامی را به خاک مالید بگونه‌ای که مزدوران حتی در دنیا فتنده رفیق هوادار چه سازمانی است. سپاه پاسداران در اطلاعیه‌ای که بعد از شهادت رفقا منتشر نمود اورد - زمره هواداران بیکار قلمداد کرد. - شاکا و روز چهاردهم شهریور پانی بود بر زندگی کوتاه ما برپا رفیق شهادت رفیق ناصر را سرخ فدا نشان را رنگیت ترودرخت تنومند انقلاب را با رورتر ساخت. یادش گرامی و راهش پایدار.

گزارشی از زندان اوین

تنبه ۱۸ مهر: طبق معمول هر روز صبح بسیار طولانی بسته شده بود و به نظر می آمد که تعداد خانوادها از هر روز بیشتر بود، اوضاع مثل همیشه عادی به نظر می رسید یک پاسدار در بلبندگویی گفت که یک نفر به توالیت بونا پارک رفته است و در آنجا شعار نوشته است و اگر پیداایش بکنیم تکه تکه اش خواهیم کرد. طبق معمول یک مادر به پاسدارها فحش داد که آنها هم میخواستند دستگیرش کنند که با مقاومت بقیه قضیه منتفی شد. خانوادها چندتا چندتا دور هم جمع شده بودند و صحبت می کردند اکثر صحبت ها در رابطه با نحوه دستگیری فرزندانشان و محکوم کردن حاکمیت بود. اینطور که به نظر میرسد تعداد بسیار زیادی از زندانیان را اجبار کرده اند و عده ای را از اوین به نقاط نامعلومی برده اند. یک دختر که برادرش زندانی بود میگفت که برادرش تلخ کرده و گفته حالش خوب است و تا دو ماه دیگر تکلیفش روشن میشود. گفته که زندان اوین نیست و جای دیگری است ولی نمی تواند بگوید کجا. تعدادی از زندانیان را به منازل سرمایه داران - فراری برده اند و در آنجا نگهداری میکنند. از این نوع زندانیان که کم شده اند کم نیستند، که اوین میگوید رفته قزل حصار و آنجا هم میگویند که اینجا نیست و بهر حال معلوم نیست کجا هستند. البته با زهم گفته میشود که زندانیان به زندان های - قزل حصار، کارآموزی کرج، گوهردشت و شهرهای شمال رفته اند.

بهر حال همه سرگرم همین گفتگوها بودند که ناگهان صدای داد و فریاد یک مادر بلند شد، وی هفته پیش پول برای - پسرش داده بود و این هفته آموده بود رسید بگیرد ولی بجای رسید پول، گفتند که فرزندش تیرباران شده است، مادر شروع به فریاد زدن کرد، رنگش مثل گچ سفید شده بود و مرتب داد میزد، نه رهای مرا گشتند، پدر هم که همراهش آمده بود با دست به پیشانی خود میزد و می گفت پسر مرا گشتند، بقیه در صفحه ۱۵

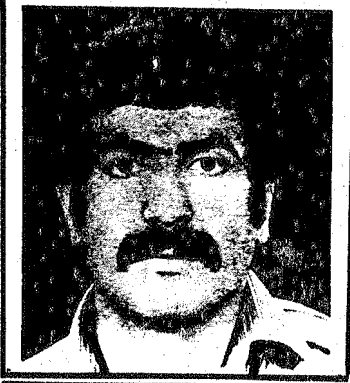
اجباری از جنبش مقاومت خلق کرد

بیشترگان قهرمان افتادند. بیشترگان فدائی دشمنان را بزیارتش سلاحهای خود گرفتند و توانائی هرگونه مقاومت را از آنان سلب کردند. ترس و سراسیمگی این مزدوران بخوبی نفوذ و ابتکار عمل جنبش کرد را به نمایش نهاد. در این درگیری ۸ تن از مزدوران کشته و ۲ نفر زخمی شدند. در این هنگام از مقر حسینیه بسوی بیشترگان تیراندازی شد که بلافاصله به آتش آنان پاسخ داده شد. یک دستگاه اتومبیل سواری که سر نشینانش را مسئولین سپاه و جاشها تشکیل میدادند در حین فرار از سوی - بیشترگان بزیارتش قرار گرفت و از کار افتاد.

پس از این عملیات شجاعانه بیشترگان سالم به پایگاه خود بازمیگشتند و در مسیر خود ضمن خواندن سرودهای انقلابی و - افشای سیاستهای حاکمیت مورد استقبال گرم مردم قرار گرفتند. بقیه در صفحه ۲۱

سپندج ۶۰/۶/۲۱: ساعت ده شب بیشترگان سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران بمناسبت سالگرد شهادت رفقا طهمورث اکبری، جمیل یحجالی، احسن ناهید، شهریار ناهید و ناصر سلیمی که در جریان آموزش سرکوبگران دولت موقت بدست جلادان رژیم در شهریورماه ۵۸ به شهادت رسیدند و همچنین با هدف سرکوبی پاسداران مزدور سرما به وجاشهای خود - فروخته ای که به تارگی اخباریو شالی رژیم را با ور کرده و فرصت طلبانه خیابانهای "سندخوبین ناوی" (سپندج خونین) را جولانگاه شبانه خود قرار داده بودند وارد شهر شده و سراسر خیابان پهنوی سابق را به کنترل خود درآوردند و بین تقاطع چهار باغ و بانک ملی به کمین جا شها و پاداران نشستند. حدود ساعت ۱۰/۵ سه تیم چهار نفری از گشتیهای مزدوران به کمین

چه کند بادل چون آتش ما، آتش تو



فدائی شهید رفیق علیرضا شاه بابایی

در ساعت ۱۱ شب ۶۰/۶/۱۰ با پاسداران سرما به به منزل فدائی خلق علیرضا شاه بابایی کوتناشی هجوم برد و او را - دستگیر میکنند و سوراخا بعد از یک محاکمه فرمایشی در بیدارگاہهای خود در سحرگاه روز جمعه ۶۰/۶/۱۳ او و هفت انقلابی دیگر از تبار زحمتکشان - انان - جوانمردانه تیرباران میکنند.

رفیق در سال ۱۳۳۶ در یک خانواده زحمتکش روستائی در قریه کوتنا - از توابع قاشمشهر بدنیآ آمد. او از همان دوران کودکی، فقرا را پوست و گوشت خود حس کرده و از نزدیک با مسائل و مشکلات زحمتکشان آشنا بود. رفیق - همیشه در بین زحمتکشان بود و در همه بقیه در صفحه ۲۲



فدائی شهید رفیق عبدالرضا غفوری

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی هر چند به پایان عمر نتگین اش نزدیکتر میشود به همان اندازه هم وحشی تر و خون خوارتر میگردد. روز ۶۰/۶/۲۴ رژیم شکنجه و جنایت، قلب پرتپش رفیق فدائی - عبدالرضا غفوری را به همراه سه تن از هواداران مجاهدین خلق، بجرم دفاع از منافع زحمتکشان و بجرم سازش ناپذیری با دشمنان حاکم آماج گلوله - های آمریکائی و اسرائیلی قرار داد تا به خیال خام خود انقلابیون و انقلاب زا سرکوب کرده و نظام سرمایه داری را باز سازی کند، غافل از آنکه هر قطره خون - شهدای خلق دهها رزمنده دیگر برخواهند خاست و طوما رنگین حیات رژیم را در - هم خواهند پیچید.

گزارشی از مبارزات
دانشجویان انقلابی
ایرانی در خارج
از کشور

در صفحه ۱۴

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد